اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۱ دورهٔ سوم دوشنبه ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۶۰ برابر با ۵ محرم ۱۴۰۲ و ۲ نوامبر ۱۹۸۱ بها ۲۵ ریال

تروریسم اقتصادی، خطرناکتر از تروریسم سیاسی

"بیرون کشیدن اموال نامشروع از حلقوم گردن کلفت‌های اقتصادی، حتی اگر مهریهٔ زنان آنها باشد" - آنطورکه رئیس مجلس شورای اسلامی مطرح کرد - مبارزهٔ واقعی وریشه‌ای انقلاب بنفع مستضعفان ومحرومان ودگرگونی های بنیادی است.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه نماز جمعه اول آبانماه ۶۰، مبارزه برای "بیرون کشیدن اموال نامشروع از حلقوم گردن کلفت‌های اقتصادی" را به‌مثابه گام مهمی در جهت "حل مسئله محرومان ومسئله استضعاف" عنوان کرد. امام جمعه موقت تهران در پاسخ به یک ضرورت اساسی انقلاب

بقیه در صفحه ۴

۱۳ آبان، روز تجدید میثاق برای نبرد با آمریکا

سالگشت روز تاریخی ۱۳ آبان فرارسیده است. مردم ایران، این روز را، که در آن ۳ حادثه بزرگ در تاریخ معاصر ایران رویداده است، با شعار "مرگ برآمریکا" در یادها زنده می‌دارند.

شعار "مرگ برآمریکا" از این ر و

بقیه در صفحه ۲



خط امام ومخالفان آن در تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا

" آنهائی که آمریکائی نبودند حمایت کردند (از تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا) وآنها که آمریکائی بودند حمایت نکردند "

«امام خمینی»

در صفحهٔ ۶

بمناسبت ۱۳ آبان، سالروز تسخیر لانه جاسوسی:

برژینسکی به نتیجه نرسید، اما آمریکا یك چهره ندارد

نقشهٔ ملاقات لیبرالها با برژینسکی در پس پرده های دیپلماسی لیبرالی چگونه کشیده شد؟

سرانجام برخی از گردانندگان و برگزیدگان دولت موقت لیبرال ها :

۲۱ اعدامی، جاسوس، فراری وتوطئه گرضد انقلاب!

در صفحهٔ ۷

تأیید نخست وزیر جدید، رأی اعتماد به یك خط سیاسی شناخته شده است

تایید نخست‌وزیری آقای مهندس حسین موسوی از جانب مجلس شورای اسلامی، درپی بحث‌های داغ وقیاس‌ها وبررسی‌های روزهای اخیر، نشان دهنده راه‌وروشی است که جمهوری اسلامی ایران درعرصه سیاست داخلی وخارجی عزم درپیش‌گرفتن آنرادارد. انتخاب وزیر امورخارجه ازسوی رئیس‌جمهوری به عنوان نخست وزیر و تاییداین انتخاب ازطرف مجلس‌شورای اسلامی، که درواقع حاوی رای اعتماد نمایندگان مردم است، درعین حال‌نوعی صحه‌گذاشتن بردیدگاه‌ها، عملکرد واسلوبی است‌که درزمان‌تصدی‌آقای مهندس حسین موسوی ناظر بر دیپلماسی خارجی‌ایران بوده‌است. ازآنجاکه سیاست‌خارجی بطورطبیعی و در شرایط معمول بازتابی ازسیاست داخلی است وتعیین خطوط اصلی دیپلماسی بین‌المللی هرکشور، بدون‌توجه به ملاحظات‌داخلی، ماهیت نیرو یانیروهائی‌که اهرم‌های دولتی را در دست دارند وآمال‌و باورهای این نیروها، میسرنیست، میتوان پیش بینی کردکه سیاست عمومی کشور از این پس به‌نحو مشخص‌تری دارای چه محتوای عمده‌ای است و چه هدف‌هائی‌رادنبال خواهدکرد. این محتوی و این هدف ها رانخست‌وزیر جدید، هنگامی کماداره‌ٔ دیپلماسی جهانی جمهوری‌اسلامی‌ایران رادر دست داشت، باوضوح تمام‌تشریح کرده است. آقای‌موسوی تاکیدکرده‌بود:

"محوراصلی‌سیاست‌خارجی و داخلی ما ضد امریکائی‌است."

آقای موسوی آنگاه این‌دیدگاه‌کلی را درنطق مهمی که در مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد ایراد کرد، در ارتباط بامسایل مشخص موردتفسیر و تعبیرقرار داد. درسراسر این‌سخنرانی خط ضد‌ـ آمریکائی، ضدامپریالیستی، ضد‌ـ استعماری، ضدمناسبات غیر عادلانه اقتصادی، ضدنژادپرستی، ضد سلطه‌ـ جوئی وسلطه‌گری، به‌نحو برجسته ای مشهودبود. مناسبات‌کشورهای‌رشدیابنده نظیرایران‌انقلابی با امپریالیسم‌امریکا، به‌مثابه "رابطه گرگ و میش "توصیف شده وموردشدیدترین حمله قرارگرفته بود.

مادر همان‌موقع‌اعلام کردیم که سیاست‌جدید وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، که در نطق آقای موسوی انعکاس یافته، در خطوط عمدهٔ آن، سیاستی‌است شایسته‌انقلاب ایران، سیاستی‌است که علیرغم برخی‌پیش‌ـ داوری‌ها واشکالات، عناصرواقع بینی‌و رزم‌جویانه ومترقی در آن فائق‌است‌وبر

بقیه در صفحه ۲

بمناسبت شصت وچهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

اتحاد شوروی دوست انقلاب ایران است

۶۴سال پیش، در یک ششم مسکون سیارهٔ ما، انقلابی پیروز شدکه برای نخستین با ردر تاریخ بشر، با استقرارحاکمیت توده‌های‌زحمتکش‌شهر وروستا، براندازی هرگونه استثمار و استکبار و برقراری عدالت‌اجتماعی را محور اصلی همه‌فعالیت‌جامعه‌قرارداد. ازآنزمان‌تابه امروز، از مداخلات مسلحانه ۱۴ دولت سرمایه داری‌به حمایت از ضدانقلاب داخلی (سالهای ۱۲۹۹‌ـ ۱۲۹۷) تاپرورش فاشیسم و حملهٔ خائنانه به سوسیالیسم پیروز (۱۳۲۴‌ـ ۱۳۲۰) همه وسائل آدم‌ـ کشی، تاانواع ترفندهای مبارزهایده‌ـ ئولوژیک را علیه سوسیالیسم واقعی بکاربرده‌اند. اما جامعهٔ بشری، برابر قانونمندیهای عینی تکامل‌تاریخی‌خود در راستای گسترش پیروزی زحمتکشان وکوخ‌نشینان، علیه‌ظلم و استکبار جهانی وبه سود حاکمیت عدل و داد انسانی، باقدم‌هائی‌هرچه استوارتربه پیش‌رفته‌است.

درباره انقلاب‌کبیرسوسیالیستی اکتبر بسیارگفته ونوشته‌اند. لیکن آن چه‌سازمانده پیروزی این انقلاب و بنیانگذار نخستین‌دولت‌سوسیالیستی جهان، ولادیمیر ایلیچ لنین، دربارهٔ اهمیت بین‌المللی آن گفته‌است، هنوز برای همگان آموزنده‌است. در سومین

بقیه در صفحهٔ ۸

بایددرعمل نشان دادکه جنگ باتجاوزگران صدامی مسئله اصلی است

باتقویت پایه‌های توده‌ای جنگ تدافعی

ومبارزه قاطع و پیگیر علیه

امپریالیسم آمریکا،

درعمل نشان دهیم که مسئله اصلی،

جنگ با تجاوزگران صدامی،

و دشمن اصلی، آمریکاست.

بیش از یکسال است که ورود نیرو‌ـ های‌تجاوزگرصدام به خاک ایران، میهن انقلابی ما را در تب و تاب جنگ انداخته‌است. بیش از یکسال است که درگوشه‌ای از میهن انقلابی ما، فضائی بکلی‌متفاوت بادیگر نقاط کشور حاکم است. دراینجا سوت خمپاره‌ها و صفیر بمب‌های مرگ‌زا و ویرانگر، جای هر نوای متعارف دیگر را گرفته‌است‌وخاک تشنه‌اش راهرروزخون سیراب‌میکند. متجاوزازیکسال‌است‌که جانبازی شهدا راه‌حنایتکاران متجاوز را سدکرده‌است یکسال‌است که بهترین‌فرزندان‌انقلاب ازدورترین‌زوایای کشور ویا ازشهرهای

بقیه در صفحه ۲

تهیه شناسنامهٔ روستایی توسط جهاد سازندگی زمینه‌ساز اجرای برنامه‌های انقلابی در روستاهاست

اخیراً توسط وسایل‌ارتباط جمعی اعلام‌گردید که جهادسازندگی درصدد است‌برای‌تک‌تک‌روستاهای کشور شناسنامه‌هایی تهیه‌کند و ذکر شد که هدف‌ازتهیه شناسنامه‌هاتعیین‌موقعیت روستاها ووضع روستائیان در زمینه‌ـ های گوناگون تولیدکشاورزی، دامی، معیشتی و بطور کلی همهٔ امور مربوط به روستا و روستائیان است. اجرای این‌طرح از اول آبان‌ماه ۶۰آغاز شد.

بی‌شک‌این‌اقدام‌بسان دیگراقدامات انقلابی جهاد سازندگی، در صورتی که‌بدرستی وهمه‌جانبه صورت پذیرد، استحکام بخش زمینه‌اجرای برنامه‌های انقلابی به‌منظور ایجادتحول‌درروستا‌ـ هاوبسودمستضعفان‌روستا وکل‌انقلاب وجمهوری اسلامی‌خواهد بود.

انقلاب بزرگ‌ما و فرزند خلف آن‌نظام جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت، تحکیم و شکوفایی به‌اقدامات بنیادی‌وتدوین‌برنامه‌های‌همه‌جانبه و گسترده در وجوه مختلف زندگی احتماعی نیاز مبرم و حیاتی دارند. یکی از این وجوه، که ایجاد تحولات بنیادی در آن‌ضرورت حیاتی‌دارد، اقتصادکشاورزی و درمجموع زندگی اجتماعی در روستاهاست.

ایجاد تحول در روستاها نیز مستلزم تدوین برنامه‌های انقلابی گوناگون‌است، که ضرورتا تدوین آنها بایدمبتنی براطلاعات وآگاهی های گسترده وصحیح از وضع روستاوروستا‌ـ ئیان‌باشد، برای تدوین برنامه‌ـ های‌انقلابی وفراگیر بسود ساکنان زحمتکش روستاها باید وضع مالکیت اشخاص ساکن در روستاها، امکانات بالقوه و بالفعل موجود در روستاهادر گستره‌های‌مختلف، مانند تولید کشاورزی، دامداری و دامپروری، بهداشت و درمان و بطور کلی وضع موجود در روستاها و نیز کمبودها و نیازها، با اولویت‌های هریک، معین‌و مشخص‌گردند.

قدر مسلم‌این‌است که با تکیه‌بر اطلاعات وآمارهای تهیه شده از روستاهای کشور در رژیم منفور گذشته نمیتوان‌برنامه‌های‌گسترده‌و همه گیر انقلابی تهیه وتدوین کرد، زیراآمار‌ـ هاواطلاعات‌بجامانده از سرشماری‌ـ ها در رژیم گذشته، بدلیل مشی و سیاستی که‌آن رژیم در اختفاء فقر و فلاکت توده‌های زحمتکش و چپاول و

بقیه در صفحهٔ ۹

جناب آقای میرحسین موسوی خامنه‌ای!

تاییدنخست وزیری شماازسوی مجلس شورای اسلامی‌رابه‌گرمی‌تبریک گفته، توفیق کامل شمارادرخدمت به میهن‌وبه‌انقلاب اسلامی، مردمی‌وضد‌ـ امپریالیستی‌ایران خواستاریم.

تحرک دامنه‌دارمثبتی که‌در چندماههٔ اخیربه‌همت وابتکارشمادر سیاست خارجی جمهوری اسلامی‌ایران پدیدآمده‌است وبی شک همچنان ادامه‌خواهدیافت این امیدرادردل‌ها برمی‌انگیزدکه‌دردولتی‌که‌به‌ریاست‌شما تشکیل‌می‌شودمسائل معوق ماندهٔ سیاست داخلی نیزقاطعانه‌به‌سود توده‌های مستضعف حل‌شودوجنگ با مزدوران‌صدام‌هرچه‌زودتربه‌پایان پیروزمندانه‌اش برسد

اتحاددمکراتیک‌مردم‌ایران

متحدان بنی‌صدر ـ بورژوازی لیبرال ایران ـ ۳

«سه سه بار به نه بار غلط کردیم، دیگر انقلاب نمی‌کنیم!»

یادآوری

در دوشماره گذشته رئوس سیاست یکی از متحدان اصلی بنی‌صدر، یعنی سرمایه داری لیبرال ایران و نمایندگان سیاسی آن را، بررسی کردیم.

خواننده گرامی بر اساس سخنان صریح دولتمداران لیبرال با سیاست آنها آشنا شد که، چگونه بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، اولین قدم را برای سازش با آمریکا برداشتند وبه‌موازات آن کوشیدند نظام گذشته را حفظ کنند. اکنون، دنباله‌سخن:

لیبرال‌ها، چنانکه هنوز هم، بعداز دو سال ونیم که از پیروزی انقلاب می گذرد، آشکار اعتراف می‌کنند، در رژیم گذشته تنها باشاه مخالف بودند. این مخالفت حتی در حد بیرون‌راندن شاه از کشور هم نبود. سرمایه‌داری لیبرال ایران می‌خواست شاه بماند، اما "سلطنت‌کند نه‌حکومت" (مهندس مهدی بازرگان، درنامه‌ای که در مردادماه ۱۳۶۰ برای نشریه پیام‌انقلاب، ارگان سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی، فرستاده / می نویسد: "شعار "شاه در مملکت مشروطه سلطنت میکند نه‌حکومت"، کهاول‌دفعه مرحوم مصدق در دادگاه عنوان‌نمود و ماسرلوحه‌مرام‌نهضت قراردادیم، مترقی‌ترین وپرخطرترین شعار آن روزگار محسوب می‌شد" (پیام‌انقلاب ـ شماره ۴۲ـ ۱۱مهر ۱۳۶۰ ـ صفحه ۱۳۶)

با این بینش، روشن‌بود که لیبرال‌ها نه تنها با نظام‌گذشته در کلیت آن موافق بودند وتنها تخفیف استبدادشاه خائن را طلب می‌کردند، بلکه‌بامظاهر ونمودهای رژیم پهلوی هم مخالفت نداشتند. درست‌بر همین اساس بودکه‌رئیس دولت لیبرالی از گسترش "... رادیکالیسم قشرها به تمام شئون .." (۵۸/۲/۳۱ اطلاعات) ناراحت بود و عقیده داشت: "... باید آهسته، اما با اطمینان کامل پیشرفت ..." (همان‌جا) بر اساس همین طرز تفکر بودکه اولا در تقسیم بندی انقلاب‌های جهانی به‌این نتیجه رسید که: "... انقلاب‌هایی‌که در دنیا رخ‌داده و رخ می‌دهد، این‌ها را می‌توانیم بطور تقریبی به سه‌دسته‌تقسیم کنیم. انقلاب‌کودتایی، انقلاب‌های‌حزبی وانقلاب‌های ملی. انقلاب‌کودتایی مثل‌کودتای‌سوم حوت ۱۲۹۹، یعنی کودتای‌رضا خان... (او) ۲۰سال سلطنت کرد درنهایت شوکت وقدرت ... هم قاطع بود هم قوی... حتی‌می‌خواهم‌بگویم که‌کودتای‌عبدالناصر... هم‌همین‌طوربود... اما انقلاب‌های حزبی‌مثل انقلاب‌شیلی و یاحتی انقلاب‌هیتلر... (بعد هم انقلاب‌ایران‌که) ملی است ..." (۳۰ تیر ۵۸ـ کیهان)

یعنی‌لیبرال‌هاازربان‌بازرگان‌انقلاب شکوهمنداسلامی، ضدامپریالیستی ومردمی ۲۲بهمن ۵۷راهمپای کودتای انگلیسی رضاخان قرارمی‌دادند وضعف این‌انقلاب را، که به وی اجازه نمی‌دهد "در نهایت شوکت و قدرت ..." صدارت‌کند، دراین‌می‌دانستندکه:

"... ماچوب ... سرعت این انقلاب‌مان‌رامی‌خوریم. اگر انقلاب‌ما درمدت‌طولانی تری... صورت‌می‌گرفت، بطوری که حریف بتدریج‌رمقش را از دست می‌داد و مارمق‌پیدا می‌کردیم، بطوریکه وقتی که واژگون‌می‌شد و پشتش به‌زمین می‌افتاد، دیگر او جائی‌نداشت وتمام‌اقتصاد ورونق و قدرت‌و همه‌چیزداشتیم، وضع (جور) دیگر بود. ولی انقلاب ما اینطور نشد..." (۵اردیبهشت ۵۸ـکیهان)

آیا این‌زبان‌لیبرالی به لهجه آمریکایی رابهتر از این‌می‌شود تعبیرکرد، که بازرگان خود کرده‌است:

"... نظام‌گذشته، یعنی‌نظام‌شاهنشاهی ... چنین‌نبودکه خرابی رامی‌خواست، آبادی هم‌می‌خواست. قدرت‌هم می‌خواست و در این راه سرمایه‌گذاری هم‌می‌کرد..." (۳آبان ۵۸ اطلاعات)

عملکرد دولت لیبرالی نیز، مو بمو، منطبق بر این طرزتفکر بود. لیبرال‌ها نمی‌خواستند ونمی‌توانستند گامی فراتراز خواست‌های‌محدودطبقاتی خود بردارند وبه صراحت ناراحتی خود را از انقلاب، که با گام‌های فرسنگی آنها را پشت سرمی‌گذاشت، اعلام کردند:

"... سه‌سه‌بار نه‌بار غلط کردیم. دیگر ازاین‌غلط‌ها نمی‌کنیم. دیگرماانقلاب‌نمیکنیم... " (بازرگان ـ ۲۴اسفند ۵۷ـ کیهان)

نخست‌وزیر دولت لیبرالی بعدها این "غلط‌کردن" را به صورت زیر تشریح کرد:

"... می‌گویند یک رشتی در جنگل جانور قوی هیکلی را شکار کرده‌بود. بعدلاشه حیوان‌رانزدیک‌قهوه‌خانه‌ای‌بکنارانداخت... چندتن از دوستان وآشنایان‌او رسیدندوچون شکار را دیدند، به‌آن مرد رشتی تبریک‌گفتند که‌بارک‌الله... عجب شکار شیری‌کردی. آن مرداول خیال کرد با او شوخی می‌کنند. بعد پرسید راست می‌گوئید. گفتند آری راست‌می‌گوئیم. مرد رشتی جلورفت و نگاه کرد و از دیدن شکارخودش ترسید و افتاد. حالا این هم‌هرچه می‌گذرد (از انقلاب) بیشترمامتوجه عظمت وارزش آن‌می‌شویم، ولی به‌هرحال‌کاری است‌که‌کرده‌ایم..." ۲۶فروردین ۵۸ـ کیهان)

اگر از این‌بگذریم که رئیس دولت لیبرالی با کمال فروتنی (!) خودرا جای آن کسی می‌گذارد که شیر شکار کرده، یا انقلاب کرده‌است، به یک نکته اساسی و بنیادی در سخنان رئیس دولت‌موقت برمی‌خوریم، و آن اینکه، لیبرال‌ها از انقلاب‌پشیمانند، خواستار ترمز کردن‌انقلاب‌اند واز تعمیق آن در هراس. آن‌ها بوضوح‌می‌گویند: "... آن مرد ... ترسید و افتاد..." (همان‌جا)

ابوالحسن‌بنی‌صدرفراری، که درآن‌موقع عضوشورای‌انقلاب‌بود، وبااستفاده‌ریاکارانه از دولت‌موقت، موذیانه‌رأی آینده راجمع می‌کرد، بینش‌دولت‌لیبرالی‌را به‌ترتیب‌زیرتشریح‌کرد:

"... باور من‌این است که بنیاد ساختمانی رژیم سابق‌رادولت‌مهندس‌بازرگان می‌خواهد نگهدارد، می‌خواهد آن را اصلاح کند. ومشکل اوهم‌اینجاست و مشکل شورای انقلاب هم همین‌است که ناچار است با این دولت‌کاربکند، نتیجتاً کندشده وکارآیی‌اش را ازدست‌داده... دیدمن با دید مهندس بازرگان‌سازگاری ندارد و بنیاداً باهم‌اختلاف داریم..." (۲۴شهریور ۵۸ـ کیهان)

البته بعدها روشن‌شدکه دید بازرگان‌و بنی‌صدر "بنیاداً" باهم اختلافی‌نداشته و این حرف‌ها در چارچوب دعوا بر سرقدرت بوده است. امابه‌هر حال به دلیل همین خواست حفظ‌چارچوب نظام گذشته‌بود، که بازرگان دیگران را از بی‌حرمتی به قوانین آن دوران وآخرین نخست‌وزیرشاه‌ملعون، یعنی بختیار بازمی‌داشت. سخنان‌دولتمردان لیبرال رادر این‌باب‌بازخوانی‌می‌کنیم:

"... ملاک‌عمل وکار برمبنای قانون اساسی است، منهای سلطنت..." (بازرگان ـ ۱۰شهریور ۵۸ـ کیهان)

و یا: "... حزب‌توده‌به موجب قوانین موجود غیرقانونی است، و ما بایدازاین‌قوانین اطاعت‌کنیم..." (مصاحبه بازرگان بانیوزویک ـ ۳اسفند ۵۷ـ اطلاعات)

و: "... سیاست اقتصادی کشور عوض نمی‌شود..." (۵اسفند ۵۷ـ کیهان ـ علی اردلان‌وزیراقتصاد)

وبازهم:

"... نظام موجود رابه‌هوای نظامی که جانشین‌نشده برهم‌نزنید..." (بازرگان، ۱ اسفند ۵۷ـ کیهان)

وامیرانتظام با صراحت بیشتر: "... دولت‌مد نظر دارد که روال کاربه‌صورت‌عادی وبه‌همان‌سیستم‌گذشته‌برگردد..." (۲۷ فروردین ۵۸ـ کیهان)

ویا: "... ما خواه‌ناخواه اسیر آنچه شده‌هستیم..." (۱۴ تیر ۵۸ـ کیهان ـ از سخنان بازرگان)

وبالاخره‌حسن‌نزیه: "... من‌معتقد بودم مناسب خواهد بود با قانون اساسی موجود منهای سلطنت ... مملکت را تامدتی ... اداره‌کرد... بخصوص که قانون اساسی فعلی ... هم ... متکی به اصولی ملی و اسلامی وایرانی‌است..." (۹ مرداد ۵۸ـ کیهان)

ویا: "... ما قانون اساسی قدیم را، منهای آنچه که سلطنت و دنباله‌ها و آثار سلطنت‌باشد، قبول داریم..." (از سخنرانی بازرگان، ۲۱ بهمن ۵۷ ـ اطلاعات)

وبازهم:

... فعلا قانون اساسی به‌جز مواردی که‌مربوط به شاه و سلطنت است، مورد عمل می‌باشد..." (ازمصاحبه بازرگان‌اول اسفند ۵۷ـ اطلاعات)

وباز هم صریح‌تر: "انقلاب‌ایران با رنگ وبوی‌اسلامی‌خوددرسال ۱۳۵۷ به‌پیروزی رسید... در آن شرایط‌پیروزی انقلاب این اندازه عداوت و کینه نسبت به آمریکا وجود نداشت. مسئله‌محاکمه‌شاه و پس گرفتن پول‌های‌اونبود، اعدام‌اونبود، این امر اصلا بفکر هیچکسی حتی‌رهبرانقلاب هم نمی‌آمد..." (ازسخنرانی بازرگان در حسینیه‌ارشاد ـ ۲۶ آبان ۵۸)

آری، خواست‌های واقعی‌لیبرال‌هاچنین بود: "... (اینها) هیچوقت جزو اصول انقلاب (لیبرال‌ها)... قطع‌ارتباط ومخاصمه، چه‌سیاسی وچه‌نظامی با دولت‌های غربی به طور کلی وآمریکا نبود..." (بازرگان، ۴دی ۵۸ـ اطلاعات)

فرار بختیار از مرز بازرگان

خلاصه براین مبنا، نخست‌وزیر دولت لیبرال به‌دفاع‌از رژیم‌گذشته، سیستم‌اقتصادی، اجتماعی‌و سیاسی آن وحتی شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه ملعون پرداخت:

"... باید بگویم با شناختی که از ایشان (بختیار) دارم، آنهم شناختی ۳۴ ساله، مبتنی بر مبارزه علیه فاشیسم و بعد مبارزه درکنار دکتر مصدق... و پس‌از آن است، مطمئنم ایشان‌در برابر خواست ملت استعفا خواهند داد..." (ازسخنان‌بازرگان ۴بهمن ۵۷ـ اطلاعات)

ومهندس حسیبی، از سران جبهه ملی و از مقامات دست‌اول شرکت نفت در دوران دولت‌موقت، به‌صراحت اظهار داشت:

"... شاهپور بختیار قصد خیانت به کشور رانداشت..." (۳۱ خرداد ۵۸ـکیهان)

بازرگان‌وبیشتر اعضاء دولت لیبرال‌وی هرگز حاضرنشدند کلمه‌ای علیه بختیار، حتی وقتی که ماهیت وی برهمگان روشن بود، بر زبان آورند. بعضی از اعضای‌این دولت‌هم، مانندحسن‌نزیه ومدنی و مقدم‌مراغه‌ای‌بعد ها رسمابه‌باند بختیار پیوستند. بیهوده‌نبود که مردم‌هشیار ما، بعداز فرار بختیار، به‌طنز می‌گفتند: بختیار از مرز "بازرگان" فرار کرد. اکنون که به‌گذشته نظر می‌اندازیم، چگونگی فراربختیار خائن‌هنوز یک سئوال بزرگ‌است.

خبرگزاری پارس، روز ۲۴ بهمن ۵۷، یعنی دو روز پس‌از قیام مسلحانه مردم‌اعلام کرد:

"... شاهپور بختیار، آخرین نخست وزیر رژیم‌سابق، سرانجام... دستگیرشد..." (کیهان)

روز ۲۵بهمن سال ۵۷، یعنی فردای آن روز، دکتر صالحخو، مسئول‌کمیته ارتباط با مطبوعات نخست‌وزیری، درپاسخ به سئوال یک‌خبرنگار مبنی بر اینکه: "آقای‌بختیارتحت چه‌شرایطی بازداشت شد" (کیهان)، پاسخ داد: "در این مورد اطلاعی ندارم." (همان جا) و وقتی از او پرسیده شد: "آقای بختیار کجا نگهداری می‌شود"، گفت: "این موضوع رانمی‌توانم‌بگویم." (همان‌جا)

نتیجه: بختیار، همانطور که روزنامه ها نوشته‌بودند، بازداشت‌شده‌بود و در اختیار دولت‌موقت‌بود. روز ۲۳بهمن نیز "... یک مقام‌مطلع در دفتر مهندس بازرگان امروز خبر خودکشی بختیار راتکذیب‌کرد..." (سال ۵۷ ـکیهان)

دوروز بعد دکتر صالحخو، مسئول کمیته ارتباط با مطبوعات: "... درباره دستگیری دکتربختیار ... توضیح‌داد که از نخست وزیر سابق بازجوئی خواهد شد و در صورت بی‌گناهی بلافاصله آزادمی‌شود." (۲۵بهمن ۵۷ ـ اطلاعات)

تا اینکه پسر شاهپوربختیاردریک‌مصاحبه با رادیو "اروپای‌آزاد" اعلام کرد که: پدرش زنده‌است و درامنیت به‌سرمی‌برد..." (۳۰ بهمن ۵۷ـ اطلاعات)

اماکدام امنیت و در پناه‌چه کسی روزنامه‌اطلاعات ازقول پسر بختیار در این مورد نوشت:

"... وی خاطرنشان‌ساخت که با پدرش یک‌گفتگوی تلفنی‌انجام‌داده‌است. پسرشاهپور بختیارسپس اضافه‌کردکه خطوط تلفنی چون به‌وسیله‌افراد انقلابی کنترل می‌شده، وی مجبور شده‌است به‌وسیله یک خط ویژه‌باپدرش صحبت‌کند... پسرشاهپوربختیار... در موردمناسبات پدرش بامهدی بازرگان نخست‌وزیرجدیداعلام‌داشت که وی یکی از دوستان خیلی‌نزدیک‌اوست (شاهپوربختیار) و این دو به‌مدت ۳۰ سال یکدیگر را می‌شناسند. اوگفت. امیدوارم بازرگان پدرم راحفظ کند..." (همان جا)

۷ روز بعد روزنامه کویتی الوطن اعلام کرد:

"... بختیار به‌وسیله یکی از بلندپایگان‌دولت‌کنونی ایران وکسی که سال‌ها با وی همرزم‌بوده، فرارداده‌شده‌است..." (۷اسفند ۵۷ـ کیهان)

والبته هنوز که هنوز است، معلوم نیست بختیار چگونه‌فرارکرد. اما تردیدی نیست که لیبرال‌ها همکار و دوست دیرین خود را فراری داده‌اند.

استرداد شاه؟ نه!

لیبرال‌هاکه بختیار رافراری‌دادند، مسلم بودکه‌برخلاف مردم ایران ـ هرگزدرفکر بازستاندن شاه و خانواده او نبودند:

"... درآن شرایط پیروزی‌انقلاب ... مسئله محاکمه‌شاه و پس گرفتن پول های‌اونبود، اعدام‌اونبود..." (ازسخنرانی بازرگان در حسینیه‌ارشاد، ۲۶آبان ۵۸ـ اطلاعات)

به‌همین دلیل مسئولین دولت‌موقت‌هرگز بطور جدی خواستار استرداد شاه خائن‌نشدند:

"... (سنجابی درمصاحبه با دوروزنامه کویتی) این شایعه راتکذیب کرد که‌دولت‌ایران ازمراکش‌خواسته‌است شاه را از آن کشور اخراج کند..." (۱۰ اسفند ۵۷ـ کیهان)

بعدهم که فریاد مردم بلند شد، لیبرال هاخیلی به‌خودزحمت‌دادند و به آمریکا تشر زدندکه:

"... او (یزدی) ابراز امیدواری کرد که آمریکا به‌شاه‌مخلوع‌اجازه دیدار یا زندگی در آمریکا را ندهد. اوگفت که جلوگیری از ورود شاه‌به‌آمریکا یک ژست حسن‌نیت خواهدبود..." (۱۶ اردیبهشت ۵۸ـ کیهان ـ ازمصاحبه‌یزدی بانیویورک‌تایمز)

و این سیاست‌شاه‌دوستی ادامه‌یافت، تا ماجراهای‌دور و دراز قطب‌زاده، که در جای‌خود خواهد آمد.

(ادامه‌دارد)



و رشکستگان به تقصیر!

اتحاد مردم

شماره ۱۰۱ دوره سوم دوشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۶۰

۱۳ آبان...

بقیه از صفحهٔ ۱

در این روز طنین خروشانتری می گیرد که خلق ایران ، در سیزدهم آبان ، توطئه های پیاپی آمریکا را برای خاموش کردن این شعار در هم شکسته است .

سیزدهم آبان ۱۳۴۳ ، وقتی رژیم شاه ، به دستور اربابان آمریکائی خود ، امام خمینی ، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، را تبعید کرد ، می خواست صدای امام را ، که توده ها را به نبرد علیه شاه ـ آمریکا ـ اسرائیل فرامی خواند ، خاموش کند . اما چنانکه رسم تاریخ است ، این صدای بر حق خاموش نشد . چندان طول نکشید که مردم قهرمان ایران زیر پرچم رهبر تبعیدی خود گرد آمدند و ایران یک دهان شد ، که خواستش این بود :

ـ مرگ بر شاه !
ـ مرگ بر آمریکا !

دژخیمان شاه ـ آمریکا برای خاموش کردن این فریاد میلیونی ، دست به جنایات هولناکی زدند ، که در ۱۳ آبان ۵۷ به اوج خود رسید . در این روز جلادان آریامهری دانشجویان و دانش آموزان را بارگبار مسلسل ها درو کردند ، تا راه انقلاب را سد کنند .

اما انقلاب بساط سلطنت را به زباله دان تاریخ افکند وباشعار : "بعد از شاه نوبت آمریکاست" ، به سنگرهای باقیمانده امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی آمریکا ، یورش برد . این یورش که دشمنان رنگارنگ انقلاب از لیبرال ها که در دولت بودند گرفته تا مائوئیست های آمریکائی ، ساواکی ها ، بزرگ سرمایه داران و کلان زمینداران و ...) می کوشیدند به انواع حیل آن را سد کنند ، در سیزدهم آبان ۱۳۵۸ به مرحلهٔ کیفی نوینی رسید . وقتی که دولتمردان لیبرال از ملاقات با برژینسکی ، مشاور امنیتی کارتر رئیس جمهور وقت دشمن اصلی ، بازمی گشتند و انقلاب در آستانه مسخ شدن بود ، جوانان مسلمان انقلابی دلیرانه به صحنه نبرد پاگذاشتند . آنها ، که به فرمان رهبر انقلاب ، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده بودند ، ظهر سیزدهم آبان ۱۳۵۸ از دیوار لانه جاسوسی آمریکا در ایران بالا رفتند و دژ اصلی توطئه علیه انقلاب را فتح کردند .

این عمل قهرمانانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، "انقلاب دوم" را در ایران آغاز کرد ، انقلابی که ، به قول امام خمینی ، "بزرگتر از انقلاب اول بود" . "انقلاب دوم" ، که رسوائی هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا و بسیج توده ها برای قطع ریشه های آن را هدف گرفته بود ، بلافاصله با تائید رهبر انقلاب و توده های میلیونی روبرو شد .

رهبر انقلاب گفت :

ـ در ایران باز انقلاب است ، انقلاب بزرگتر از انقلاب اول

ـ گروگانگیری عکس العمل جنایات آمریکا بود .

ـ الان مرکز فساد آمریکا را جوانها گرفتند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی ـ تواند بکند .

ـ در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست .

و ... در پاسخ این ندای انقلابی ، توده های میلیونی از دورترین نقاط به تهران آمدند و در مقابل لانه جاسوسی ، با فریاد "مرگ بر آمریکا" ، ننگ و نفرت خود را نثار دشمن اصلی کردند . ایران یکپارچه "مرگ بر آمریکا" شد . تا ماهها . شب و روز ، کارگر و دهقان روشنفکر و زحمتکش ، زن و مرد ، بزرگ و کوچک ، بی وقفه از مقابل لانه جاسوسی رژه رفتند و شعار "مرگ بر آمریکا" سر دادند .

با فتح لانه جاسوسی آمریکا ، نه تنها انقلاب از مرگ زود رس بدست لیبرال ها نجات پیدا کرد ، بلکه جان تازه گرفت و خروشان به پیش تاخت .

بدنبال سخنان امام خمینی ، که روز ۲۶ آبان ۱۳۵۸ گفتند :

"قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف و روی دشمن انسانیت ، که در راس آن آمریکا است ، نشانه روید" ،

مردم ایران با شعار : "به گفته خمینی ، آمریکا دشمن اصلی ماست" بسیج شدند و این فریاد تا اعماق روستا ها ، تا قلب کارخانه ها رسوخ یافت . بی ـ گمان همه گیر شدن این شعار ، که در عرض چند روز به دوردست ترین نقاط ایران رفت و مستقیما دشمن اصلی ـ آمریکا ـ را هدف قرار داد ، در شرایطی غیر از آن شرایط ، که تسخیر جاسوسخانه آمریکا فراهم آورد ، به سالیان دراز وقت نیاز داشت .

با افشاگری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، مردم ما با توطئه های آمریکا و عملکرد آن بیشتر و بهتر آشنا شدند و به روشنی تمام دریافتند که چگونه از لانه جاسوسی آمریکا همهٔ توطئه ها نه تنها علیه انقلاب ایران ، بلکه علیه جنبش های مترقی و حرکت ـ های انقلابی در سراسر منطقه هدایت می شده است .

تسخیر لانه جاسوسی امریکا بر روند مبارزهٔ نیروهای محافظه کار و لیبرال از یکسو و نیروهای انقلابی و مردمی از سوی دیگر ، تاثیر جدی گذاشت . دو جناح عمدهٔ حاکمیت در آن زمان ، تحت تاثیر این حادثه ، آشکارا در مقابل هم صف ـ بندی کردند . اسنادی که از لانه جاسوسی امریکا بدست آمد ، چهرهٔ واقعی لیبرال ها و نقشه های سازشکارانه آنها را روشن کرد چهره های ناشناس لیبرال را به مردم معرفی نمود و نشان داد که چگونه جاسوسان آمریکا در پست سخنگوی دولت لیبرالی فعالیت داشته ـ اند . و سرانجام با سقوط دولت لیبرالی و تشدید مبارزه دو جناح ، توده های خلق با "خط امام" و مخالفان آن ، از جمله لیبرال ها بیشتر و بهتر آشنا شدند . تشدید مبارزه انقلابی و طبقاتی چنان بود که شعار "مرگ بر لیبرال سازشکار" در ردیف شعارهای اصلی قرار گرفت و یکی از خطرناک ترین نقشه های دشمن ، یعنی مسخ انقلاب از درون به یاری لیبرال ها انشاء در آن مرحله خنثی شد .

در عرصه جهانی نیز عکس العمل کشورهای مختلف ، صف دوستان و دشمنان انقلاب را مشخص تر کرد و روشن شد که کدام نیروها در کنار آمریکا وکدام در کنار ایران انقلابی قرار دارند

"گروگان "های جاسوس آمریکائی سرانجام در بهمن ماه ۱۳۵۹ آزاد شدند ولی روند بعدی حوادث و توطئه ها ی آمریکا این واقعیت را تائید کرد که ، آمریکا ایران را میخواسته و میخواهد ، نه "گروگان" ها را . وقتی بعد از آزادی "گروگان" های جاسوس ، امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکا ، به توطئه ـ های رنگارنگ خود علیه ایران ادامه داد ، پتهٔ همهٔ آنها ـ بویژه لیبرال ها ـ که تبلیغ می کردند آمریکا فقط بخاطر "گروگان گیری" به خصومت با ایران بر ـ خاسته ، روی آب افتاد . باز به اثبات رسید که آمریکا ایران را می خواهد .

اکنون ، در سالگرد روز تاریخی ۱۳ آبان ، امپریالیسم جهانی ، به سر ـ کردگی امپریالیسم آمریکا در سطح منطقه آماده تهاجم به کشورهای انقلابی و در راس آنها ایران می شود . چنانکه ، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران اعلام می کند :

"توطئه جدیدی در حال تکوین است . این توطئه بزودی به سراغ ما خواهد آمد ." (۲۶ مهر ۶۰ ـ جمهوری اسلامی)

از این روست که در سالگشت ۱۳ آبان ، خلق ما متحد و یکپارچه با شعار "مرگ بر آمریکا" این روز را گرامی میدارد و میثاق می بندد که به رزم خود ، تا ریشه کن شدن سلطه امپریالیسم بسرکردگی امریکا از ایران ادامه دهد .

باید در عمل...

بقیه از صفحهٔ ۱

بزرگ ، با شوری به وسعت نفرت مردم از دشمنان آزادی و استقلالشان ، روانهٔ این خطه میشوند و هر روز گروهی از بهترین آنها ، یا بر سر دستها و یا با زخمی بزرگ بر پیکرشان به شهر و دیار خود بازمیگردند . آنها خون میدهند تا انقلاب پایدار بماند و نیروی دشمن تحلیل رود . یکسال است که نبض انقلاب در این نقطه می طپد .

فزون از یکسال پیش رژیم صدام به تحریک و با حمایت بی دریغ امپریالیسم آمریکا و متحدان و وابستگان اش ، خاک ایران انقلابی را مورد تجاوز قرارداد . تجاوزگران تصور میکردند که باوجود خائنینی چون بنی صدر و دیگر عوامل توطئه گر ناشناخته در مقامات حاکمیت ، خواهند توانست ظرف چند روز انقلاب را درهم بکوبند و نابود کنند . اما مردم انقلابی ، نیروهای بسیج مردمی ، پاسداران جان بر کف انقلاب و ارتشیان دلاور در مقابل متجاوزان ایستادند و با سلاحی اندک وگاه با دستی خالی ، از پیشروی دشمن ممانعت کردند و تمام محاسبات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را بر هم زدند .

شکست طرح "پیروزی برق آسا" ، که با فداکاری و از جان گذشتگی مردم انقلابی عملی گشت ، طرح دیگری را در دستور دشمنان تشنه بخون انقلاب قرارداد و آن بهره جویی از ادامه جنگ فرسایشی به منظور تضعیف انقلاب بخاک و خون کشانیدن بهترین فرزندان انقلاب و تحلیل بردن بنیهٔ اقتصادی کشور بود . و این هدفی است که بیش از یکسال است دنبال میشود .

در این دوران ، رژیم جنایتکار صدام ، با پشتوانهٔ حمایت همه جانبه کلیه دولت های مرتجع و سرسپرده منطقه از سلاح های مصر و آواکس عربستان گرفته تا تسهیلات بندرعقبه ، از میراژ ـ های فرانسوی گرفته تا تانک های چیفتن انگلیسی و تجهیزات امریکائی ، از حمایت همه جانبهٔ دستگاه تبلیغات امپریالیستی گرفته تا جانبداری جهان سرمایه در کلیه مجامع دیپلماتیک ، میهن انقلابی ما را مورد حملات وحشیانه قرارداد . بمباران شهرها و ویران کردن بیمارستان ها از هوا و زمین ، با موشک ـ های ۹ متری و خمسه خمسه ، که با هدف ویران کردن کلیه آثار زندگی بعمل می ـ آید ، چهره واقعی رژیم صدام را آشکار میسازد .

جنگ عادلانه با تجاوزگران صدامی ، جنگی که هرروز عده ای از مدافعان انقلاب را به خاک و خون می ـ کشاند و دهها هزار تن از جوانان را در جبهه و میلیونها نفر را در پشت جبهه به خدمت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گرفته است مسئلهٔ اصلی ما است ، و شکستن خنجر خونینی که در پهلوی انقلاب ایران قرار گرفته و کلیه نیروهای امپریالیستی و توطئه گران داخلی میکوشند ، تا آنرا هر چه بیشتر در پیکر جمهوری اسلامی ایران فروکنند ، وظیفهٔ اصلی ماست .

این واقعیتی است که خنجر خیانت و تجاوز صدام تابحال خون های بسیار از پیکر انقلاب فرو ریخته و با نابود ـ کردن گروهی از بهترین و موثرترین مدافعان آن ، لطمات سنگین بر انقلاب وارد ساخته است . اما این نیز حقیقتی است که به برکت پایداری و جانبازی توده های میلیونی مردم ما در مقابله با این توطئه خطرناک ، صدام هر روز بیشتر در ورطهٔ شکست و نابودی فرو ـ می رود و جنبش انقلابی مردم عراق علیه خودکامگی ها و جنایات صدام و عوامل وی ، اوج بیسابقه یافته است . سپاه پاسداران در این جنگ میهنی آبدیده شده و به نیروئی کارآزموده و مجهز بدل گشته و ارتش در این آزمون بزرگ جای واقعی خود را به عنوان نیروی مسلح مدافع انقلاب بازیافته است .

پایداری انقلاب در این جنگ تحمیلی ، که به نیروی حمایت توده های میلیونی مردم تحقق پذیرفت ، چهرهٔ واقعی شیطان بزرگ ـ امپریالیسم آمریکا را ، بعنوان دشمن اصلی و جنایتکار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، بیش از پیش بر مردم و مسئولین نمایاند و این واقعیت را بار دیگر ثابت کرد که نه فقط مسئلهٔ اصلی جنگ است ، بلکه دشمن اصلی نیز امریکاست و باید تمام نیرو و توان و امکانات را ، همانگونه که امام خمینی گفته اند ، برای حل مسئله جنگ و علیه تجاوزگر اصلی ـ آمریکا متوجه ساخت .

اما این نتایج عظیم ، که به برکت تجارب سخت پدید آمده است ، نباید تنها در شکل شعار باقی بماند . اگر مسئله اصلی جنگ است ، باید در عمل بدان جای اصلی را داد و تمامی اقدامات لازم را برای گسترش پایه های توده ای جنگ تدافعی ، که تنها ضامن حفظ انقلاب از گزند تجاوز و شکست تجاوزگران صدامی است ، انجام داد . باید با تصویب و اجرای سریع و قاطع اصلاحات ارضی بنیادی ، ۱۸ میلیون دهقان را ، که بخش عمدهٔ نیروهای مسلح را تشکیل میدهند ، بیش از پیش به ضرورت دفاع تا پای جان از انقلاب معتقد ساخت و با مبارزهٔ قاطع با کلان سرمایه داران غارتگر از طریق تصویب و اجرای هرچه سریعتر دولتی کردن بازرگانی خارجی ، بار گرانی کمر ـ شکن را از دوش میلیون ها کارگر و زحمتکش برداشت و به آنها نشان داد که تنها پیروزی انقلاب ایران ، که جز به قیمت دفاع فداکارانه از آن میسر نمی شود ، ـ استقلال ، آزادی ، رفاه ، سعادت را برای آنها به ارمغان خواهد آورد .

واگر دشمن اصلی آمریکاست ، باید تمام توجه و نیروی خود را علیه آن متوجه ساخت و با هرگونه گرایش انحرافی برای خارج ساختن آمریکا از زیر ضربه ، قاطعانه مبارزه کرد و شعار "مرگ بر آمریکا" را یک دم فراموش نکرد .

باید در عمل نشان داد که مسئلهٔ اصلی جنگ و دشمن اصلی آمریکاست .

هنرمندی که "امنیت" اسرائیل را تهدید می کند

چندی پیش اشغالگران قدس سلیمان منصور نقاش و کاریکاتوریست پر آوازهٔ فلسطینی را به جرم عکس برداری از مناطق "ممنوعهٔ نظامی" دستگیر و زندانی کردند .

اشغالگران برای سرکوبی مخالفان خود همیشه از این بهانه ها استفاده می کنند . جایی که سلیمان منصور در آن عکسبرداری می نمود در حقیقت مناطق مسکونی اعراب فلسطینی بود .

دستگیری این هنرمند به این بهانه موجی از اعتراض در مناطق اشغال شده برانگیخت . "اتحاد" ارگان حزب کمونیست اسراییل به این دستگیری شدیدا اعتراض نمود .

صهیونیست ها پس از ۹ روز مجبور به آزاد کردن هنرمند فلسطینی شدند .

سلیمان منصور در آثار خود اعمال فاشیستی صهیونیست ها را افشا کرده و به رزمندگان فلسطینی در مبارزه با اشغالگران نیرو و امید می بخشد .

"روزنهٔ زمینی" یکی از کارها ی اوست که بازوی توانای مردم زحمتکش فلسطین را در غلبه نهایی بر بیدادـ گران تا دندان مسلح قدس به روشنی تصویر می کند :



تأیید...

بقیه از صفحهٔ ۱

اساس این واقعیت ، حرکت مصمم سیاست خارجی کشور را برای رهاکردن گریبان خود از چنگال ارزش ها و ارثیهٔ لیبرال ـ ها که از آغاز انقلاب بر وزارت امور خارجه چیره بودند ، با خوشبینی ارزیابی کردیم .

اینک رئیس جمهوری ، که ۱۶ میلیون رای مردم پشتوانهٔ اوست و اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، همین را مورسم را ترغیب می کنند . انتخاب و تایید آقای موسوی در واقع رای اعتماد به این خط است و آن پشتوانهٔ وزینی که از آن یاد شد ، گواه آنست که این خط ، که همان خط امام خمینی و خط راستین انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران است ، برای پیشرفتن و نشستن به کرسی پیروزی ، از امکان و نیروی ذخیره سیاسی بزرگی برخوردار است خطی که بخاطر قرارداشتن در راستای خواست های اصلی انقلاب و مردم دورنما دارد و میتواند نیروی ذخیره مادی و معنوی خود را در جریان عمل و با جلب اعتماد بیشتر توده ها بازهم افزایش دهد .

مبارزهٔ با امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا ، که آقای مهندس میرحسین موسوی آنرا " محور اصلی سیاست داخلی و خارجی " کشور اعلام داشته بود ، در عرصه بین المللی آماج های نسبتا روشنی دارد ، که در نطق مجمع عمومی سازمان ملل متحد رئوس اساسی آن ترسیم شده بود . این مبارزه حیاتی اما در داخل کشور بغرنج تر و ، میتوان گفت ، دشوارتر است مبارزه بر ضد امپریالیسم و بر ضد شیطان بزرگ آمریکا در سیاست خارجی ، موقعی میتواند به ثمربخشی خود مطمئن شود که وظایف خود را در داخل کشور سامان داده باشد . در غیر اینصورت ، ارادهٔ یکفرد یا یک گروه از افراد و خوی و خصلت انقلابی آنها به تنهائی نمیتواند پیگیری و موفقیت نهائی این مبارزه را تضمین کند . برعکس ، این اراده و این خوی و خصلت و روشن بینی ، بدون داشتن زمینه عینی لازم ، بدون در هم ـ شکستن قطعی پایگاه های داخلی امپریالیسم ، بدون بیرون آوردن اهرم ـ های کلیدی اقتصاد از دست عوامل و ایادی آن و از هم پاشیدن مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و نظامی زائیده در آن و زاینده آن ، در طی زمان محکوم به شکست خواهد بود .

مهمترین پایگاه های داخلی امپریالیسم و [illegible] جهانی آن در میهن ما سرمایه داری بزرگ وابسته ، زمین داری کلان و بطور کلی مالکیت بزرگ خصوصی است . اجرای سریع ملی کردن تجارت خارجی ، اجرای قاطع و فوری بند "ج" وبند "د" در روند به تاخیر افتادهٔ "اصلاحات دموکراتیک ارضی" ، گسترش بی وقفه مالکیت دولتی بر صنایع کلیدی و تولید بزرگ ، توسعهٔ همه جانبهٔ تعاونی ها و مالکیت تعاونی ، اعمال کنترل دولتی بر شبکه های حمل و نقل و توزیع کالا و عرصه های عمده خدمات و تجدید نظر اصولی در توزیع درآمد و ثروت عمومی همهٔ اینها مبارزهٔ عملی با امپریالیسم و شیطان بزرگ آمریکاست

انقلاب ، به دلیل سازشکاری و تسلیم طلبی لیبرال ها و عناصر و جاسوسان متعهد به امپریالیسم ، که در زمان دولت موقت لیبرال و از مجرای رئیس جمهور فراری ، به مواضع حساس جامعه و دستگاه های اجرائی دست انداخته بودند ، فرصت های گرانبهائی را از دست داده است . تحقق این آمال و هدف های انقلابی ، ملی و مردمی دیگر تاخیر بردار نیست . از همین روست که مردم و نیروهای اصیل هوادار انقلاب ، با شناختی که از روش سیاسی نخست وزیر جدید دارند ، انتخاب ایشان را گامی در جهت وصول به این هدف ها و رفع این نیازها میدانند . مردم خوشبین تر از گذشته منتظرند . . .

تروریسم اقتصادی...

بقیه از صفحه ۱

تاکید کرد که، آنچه از مستضعفان ربوده شده، باید از مستکبران و "گردن کلفت‌ها" پس گرفته شود، "حتی اگر مهریه زنانشان باشد"

رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبهٔ نماز جمعه هفته قبل، رباینده‌گان بیت‌المال و سودپرستان و خرابکاران فعال در عرصه های اقتصادی را با عنوان "تروریست اقتصادی" مورد خطاب قرار داده بود. در پی این خطاب، حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی نیز بخشی از مصاحبه مطبوعاتی و رادیو- تلویزیونی خود را به "تروریسم اقتصادی"، که موریانه‌وار انقلاب را از پایه می‌جود، اختصاص داد. دادستان کل انقلاب این تروریست‌ها را که در سیمای مختل‌کنندگان و دسیسه‌گران در جبهه اقتصاد عمل میکنند، "شرور"، "جنایتکار" و "ضدانقلاب" توصیف کرد و تصمیم به "مقابله شدید" و "محاکمه" آنها را به تاکید اعلام داشت.

مطرح‌شدن خطر جدی تروریسم اقتصادی، درست در شرایطی که تلاش‌های مکرر و متنوع تروریسم سیاسی برای تحلیل‌بردن و به زانو درآوردن انقلاب باشکست‌های سختی روبرو شده است، بیش از همه نشانهٔ عزم انقلاب برای فائق آمدن بریکی از موانع بزرگ وریشه‌ای است، تروریسم اقتصادی به مراتب از تروریسم سیاسی مهلک‌تر، و در روش‌های خود موذی‌تر است. تروریسم فرقان در مدت کوتاهی کمرشکن شد، بمب‌گذاری‌ها و خرابکاری‌های شبکه‌های ساواکی و آمریکائی با ضربات خردکننده‌ای از سوی مردم مواجه گردید، سازمان مجاهدین خلق، با همه وسعت ونفوذی که مرهون مبارزات پایه‌گذاران شهید آن بود، در مدت کوتاهی دچار ورشکستگی شد و تلاش‌های بی‌منطق و انتحارآمیز آن در این گوشه و آن گوشه، برهان همین افلاس و ثمرهٔ یاس‌ناشی از آنست. اما پیروزی بر تروریسم اقتصادی، دشوارتر و نیازمند به وقت و انرژی و پیگیری و هوشیاری و مهارت بیشتر است. برای درهم شکستن این دشمن مکار، که اسلحه و نیروی اقتصادی او، مناسبات عمیق و کهن اجتماعی او، پشتوانهٔ جهانی او، وسلطه او بر مواضع کلیدی و حساس اقتصاد کشور است، باید نخست او را در همه ابعاد و ظرفیت‌هایش شناخت:

تروریسم اقتصادی، امید نهایی امپریالیسم

تروریسم اقتصادی روی دیگر سکه تروریسم سیاسی و تشدیدکننده آنست. تروریسم اقتصادی با فشار بر توده‌ها، دامن‌زدن به نارسائی‌ها و کمبودها، دلسردکردن مردم از انقلاب، برای تروریسم سیاسی زمینه‌سازی میکند. در حالی که از نخستین روز پیروزی انقلاب، تروریسم سیاسی ابزار شده‌ای در دست ضد انقلاب داخلی و خارجی بود، هم ضدانقلاب داخلی و هم الهام دهنده و مرشد و محل اتکای آن، یعنی امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا، امید نهائی خود را به تروریسم اقتصادی بسته‌بودند.

تروریسم اقتصادی در چهره خارجی آن بر آن بود که با محاصره و تحریم اقتصادی ایران انقلابی، جامعه‌ای را که از دولت سر رژیم شوم شاه، بند بند وجودش در گرو واردات افسار گسیخته خارجی بود، به تسلیم و تمکین وادارد و اگر سازش میسر نشد، از درون آنرا از هم بپاشد. این توطئه و شانتاژ بوسیله تروریست‌های اقتصادی داخل کشور تکمیل میشد. جلوهٔ بارز آن را در افشاگری تکان دهندهٔ سرپرست اسبق سازمان برنامه‌و بودجه در مجلس شورای اسلامی دیدیم. وبرشالوده این افشاگری دیدیم که درست در شرایطی که فشار محاصرهٔ اقتصادی امپریالیستی علیه ایران انقلابی تنگ‌تر و شدیدتر میشد، تجار و واردکنندگان کلان، محتکران، سفته‌بازان، و زد و بندچیان بازار تنها در ظرف یکسال ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالص، یا به عبارت درست‌تر، غارت خالص داشتند. این رقم سرگیجه‌آور برابر است با حجم تاراج این حضرات در پناه نظم منحوس شاهنشاهی طی پنجسال! و کنه مسئله هم اینجا است. ضربات خونسردانه‌ای که این دشمنان واقعی ونقاب‌دار انقلاب بر حساس‌ترین اعضای آن وارد میآوردند و با فشردن گلوی مستضعفان، حامیان واقعی انقلاب را به‌سوی سرخوردگی و یاس از آن میراندند، به‌مراتب زهرآگین‌تر از گلوله‌هائی بود که تروریست‌های امریکائی فرقان به سینه و شقیقه رهبران انقلاب شلیک میکردند. تروریست‌های فرقان میوه‌ها و گل‌های سر سبد انقلاب را پایمال میکردند، اما تروریست‌های اقتصادی با خاطری آسوده و ظاهری حق به جانب، به‌ریشه انقلاب تیشه میزدند.

پایگاه های تروریسم اقتصادی

پایگاه واقعی تروریسم اقتصادی در مرحله نخست همان پایگاه امپریالیسم در میهن ماست. مبارزهٔ ضدامپریالیستی هنگامی به نتیجهٔ مطلوب میرسد، که این پایگاه‌ها و مناسبات بر- آمده از آن ویران شود. برچیدن بساط کلان- سرمایه‌داران وبزرگ زمین‌داران، اجرای تام و تمام قانون ملی‌کردن تجارت خارجی، کوتاه کردن دست محتکران، سفته‌بازان، بزرگ - دلالان، برپاکنندگان بازارسیاه و ایجادکنندگان کمبود تصنعی، اداره‌کنندگان بازار قاچاق و هم- چنین، به‌قول رئیس مجلس شورای اسلامی "گردن کلفت‌های اقتصادی"، که ادامه حیات اقتصادی آنها به‌معنی مکیده‌شدن بازهم بیشتر خون زحمتکشان و مستضعفان است. در واقع مبارزه عملی برای بیرون انداختن کامل امپریالیسم و بی بازگشت کردن این مبارزه استقلال طلبانه و حیاتی است.

در مرحلهٔ دوم، مبارزه با تروریسم اقتصادی، کوشش برای خشکاندن ریشهٔ لیبرالیسم است. لیبرالیسم در عرصه اقتصاد میهن ما با هزار رشته مرئی ونامرئی به بازار جهانی سرمایه‌داری انحصاری وابسته است و به‌همین دلیل موجد و مدافع و گسترنده مناسبات وابستگی است. خنثی‌کردن ایزدی‌ها و امیرانتظام‌ها، درعین‌حال که مبارزه با امپریالیسم است، مبارزه با معلول است، نه با علت. علت امپریالیسم، پایگاه‌ها و مناسبات اقتصادی وابسته به‌آن، آمیخته به طبیعت آن و یا متمایل به آنست. تا وقتی این پایگاه‌ها و مناسبات وجود دارد، جای ایزدی‌ها، امیر انتظام‌ها و قطب‌زاده‌ها و مدنی‌های شناخته شده را ایزدی‌ها، امیرانتظام‌ها و قطب‌زاده‌ها و مدنی‌های ناشناخته بمثابه نمایندگان منافع و حامیان امپریالیسم پرمیکنند. برای از بین بردن پشه‌های مرداب، باید مرداب را خشکاند، باید نه تنها مناسبات زائده‌وار، استثمارگرانه و وابسته را محدود کرد و یا از بین برد، بلکه ثروت های غارت‌شده را، که ذخیرهٔ ضدانقلاب است، به‌بیان حجت‌الاسلام رفسنجانی، "حتی اگر در مهریه زنان" "گردن کلفت‌ها" و مستکبران باشد، به‌نفع محرومین بازپس گرفت

شیوهٔ مبارزه با تروریستهای عرصهٔ اقتصاد

مبارزه با تروریسم اقتصادی، همان مبارزه در راه مستضعفان و به نفع زحمت - کشان و محرومین است. انقلاب اسلامی ایران بر دوش همین زحمتکشان بی‌نصیب، و به قول امام خمینی "پابرهنه‌ها" و "کوخ‌نشینان" به‌سر منزل پیروزی رسید و با خون و استقامت و پایداری اینان، هرخطر و هجومی را تا کنون دفع کرده است. بخشی از وظیفهٔ دفاع عملی از این یاران وفادار انقلاب، برداشتن بار سنگین گرانی، و تورم و کمبود از گردهٔ آنها است. قطع موجبات و وسایل دوشیدن و مکیدن خون و رمق آنها است.

مبارزه با تروریسم اقتصادی، در هم کوبیدن شبکه‌های تودرتو وانحصاری توزیع کالا

- این پایگاه‌های غارت و احتکار و گرانی و سلف خری و بیگاری و بازار سیاه و استثمار وحشیانهٔ- بهترین دفاع از مستضعفان است. پیروزی انقلاب در تحلیل نهائی بستگی به دگرگونی اقتصادی- اجتماعی جامعه به‌سود توده - های میلیونی زحمتکشان شهر وروستا و توزیع عادلانه ثروت، محصول کار اجتماعی و امکانات رفاهی وخدماتی در تمام عرصه‌ها دارد.

تلاش در این روند، باید از یکسو متوجه ازبین‌بردن مناسبات و اهرم‌های اقتصادی نا - سالم وبیرون‌کشیدن آن از دست به‌اصطلاح تروریست‌های اقتصادی باشد، واز سوی دیگر باتجدید نظر در توزیع درآمد عمومی وتجدید توزیع ثروت‌های غارت‌شده وانبارشده، قطبی بودن جامعه را تعدیل کند، و فاصله فقر و ثروت و کاخ وکوخ را به‌حد متعادل و قابل پذیرش برساند.

همانطور که موفقیت در عرصه مبارزه با تروریسم سیاسی، به‌میزان حضور و شرکت مردم دراین عرصه بستگی داشت ودارد، مبارزه ژرف و همه‌جانبه با تروریسم اقتصادی، چه در شکل احتکاری آن، چه در شکل ایجاد بازار سیاه تصنعی، چه گرانی مصنوعی ناشی از انحصاری کردن شبکه‌های توزیع و عرضهٔ کالا و چه اشکال دیگر، نیازمند بسیج توده‌ها و شرکت مستقیم و مبتنی بر نظم و برنامه آنهاست. درکنار وضع قوانین انقلابی و اجرای سریع وقاطع آنها، درکنار امر ملی‌کردن وسایل و مواضع کلیدی اقتصادی بطریقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده یاری مادی ومعنوی دولت درگسترش و تقویت شبکه تعاونی های مردمی، تشویق مردم و امکان دادن به‌آنها ونهادها وتشکل‌های برآمده از مردم، مانند انواع شوراها، برای نظارت بر تولید و توزیع و فروش وکنترل نرخ‌ها و غیره، در این کار وکارزار، چاره‌ساز است. مردم نشان داده‌اند که همواره برای پیشبرد آنچه به مصالح واقعی انقلاب و سرنوشت و زندگی آنها مربوط است، آمادگی کامل دارند. آنها که انقلاب کرده‌اند، خود آمادگی دفاع از آنرا هم دارند. تکیه به مردم همان اعتمادکردن به مردم درعمل است. باید مسائل و گره‌ها را صاف و صریح با مردم درمیان گذاشت، با آنها شورکرد و از آنها نظر خواست و یاری فعال آنها را در همه شئون وامور طلبید.

به مناسبت سالگرد نبرد مسلحانهٔ آزادیبخش خلق الجزایر

(۱۰ آبان ۱۳۳۳ — ۱ نوامبر ۱۹۵۴)

نام رسمی: "الجمهوریه الجزائریه الدیمو قراطیه الشعبیه" - "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر".

سرزمین: "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومترمربع مساحت دارد و بدین‌سان بزرگ‌ترین کشور مغرب (آفریقای شمال غربی) بشمار می‌رود.

سکنه: در "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" ۱۹۷۰۰۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند (۹ تیر ۱۳۵۹)، که ۹۰ درصد آن‌ها عرب و بربر هستند.

مذهب رسمی: اسلام.

زبان رسمی: عربی. فرانسه هم بسیار رایج است.

پایتخت: الجزیره (۱۹۸۸۰۰۰ نفر).

"جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" از نظراداری به ۳۱ "ولایت" تقسیم می‌شود.

پول: دینار الجزایر (DA)؛ ۱ دینارالجزایر = درحدود ۵۰ سنت.

حاکمیت: الجزایر کشوری است مردمی- دمکراتیک، که درآن رئیس جمهوراز اختیارات خاص برخوردار است. دراین کشور پس از دستیابی به استقلال درتاریخ ۱۴ تیر ۱۳۴۱ (۵ ژوئیه ۱۹۶۲) روندی مترقی آغازشد. پنج سال پیش (۱۹۷۶) دراین کشور "منشور ملی" و قانون اساسی جدید به تصویب رسید که درآن‌ها سمت‌گیری آتی الجزایر معین گردیده است. رئیس حکومت الجزایر، پرزیدنت شاذلی بن‌جدید است، که همچنین دبیرکل "حزب جبههٔ آزادی بخش ملی" است. "مجلس ملی خلق" پارلمان الجزایر است و ۲۶۱ نماینده را دربرمی‌گیرد.

تاریخ: در روز ۱۰ آبان ۱۳۳۳ (۱ نوامبر ۱۹۵۴) نبرد مسلحانهٔ آزادی‌بخش خلق الجزایر علیه استعمارگران فرانسوی آغازشد و پس ازشش سال (۱۹۶۲) به استقلال این کشور انجامید. یک سال بعد دارایی‌های فرانسوی درصنعت و کشاورزی ملی شد. دو سال پس از استقلال (۱۹۶۴) درسومین کنگره "جنبش آزادی بخش ملی" "منشور الجزیره" به تصویب رسید. نخستین رئیس جمهور الجزایر بن‌بلا بود، که (درسال ۱۹۶۳) سیاستی مترقی را آغاز و پرزیدنت بومدین آن را دنبال کرد. از مرگ بومدین (زمستان ۱۳۵۷) تاکنون شاذلی‌بن جدید ادامه‌دهنده این سیاست است، که دراین میان در "منشور ملی" وقانون اساسی الجزایر نیز تسجیل شده است.

احزاب وسازمانها: "حزب جنبش آزادی‌بخش ملی" (Parti Du Front De Liberation Nationale — FLN) که دردوران نبرد آزادی‌بخش ضداستعمار همهٔ نیروهای میهن‌دوست را دربرمی‌گرفت، راه‌گذار به حزبی انقلابی - دمکراتیک و پیشاهنگ را می‌پیماید و موقعیت خود را به عنوان رهبر سیاسی جامعه تحکیم می‌بخشد. این حزب بویژه بر سازمان‌های توده‌ای، ازجمله فدراسیون سندیکایی "UGTA"، سازمان جوانان "UNJA"، اتحادیهٔ دهقانان "UNPA" و تشکیلات زنان "UNFA" متکی است.

آموزش‌وپرورش: درحالی‌که ۱۹ سال پیش (۱۹۶۲) درحدود ۹۰ درصد مردم الجزایر بیسواد بودند، اکنون هرساله ۷۵ درصد کودکان مدرسه ابتدایی راآغاز می‌کند. پنج سال پیش اصلاحاتی درآموزش وپرورش الجزایر آغازشد، که هدف آن آموزش‌همگانی اجباری نه کلاسه است.

بهداری: از ۱۱ دی ۱۳۵۳ (۱ ژانویه ۱۹۷۴) تاکنون خدمات پزشکی درالجزایر رایگان است. سال پیش الجزایر درحدود ۱۹۵ بیمارستان و بیش از ۴۵۰۰ پزشک داشت.

صنعت تحولات مترقی درالجزایر به دگرگونی های مهمی درمناسبات تولیدی دراین کشور انجامیده است. الجزایر درمدت زمانی‌کوتاه ازکشوری کشاورزی به‌کشوری دارای صنعتی پویا تبدیل شد. بخش دولتی، که ۷۰درصد ظرفیت صنعتی را دربرمی‌گیرد، ۹۰ درصد کل فرآورده‌های این کشور را تولید می‌کند. در الجزایر همهٔ واحدهای اقتصادی خارجی یا ملی شد و یا به صورت شرکت‌های مختلط درآمد. دراین کشور مالکیت خصوصی هنوز دربخش‌های کشاورزی، ساختمان، بازرگانی داخلی، صنایع سبک وخدمات وجوددارد.

دراقتصاد الجزایر آهنگ سرمایه‌گذاری و رشد به ویژه درصنایع مواد اولیه چشمگیر است. دراین زمینه بخش تولید نفت وگاز دارای اهمیت خاص است و، با تامین ۹۸ درصد درآمد صادراتی، بزرگ‌ترین منبع ارزی کشور را تشکیل می‌دهد. دراین بخش اکنون درحدود یک سوم فرآوردهٔ اجتماعی الجزایر، که درسال ۱۹۸۰ بیش از ۲۶ میلیارد دلار ایالات متحده بود (۶/۷ میلیارد- ۱۹۷۰)، تولید می‌گردد. الجزایر درسال ۱۹۷۹ درحدود ۵۰ میلیون تن نفت و ۲۱/۴ میلیارد مترمکعب گاز تولیدکرد.

کشاورزی ده سال پیش (۱۹۷۱) درالجزایر "انقلاب کشاورزی" ("Revolution Agraire") آغازشد، که دستاوردهایی مهم درپی‌داشت (ایجاد بیش از ۶۰۰۰ تعاونی، تقسیم ۱/۳ میلیون هکتار زمین، تاسیس "روستاهای انقلاب کشاورزی" وغیره). با این همه، به سبب میراث شوم استعمار، رشد شتابان صنعت و افزایش سریع جمعیت، تولیدبرخی از محصولات کشاورزی درسال‌های گذشته رو به کاهش بوده است. از اینرو، کشاورزی الجزایر اکنون می‌تواند تنها ۴۰ درصد نیازمندی‌های غذایی سکنه را تامین کند. دولت الجزایر چندی است که به حل این مسئله و برخی دیگر از دشواری‌های اجتماعی (مانند کمبود مسکن وبیکاری) توجه خاصی مبذول می‌دارد.

تجربیات کنونی و ارزیابی منتقدانه آنها رهبری الجزایر را برآن داشت تا در کنگرهٔ چهارم (۱۹۷۹) و کنگرهٔ فوق‌العاده "حزب جبههٔ آزادی بخش" (۱۹۸۰) و پلنوم‌های گوناگون کمیتهٔ مرکزی وظایف جدیدی رابرای سال‌های آینده، تعیین کند.

اوضاع کنونی درپائیز ۱۳۵۹ (پایان نوامبر ۱۹۸۰) برنامهٔ پنجساله‌ای (۱۹۸۴- ۱۹۸۰) به تصویت رسید، که وظایف نامبرده در آن بازتاب می‌یابد. مهم‌ترین این وظایف عبارت است از: بهره‌برداری کامل از گنجایش‌صنعتی موجود، تکمیل سرمایه‌گذاری‌های آغازشده، افزایش تولید کشاورزی، اجرای طرح های آبیاری و بهبود سریع شرائط درزمینه‌های اجتماعی وفرهنگی.

چهارمین پلنوم "حزب جبههٔ آزادیبخش ملی"، که در اوایل زمستان ۱۳۵۹ (دسامبر ۱۹۸۰) برگزارشد، تدابیرجدیدی دربارهٔ افزایش سهم گاز درصادرات، بهره‌برداری بیشترازنفت برای نیازمندی‌های صنایع تبدیلی و اکتشاف دیگرمنابع انرژی (ذغال سنگ، آب) اتخاذ کرد.

دربهار امسال (مه ۱۹۸۱) هیئت وزیران الجزایر طرحی را برای بازسازی واحدهای کشاورزی وتشویق تولید این بخش به تصویب رساند.

چندهفته بعد (ژوئن ۱۹۸۱) پنجمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی "حزب جبههٔ آزادیبخش ملی" تصمیماتی رادربارهٔ شرکت دادن‌بیشتر بخش خصوصی درپیشبرد برنامهٔ پنجسالهٔ جاری اعلام داشت.

اکنون ۹۰ درصد بازرگانی خارجی الجزایر با کشورهای سرمایه‌داری است. رهبری‌کنونی الجزایر، برای تحکیم بیشتراستقلال ملی، چندی است که در راه گسترش مناسبات بازرگانی خارجی این کشور با کشورهای سوسیالیستی و رشدیابنده کوشش می‌ورزد.

"جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" در "سازمان ملل‌متحد"، "جنبش‌غیرمتعهدها" "سازمان وحدت آفریقا" و "جبههٔ‌پایداری و رویارویی" عضویت دارد و از سیاست خارجی ضدامپریالیستی پیروی می‌کند.

تفسیر وقایع مهم جهان

بحران عمومی سرمایه‌داری و سیاست‌های امپریالیستی

دنیای سرمایه‌داری به‌مرحله‌ٔ نوینی از بحران عمومی خود پانهاده‌است، که با مراحل قبلی آن تفاوت کیفی دارد. عوامل‌زاینده‌این بحران در دههٔ گذشته‌بصورت تعرض انقلاب جهانی برضدانقلاب جهانی در هرسه جبههٔ اصلی مبارزه: دنیای سوسیالیسم برضد دنیای امپریالیسم، جنبش‌کارگری درکشورهای رشد‌یافته‌سرمایه‌داری وانقلاب‌های‌آزادیبخش‌ملی علیه سلطهٔ نواستعماری شکل گرفت. دهه گذشته پربارترین ادوارپیروزی‌انقلاب‌جهانی برضدانقلاب‌جهانی بود. دنیای سوسیالیسم بااستفاده از سیاست صلح‌وهمزیستی‌مسالمت‌آمیز گام‌های بزرگی در جهت پیشرفت‌مادی‌و معنوی‌کشورهای سوسیالیستی برداشت. تناسب نیروهای‌اقتصادی بین‌دنیای‌سوسیالیسم و دنیای سرمایه‌داری به‌نحوی بنیادی به سود دنیای سوسیالیسم تغییر یافت. تولیدصنعتی دنیای سوسیالیسم، که در پایان‌جنگ دوم جهانی‌تنها چند درصد دنیای سرمایه‌داری بود، درحال حاضر از ۴۰درصد گذشته است. جنبش‌کارگری در مراکز اصلی دنیای‌سرمایه‌داری به‌نحوی چشمگیر توسعه‌یافت. تعرض طبقه‌کارگر کشورهای اروپای غربی بر مواضع انحصارات، دربرخی‌ازکشورها، مانندفرانسه‌و یونان‌وغیره، منجربه سقوط حکومت‌های سی سالهٔ احزاب بورژوائی گردید. جنبش ضد جنگ، که یکی از مهمترین صحنه‌های مبارزه باسیاست‌انحصارات بزرگ‌ومجتمع‌های‌صنعتی ونظامی‌است، در سراسر اروپا وامریکا گسترش بیسابقه‌ای یافته‌است. جنبش‌های‌آزادی‌بخش ملی ضربات سهمگین خودرا بر پیکر استعمار نو در بخش بزرگی از افریقا وهمچنین درآسیا وآمریکای‌لاتین وارد ساختند. بدنبال‌پیروزی خلق‌ویتنام برامپریالیسم‌آمریکا، پس‌از یک مبارزه‌طولانی‌سی‌ساله نیروهای‌انقلابی در لائوس و کامبوجیا پیروزی یافتند. در افریقا وآسیا وآمریکای لاتین در آنگولا، اتیوپی، افغانستان وایران و نیکاراگوئه انقلاب های ضدامپریالیستی و مردمی روی‌داد و دایرهٔ نفوذ سرمایه‌داری جهانی راتنگ‌تر و تنگ تر نمود.

در اواسط سالهای دههٔ گذشته مبارزهٔ بین‌کشورهای نواستقلال (کشورهای مستعمره و وابسته سابق) باکشورهای امپریالیستی استعمارگر از صحنه سیاسی به‌صحنهٔ‌اقتصادی منتقل شد. کشورهای نواستقلال خواهان تحول بنیادی در روابط اقتصادی جهان سرمایه‌داری‌شدند. هسته این خواست رابرقراری مناسبات برابر در روابط اقتصادی بین‌المللی و اعمال حق حاکمیت کشور های نواستقلال برمنابع طبیعی خودشان تشکیل میداد. پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی از این‌خواست‌کشورهای نو استقلال و بر قراری مناسبات برابر با آنان، بر تاثیر این‌مبارزه تاحدود زیادی افزوده است. اکنون‌کشورهای امپریالیستی دیگرآزادی‌عمل‌سابق‌خود را در غارت‌کشورهای‌نواستقلال، از طریق مبادلات نابرابر وتحمیل امتیازات یک‌جانبه وغیره از دست‌داده‌اند.

بحران‌عمومی سرمایه‌داری در دهه گذشته‌همچنین از طریق تشدید تضاد های داخلی‌دنیای امپریالیسم عمیق تر گشت. در دهه گذشته جهان‌سرمایه‌داری با سه بحران کاهش‌تولید روبروشد. بحران‌اقتصادی‌جهانی سرمایه‌داری درسالهای ۱۹۷۳—۱۹۷۵درچهل سال‌اخیربزرگترین‌بحران‌بود. بحران‌های اقتصادی نه‌تنها بصورت بحران‌های ادواری بلکه همچنین بصورت بحران‌های ساختاری در بخش‌های مهم اقتصاد کشورهای رشدیافته‌سرمایه‌داری نمایان گشت. تولید در بخش‌های عمدهٔ صنعتی از قبیل ذوب‌آهن، اتومبیل‌سازی و غیره کاهش یافت. بحران آموزش ومواد اولیه تاثیر خودرا در بسیاری ازرشته‌های صنعتی بجای گذاشت. آهنگ رشدتولید اجتماعی وبازده‌کار در کشورهای رشدیافته‌سرمایه‌داری‌بویژه‌درآمریکاوانگلستان بشدت‌تنزل نمود. تورم‌مقیاس‌بیسابقه‌ای‌بخود گرفت.

سرمایه‌داری انحصاری ـ دولتی عدم توانائی خود را درحل معضلاتی که جهان کنونی باآن روبرواست، نشان‌داد.

در دههٔ گذشته تضاد بین دولت های امپریالیستی پا به‌مرحلهٔ بالاتری گذاشت. در سرآغازسالهای دههٔ‌گذشته روند پیدایش سه قطب سرمایه‌داری جهانی: امریکا، اروپای غربی و ژاپن، که از سالها قبل شروع شده بود شکل‌نهائی بخود گرفت. انحصارات‌ژاپن واروپای غربی طی سالهای اخیر نیرومندتر وبهمین‌تناسب قدرت رقابت‌آنان‌باانحصارات امریکائی بیشترشد. درحال‌حاضرسهم‌ایالات متحده‌امریکا درصادرات‌کشورهای‌سرمایه‌داری به‌۱۲درصدتنزل کرده وبه مراتب کمتر از اروپای غربی است. اگر از صنایع نفت، که‌در آن‌انحصارات امریکائی هنوز تسلط دارند، صرف نظر کنیم، از ۳۰شرکت‌عظیم‌انحصاری جهان، تنها ۸شرکت‌آن آمریکائی است. انحصارات بزرگ ژاپن و اروپای غربی‌حتی‌در بازار داخلی امریکا رقبای آمریکائی خود را ازمیدان‌بدرمیکنند. سرمایه‌گذاریهای خارجی در خود امریکا بسرعت افزایش می یابد. تعداد شعب شرکت‌های خارجی در خاک‌امریکا طی دهسال گذشته چند برابر شده‌است.

درحال حاضر عملا هیچ مسئلهٔ بزرگ اقتصادی‌وجود ندارد که سه قطب‌سرمایه‌داری جهانی درآن اختلاف‌عمیق‌نداشته‌باشند.

در دههٔ گذشته تضادهای اجتماعی ـ طبقاتی جهان‌سرمایه‌داری‌عمیق‌ترنمایان‌گشت. بیکاری و تورم شکل یک‌بیماری‌مزمن‌بخودگرفته است. سطح‌زندگی‌طبقه‌کارگرتنزل فاحش‌کرد. دراروپای غربی‌این تنزل‌بصورت‌نسبی، لیکن درامریکا حتی بشکل مطلق ادامه یافت. از سال ۱۹۷۳ تاسال ۱۹۸۰، طبق آمار رسمی، دستمزدواقعی‌کارگران امریکا بین ۱۰ تا ۱۵ درصدکاهش یافته‌است. زحمتکشان در دنیای سرمایه‌داری در راه حفظ حقوق و دفاع از هستی و زندگی خود‌بمبارزه‌وسیعی برخاسته‌اند. شمارهٔ اعتصاب‌کنندگان درکشورهای‌عمده سرمایه‌داری طی دهه‌گذشته از ۱/۳ افزایش یافته وبموجب ارقام دولتی، از ۲۵۰ میلیون نفر گذشته‌است. کوشش‌دولت‌های امپریالیستی برای کاستن ازنیروی مبارزه طبقه‌کارگر ازطریق اصلاحات اجتماعی، بدلیل وضع دشوار اقتصادی، باشکست روبروشد.

انحصارات بزرگ‌سرمایه‌داری و به ویژه مجتمع صنعتی‌ـ نظامی و نیروهای ارتجاعی که در پشت سر آنان صف کشیده‌اند، راه‌حل دشواری‌های نظام سرمایه‌داری را در تعرض متقابل‌به‌نیروهای‌انقلابی جهان جستجو می‌کنند. سیاست‌رویاروئی‌بادنیای‌سوسیالیسم سیاست سرکوب جنبش‌های آزادیبخش‌ملی و جنبش‌انقلابی طبقهٔ کارگر درداخل کشور، بر این‌پایه‌پی‌ریزی شده‌است. در کحوادثی که درجهان میگذرد، از دامن زدن به مسابقهٔ تسلیحاتی تاتوطئه‌های ضدانقلابی درکشورهای "جهان‌سوم"، ازبرنامه‌های اقتصادی ریگان تاطرح ترور قذافی، تنها بر زمینه این مبارزه‌جهانی بین‌انقلاب و ضدانقلاب امکان پذیراست. به‌هرکجای جهان نظر افکنیم، از مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد گرفته تا کنفرانس شمال وجنوب، از جلسات اوپک گرفته‌تافروش‌آواکس به عربستان‌سعودی، از تصمیم دولت ریگان دربارهٔ تولیدبمب نوترونی تاجنبش‌عظیم ضد جنگ، همه جا عنصری از عناصر این مبارزهٔ جهانی رامی‌توان یافت.

صلح یاجنگ

درهمانحال که دنیای امپریالیسم به سرکردگی شیطان بزرگ امریکا راه برون رفت خودرا از بحران‌عمیق‌کنونی درسیاست‌مسابقه تسلیحاتی ودامن‌زدن برهیستری‌جنگ‌جستجو میکند، خلق‌های جهان، از اقصی نقاط آسیا گرفته تا قلب‌اروپا فریادمیزنند: جنگ‌هسته‌ای، نه!

طی چندهفته اخیر جنبش صلح در جهان چنان اوج‌گرفته است که درتاریخ‌سابقه ندارد. اروپا، سرزمینی که‌دوباردراثرسیاست‌های‌ماجراجویانه‌هارترین‌جناح‌امپریالیسم به خاک وخون کشیده شده‌است، چون دریای مواجی به‌حرکت درآمده‌است. در فنلاند، آلمان‌غربی، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، یونان، اسپانیا وغیره هر روز درجائی ده‌ها‌هزار نفر ازقشرهای‌مختلف‌اهالی به‌خیابان‌ها‌می‌آیند وبرضدسیاست‌جنگجویانه ریگان و هم‌پیمانان اروپائیش‌اعتراض‌میکنند.

هفته پیش، که‌به‌ابتکار "شورای جهانی صلح" هفته مبارزه بخاطر صلح اعلام‌شده بود، میلیونها نفردر سراسر اروپا درتظاهرات خیابانی شرکت‌نمودند. درانگلستان ۲۵۰هزار نفر، دربروکسل ۲۰۰هزار نفر، دررم درحدود ۱۵۰ هزارنفر، در فنلاند دهها هزار نفر، در سایر کشورهای اروپا نیز هزاران نفر به خیابان‌ها آمدند، تاسیاست جنگ طلبانه امپریالیست‌های امریکائی را محکوم‌کنند. از خصوصیات مبارزهٔ کنونی در راه صلح شرکت تمام‌اقشاروگروه‌های‌اجتماعی، بویژه‌روحانیون دراین‌جنبش‌است. دانشمندان‌بزرگ، رجال وشخصیت‌های‌سیاسی واجتماعی و هنری در پیشاپیش صفوف مردم گام برمیدارند.

واکنش مقامات مسئول امریکائی در برابراین‌جنبش‌عظیم دهها‌میلیونی‌واظهارات هیگ، که جنبش‌صلح‌بیانگرنظر اقلیت مردم است، نه‌اکثریت آنان، وآنچه‌صلح رامیتواند تامین‌کند یک‌قدرت بازدارنده‌است‌نه‌راه‌پیمائی وایالات‌متحده‌امریکا علیرغم این تظاهرات برنامه‌های‌نظامی خودرا دنبال خواهدکرد، موجی ازنفرت در سراسر اروپا برانگیخت.

جنبش ضدجنگ به‌ویژه در ارتباط با اظهارات ریگان، که ممکن است در اروپا یک جنگ‌محدود اتمی، بدون تبدیل شدن آن به جنگ‌جهانی هسته‌ای روی‌دهدگسترش‌بیشتری یافته‌است. سخنان ریگان همزمان با طرح استقرار موشک‌های میان‌برد در اروپا و تولید بمب‌نوترونی نشان دادکه امپریالیست های امریکایی حقیقتا آماده‌اند خلق‌های‌اروپا را در راه سیاست ماجراجویانه خویش قربانی کنند.

وزیرامورخارجه و وزیر دفاع امریکا کوشیدند موج التهاب ونگرانی را، که دراروپا پس‌از نطق ریگان بوجود آمده بود، خاموش کنند. اماافشا گری انجمن پزشکان امریکائی که درآن چندهزار پزشک برجسته امریکا شرکت دارند تمام تلاش‌های آنان را بر باد داد. انجمن، پزشکان‌امریکائی‌فاش کرد که معاون وزارت دفاع امریکا در امور بهداشتی به بیمارستان‌های غیر نظامی امریکا سفارش کرده‌است که برای پذیرفتن ۵۰هزار زخمی علاوه تدارک ببینند. درنامه معاون وزارت دفاع گفته‌میشودکه این پیش‌بینی برای آن است که در یک جنگ‌محدوداتمی‌یا شیمیائی ممکن‌است تعداد زیادتری مجروح شده و آسیب ببینند.

دولت‌های امپریالیستی، که با این جنبش عظیم ضدجنگ روبرو هستند، مجبورند برای فریب افکار عمومی به مانورهای‌مختلف دست‌بزنند و چنین وانمود کنندکه طرفدار مذاکره وهمزیستی با دنیای سوسیالیسم‌هستند. موافقت آنان با تشکیل مجدد کنفرانس امنیت وهمکاری اروپا، که‌در آن نمایندگان تمام کشورهای اروپا شرکت دارند، در چارچوب این سیاست دوگانه انجام‌گرفته‌است.

دکترین جنگ محدودهسته‌ای هرچند دراروپا جنجال برانگیخته‌است، مختص به اروپانیست و جنبهٔ جهانی دارد. چندی پیش مقامات‌امریکائی علنا اعلام کردند که خاورمیانه و خلیج‌فارس نیزمی‌تواندصحنهٔ یک جنگ محدودهسته‌ای قرارگیرد.

تعرض امپریالیسم برجنبشهای آزادیبخش ملی در منطقهٔ خاورمیانه ونزدیک

اقداماتی که‌بوسیلهٔ امپریالیسم، به‌سرکردگی امریکا دراین منطقه انجام می‌گیرد، در عین حال که وحشت وهراس‌محافل حاکم جهان‌سرمایه‌داری رااز‌اوج‌گیری‌جنبش‌های آزادیبخش‌ملی ثابت‌میکند، نشان‌میدهد که‌انحصارات‌امپریالیستی بویژه انحصارات نیرومندنفتی، میخواهند مناسبات نا برابر اقتصادی وغارت منابع‌طبیعی کشورهای این منطقه را بازور نظامی، حتی بوسیله‌یک‌جنگ محدودهسته‌ای حفظ‌کنند. تدارکات نظامی برای سرکوب جنبش‌های‌ضدامپریالیستی در منطقه هرروز دامنه وسیعتری به‌خودمی‌گیرد.

تصمیم اخیر سنای امریکا دایر براجازه‌فروش هواپیماهای‌آواکس به‌عربستان‌سعودی، پس‌از یک‌جنگ‌ممتدزرگری، یک‌گام خطرناک‌دیگردر جهت‌تقویت‌جبههٔ ضدانقلاب منطقه‌دربرابر جبهه انقلاب است.

میهن‌انقلابی‌ما نخستین‌هدف این سیاست ماجراجویانه امپریالیسم‌امریکااست. واضح‌است‌که آواکس‌هائی که دراین منطقه مستقر میشوند، نه برضدعراق و پاکستان و کویت وشیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس به پرواز درمی‌آیند ونه قادرند از خاک عربستان سعودی اراضی شوروی رازیرنظربگیرند. هدف

بقیه درصفحهٔ ۱۰



خط امام و مخالفان آن در تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا

آنهائی که آمریکائی نبودند، حمایت کردند (از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا) و آنها که آمریکائی بودند حمایت نکردند
«امام خمینی»

مقدمه

تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا در تهران، از آن پیچ‌های بزرگ تاریخ معاصر ایران بود که ماهیت بسیاری از نیروها را روشن کرد و پرتو تازه‌ای بر سیمای دوستان و دشمنان ایران افکند. لیبرالها وبنی‌صدرازهمان آغاز با "گروگان‌گیری" جاسوس‌های آمریکا و افشای اسناد لانهٔ جاسوسی به مخالفت پرداختند. فقط بعدا روشن شد که آنچه آن‌ها از آن هراس داشتند، افشای اسناد مربوط به روابط خودشان با آمریکا بود. رهبری خائن مجاهدین نیز، که ابتدا از تسخیر لانهٔ جاسوسی پشتیبانی کرد، چندان طول نکشید که با یک چرخش ۱۸۰ درجه درکنار لیبرال‌هاباند بنی‌صدر وچپ‌نماها قرارگرفت.

گسترش و تعمق مبارزه چندان شدت داشت که دراولین سالگرد تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا، در صحنهٔ سیاست ایران دوصف کاملا متمایز بوجود آمده بود: پشتیبانان این عمل جسورانهٔ انقلابی ومخالفان آن. مخالفان، که بعداً به جبههٔ براندازی پیوستند و کاملاً درکنار امپریالیست‌ها قرارگرفتند، ازهمان اول با توطئه، نیرنگ ودروغ کوشیدند برعمل انقلابی تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا خط بطلان بکشند.

آنچه درزیرمی‌آید، مقایسهٔ نظریات امام‌خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که تبلور نظریات همهٔ نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است با نقطه‌نظرهای لیبرال‌ها و بنی‌صدر، دربارهٔ تسخیر لانهٔ جاسوسی و دانشجویان مسلمان پیروخط امام است.

اکنون نیز می‌توان، با اندکی دقت، پیروان نظریات لیبرال‌ها و باند بنی‌صدر را، که نقاب‌های دیگری برچهره زده‌اند، بازشناخت وهدف نهائی آن‌ها را ـ سرکوب انقلاب ایران ـ حدس زد.

درود بر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سالگشت تسخیرلانهٔ جاسوسی آمریکا، یادآور حماسه آفرینان ناشناسی است که مردم قهرمان ما آن‌ها را به نام "دانشجویان‌مسلمان پیروخط امام" می‌شناسند. دانشجویانی که مانند همهٔ قهرمانان راستین خلق، دراوج گمنامی به‌سنگر اصلی توطئهٔ امپریالیسم‌جهانی، به سرکردگی آمریکا، درمیهن ما یورش بردند و باآن که آوازهٔ این عمل جهان را درنوردید، خود تا پایان گمنام ماندند.

سالگشت تسخیرلانهٔ جاسوسی آمریکا، یادآور جوانان عزیزی‌است که "انقلاب دوم" را درایران سبب شدند و زیربار دشنام‌ها و تهمت‌ها هرگزتسلیم نشدند. جوانان برومندی که وظیفهٔ انقلابی خودرا تا پایان انجام دادند و بعدازآزاد شدن "گروگان"های‌جاسوس، بی‌درنگ به جبهه‌های جنگ رفتند و برخی‌شان جان خود را نثارانقلاب کردند.

مردم قهرمان ما بی‌گمان خاطره عزیز این جوانان را ازیاد نخواهند برد و تاریخ معاصر ایران بی‌تردید نام آن‌ها را درقلهٔ مبارزان ضدامپریالیستی وطن ما نقش خواهد کرد.

ما به سهم خود، دردومین سالگشت تسخیرلانهٔ جاسوسی‌آمریکا به‌این جوانان مبارز درودمیفرستیم.

بنی صدر و تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا

"با گرفتن گروگان‌ها، گروگان آمریکاشدیم..." *(انقلاب اسلامی ـ ۱۵ آبان ۱۳۵۹)*.

ـ "من از ابتدا با گروگان گرفتن مخالف بودم..." *(اطلاعات ـ ۲۷ بهمن ۱۳۵۸)*.

ـ "برماست که شجاع باشیم، صریح باشیم، انقلابی باشیم وبگوئیم که این‌گونه لجن‌مال کردن‌ها، اینگونه مسئله‌در رادیو و تلویزیون‌خواندن‌ها وافشاگری‌ها، وبلافاصله به خانه‌افراد ریختن‌ها، نه بااسلام نمی‌خورند، زمینه را برای استبداد فراهم میآورند..." *(کتاب صدمقاله ـ ۴ بهمن ۱۳۵۸)*.

ـ "دانشجویان خودکامه عمل می‌کنند و حکومت درحکومت بوجود آورده‌اند... وقتی مملکت امنیت قضائی نداشته باشد، باهرج ومرج روبروخواهدشد. این‌ها (دانشجویان مسلمان‌پیروخط امام) حتی احترام شورای انقلاب را نگه نداشتند، که بگویند: چنین گزارش‌هایی هست..." *(کیهان ـ ۱۷ بهمن ۱۳۵۸)*

ـ "جریانی که مسالهٔ گروگانگیری بخود گرفت، همان جریان رشد افکارتجاوزگرانه‌است" *(انقلاب‌اسلامی ـ ۱۲ فروردین ۱۳۵۹)*.

نظر امام خمینی
دربارهٔ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و "گروگان‌گیری" جاسوسان

"همان‌طور که بارها گفته‌ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می‌باشیم ودانشجویان مسلمان و مبارزی که لانهٔ جاسوسی را اشغال کرده‌اند، باعمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ برپیکرآمریکای‌جهان‌خوار واردنمودندوملت‌راسرافرازکردند"
(ازپیام امام‌خمینی ـ ۱۵ اسفند ۵۸)

"مساله‌ای که این روزها مطرح شده است، قضیهٔ آمریکا و گروگان‌های جاسوس آمریکایی است، که دردست دانشجویان مسلمان ومبارزاست."
(ازپیام امام‌خمینی ـ ۲۰ اسفند ۵۸)

"خداوند شماجوان‌ها را که متعهد به اسلام و درخدمت اسلام هستید، حفظ کند و به شما توفیق هرچه بیشتر برای رسیدن به هدفهای‌اسلامی بدهد."
(سخنان امام‌خمینی خطاب به دانشجویان مسلمان‌پیروخط امام ـ ۲۳ دی ۵۹).

"آن مرکز فساد آمریکا راجوان‌ها رفتند گرفتند. آمریکائیهایی راهم‌که درآنجا بودند گرفتند و این لانهٔ فساد را بدست آوردند وآمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند."
(از سخنان امام‌خمینی ـ اطلاعات ۵۹/۸/۱۷)

"این (فتح لانهٔ جاسوسی) یک جنبهٔ سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی داشت که همهٔ ارزش‌ها پیش او کوچکند. اینهایی که خیال‌می‌کنند که به واسطهٔ اعمال اینهادرتنگناواقع شدیم، اشتباه‌می‌کنند... این جوان‌های عزیزما رفتند والبته رنج کشیدند و زحمت کشیدند... وآنجا را گرفتند."
(ازسخنان امام‌خمینی در دیدار با دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام ـ ۵۹/۸/۱۳)

"حالا که توطئه برای ملت‌ماثابت شده است وعمل جوانان ما را تمام ملت وقشرهای آن، الابعضی‌منحرفین، دراینجا ودرسایرممالک دیگر، ازآن پشتیبانی کردند واین خواست‌تمام ملت ما بوده است، نه خواستی که از روی هوای نفسانی باشد."
(ازپیام امام‌خمینی ـ ۱۵ اسفند ۵۸)

"آمریکا پایگاه نظامی درست کرده، پایگاه همه‌جی وپایگاه جاسوسی هم درست‌کرده که‌این مرکز است. جوان‌های ما رفتند، کشف کردند که مرکز، مرکزجاسوسی است و افراد جاسوس است و افراد جاسوس و یک موجودی که، انسانی که، یک آدمی که‌دیپلمات باشد وعرض می‌کنم که از اعضای سفارتخانه، به‌این که سفارت باشد، معلوم نیست، دراینجا باشد. بنابراین، همهٔ ملت‌ما به‌دنبال اینها بودند. دولت هم‌نمی‌توانست‌خلاف بکند. دولت اینجا ملت است. همه چیزدست ملت است. دولت هم

نظر لیبرال‌ها
دربارهٔ دانشجویان مسلمان پیروخط امام و «گروگان‌گیری» جاسوسان

"عمل این آقایان بسیار عمل ضداسلام وضدقانون است که یکطرفه بیایند وچیزهایی را به قول‌خودشان افشاکنند و تهمت‌های ناروایی بزنند. این عمل بسیارعمل زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می‌دهند وهمه با این عمل آن‌ها مخالف هستند وعمل آن‌هاضدانقلاب، اسلام و امام وضدهمه‌چیز است. من به طورخلاصه می‌خواهم بگویم که افشاگریهای قبلی وحال و آیندهٔ دانشجویان متداری از آن‌ها دروغ است و دروغ گفتن هم خیلی آسان است. حالا اختیارمملکت افتاده‌است به دست چند تابچه و این‌جای بسیار تاسف است. ضربه ولطمهٔ کارغلط دانشجویان متوجه انقلاب و امام خواهد شد."
(مهندس بازرگان ـ کیهان ۱۷ بهمن ۵۸)

"آقای بازرگان رفتند درمسجد نارمک، گفتند: "اینها دانشجویان خطامام نیستند، خط شیطانند."
(ازگفتهٔ حجت‌الاسلام خلخالی در جلسهٔ علنی مجلس، ۲۸ شهریور ۵۹)

"من برای آن آقایانی که آنجا هستند، اصالت و اهمیتی‌قائل‌نیستم. بنابراین تسلیم این بازیها هم نخواهم شد وجواب همهٔ آن‌ها راهم جواهم داد. مساله هم قبلابه‌اطلاع امام رسیده بود و دانشجویان هم‌در این مورد دروغ گفته‌اند."
(قطب زاده، اطلاعات، ۱۹ اسفند ۵۸)

"بیشتر این افشاگریها بدون نظارت و دخالت مرجعی صلاحیتدار و قانونی بوده وغالبا مبتذل بوده است و هیچگونه سندیتی ندارد و معلوم‌نیست که برای خارج کردن افراد صلاحیتدار از گردونه‌فعالیت سیاسی بوده است... کارآنها بسود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف ازخط امام بوده‌وکاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند."
(قطب‌زاده، اطلاعات، ۲۰ اسفند ۵۸)

"مساله گروگانها مساله‌ای شده که همهٔ اشکالات مملکت ما راباعث شده..."
(یداله سحابی، جلسهٔ علنی‌مجلس ۸ مهر ۵۹)

"گروگانگیری وسیله‌ای برای بعضی تسویه حساب‌های کروهی شد وعمل‌کردشان نشان می‌دهد که مع‌الاسف کارخودشان رابا حب و بغض‌های گروهی انجام داده‌اند و گروه‌های خاصی بهره‌برداریهای مخصوصی از این‌کار کردند."

"از لحاظ اقتصادی گروگانگیری به ما میلیاردها دلار لطمه زده‌است."

"شیوهٔ افشاگری دانشجویان‌نتایج منفی در داخل کشور داشته، چون اعتمادی که بین مردم نسبت‌به‌عناصر انقلابی وکسانی‌که برای جنبش زحمت کشیده‌اند، وجودداشته، متزلزل‌کرد... اینها مسائلی را بوجود آورد و این تخلف ازشیوهٔ اسلامی‌است."

"ازلحاظ اقتصادی ضررهایی که ما کشیده‌ایم، خیلی بیشترازمنافعی‌است که داشته‌ایم. درسطح بین‌المللی هم



برژینسکی به نتیجه نرسید، اما آمریکا یک چهره ندارد

نقشهٔ ملاقات لیبرالها با برژینسکی، در پس پرده‌های دیپلماسی لیبرالی چگونه کشیده شد؟

۱۳ آبان، سالروز تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، یادآور سقوط سیاسی دولت سرمایه‌داری لیبرال ایران است. به زبان دیگر، این روز مصادف است با آغاز سقوط سیاسی جریانی در متن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که هدف آن مسخ و در نهایت شکست انقلاب شکوهمند مردم ما بود و هست.

درست در چنین روزی، در حالی که هنوز گلوله‌های آمریکائی در تن رنجدیده بسیاری از جانبازان راه انقلاب بود، و پوکه‌های آمریکایی، اینجا و آنجا، در میدان شهدا و کشور شهیدان راه استقلال و آزادی میهن، پراکنده بود، مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، ملاقات از پیش تنظیم شدهٔ خود را با برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور سابق آمریکا ارزیابی می‌کرد، ملاقاتی که آئینه‌تمام‌نمای حاکمیت سرمایه‌داری لیبرال در ایران بود، حاکمیتی که به همت خلق قهرمان ایران ادامه نیافت.

لیبرال‌های ایران کوشیدند این ملاقات را، که هنوز پس از گذشت دو سال، پروتکل مذاکرات آن منتشر نشده است، تصادفی، غیرمنتظره، کم‌اهمیت و طبیعی جلوه دهند. اما این کوششی عبث بود، زیرا امروز مجموعه مدارک و اسناد، اولا از تصادفی نبودن این دیدار و ثانیا از ادامه منطقی خط لیبرال‌ها، که همانا پیوند با آمریکای جهانخوار است، حکایت می‌کند.

امروز دیگر همه‌چیز بیانگر آن است که دولت موقت لیبرال‌ها تدارک این ملاقات را از قبل دیده بود و لیبرال‌های ایرانی می‌دانستند که در الجزایر به دیدن چه کسی می‌روند. در حقیقت مقدمات این ملاقات در زمانی چیده شده بود که آمریکایی‌ها اطمینان یافتند که:

"... بهترین راه تامین منافع ما (آمریکا) از طریق همکاری با دولت موقت مهدی بازرگان در جهت برقراری مجدد روابط دوجانبه بین ایران و آمریکا خواهد بود ..." (از کتاب اسناد لانه جاسوسی آمریکا- شماره ۱ تا ۶- ص ۴۸۰، از نامه سفارت آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه آمریکا)

برای برقراری این رابطه مجدد که، زمینه آن را امیر انتظام چیده بود، نیاز به ملاقات در "سطح بالا" بود. بهمین خاطر دولت آمریکا از فرصت برگزاری کنفرانس الجزایر استفاده کرد و "... کاردار ایران در الجزایر ..." (همان منبع) به آمریکایی‌ها اطلاع داد که:

"... با تهران تماس خواهد گرفت، تا امکان تمایل بازرگان یا یکی از هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی، که از الجزایر دیدن می‌کنند، سئوال کند ..." (همان منبع- ص ۱۹۸)

و بدنبال این سئوال، کاردار سفارت آمریکا در تهران به روسای خود اعلام کرد:

"... بهترین وسیله برای جستجوی راه مذاکره با دولت ایران این است که سایروس ونس موضوع را با یزدی، زمانی که او را در سوم اکتبر می‌بیند، درمیان بگذارد ..." (منبع بالا- ص ۹۸)

و روز ۳ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۱ مهر ۵۸)، یعنی بیش از یک ماه قبل از ملاقات مهندس بازرگان با برژینسکی، "تصادفا" دکتر یزدی، وزیر خارجه دولت موقت لیبرال‌ها، که به اعتقاد مسئولین سفارت آمریکا در تهران "... مردی از دنیای پیشرفته ..." (همان منبع- ص ۴۷۸) محسوب میشد و قرار بود "... بهتر از بقیه مشاوران امام به بازرگان برادری کند ..." (همان‌جا) "... به سازمان ملل رفت ..." (اول مهرماه ۵۸- اطلاعات) و "... بنا به تقاضای آقای ونس، وزیران خارجه ایران و آمریکا در مقر سازمان ملل متحد ملاقات و به‌مدت یک ساعت درباره مسائل مربوط به روابط دو کشور گفتگو کردند ...." (۱۴ مهرماه ۵۸- اطلاعات)

البته مضمون این گفتگو نیز هنوز افشا نشده است، ولی بر اساس قرار قبلی میشود حدس زد که قرار ملاقات با برژینسکی در همانجا گذاشته شده است.

در ملاقات محرمانه با برژینسکی چه گذشت؟

به این ترتیب مقدمه ملاقات الجزایر چیده شد، و مهندس بازرگان روز ۹ آبان ۵۸ به همراه دکتر یزدی - "مردی از دنیای پیشرفته" - عازم الجزایر شد.

نخست‌وزیر دولت موقت ۳ روز بعد، هم زمان با برگزاری یکی از بزرگترین راه‌پیمائی‌های ضدامپریالیستی مردم ایران، "... یک ملاقات بدون حضور خبرنگاران و عکاسان با برژینسکی، مشاور ریاست جمهوری ایالات متحده در امور امنیت آمریکا، در الجزایر انجام داد، که یک ساعت و نیم به طول انجامید. مهندس بازرگان در پایان این ملاقات در گفتگوی کوتاهی اعلام کرد مذاکره با برژینسکی صریح و روشن بود ..." (۱۲ آبان ۵۸- اطلاعات)

در صراحت و روشنی این مذاکره هیچ‌شکی نیست. هر چه باشد طرفین مذاکره مدت‌ها وقت داشتند، تا درباره آنچه می‌خواهند برسر آن معامله کنند، بیندیشند. تنها چیزی که هست، این مذاکرات صریح‌تر و روشن‌تر از آن بود که لازم باشد مردم انقلابی ایران و رهبر سازش‌ناپذیرش امام خمینی، از مضمون آن آگاه گردند!

آقایان لیبرال سپس برای لوث کردن قضیه، کوشیدند ملاقات را کم‌اهمیت و تصادفی جلوه دهند، لذا: "... بازرگان گفت ترتیب این ملاقات دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر داده شده بود. کاردار سفارت آمریکا در تهران به من اطلاع داد برژینسکی مایل است هنگام اقامت من در الجزایر ملاقات و مذاکراتی انجام دهد ..." (۱۲ آبان ۵۸- اطلاعات) و "... این را آقای دکتر یزدی (هم) می‌دانست ..." (۱۷ آبان ۵۸- اطلاعات)

اما خود آقای دکتر یزدی، که یک ماه قبل از دیدار الجزایر، در آمریکا با "سایروس ونس"، وزیر امور خارجهٔ آمریکا، ملاقات کرده بود، و رئیس او، یعنی مهندس بازرگان نخست‌وزیر وقت هم تاکید می‌کرد که او نیز در جریان این مذاکرات "صریح و روشن" با برژینسکی بوده‌است، دو پا را در یک کفش کرده و می‌گفت:

"... در ملاقات با امام (قبل از سفر الجزایر) ملاقات با فرد فرد اشخاص مطرح نشد، زیرا مشخص نبود که دقیقا چه اشخاصی به الجزایر خواهند آمد ..." (۱۵ آبان ۵۸- کیهان)

یعنی وزیرخارجه دولت لیبرال‌ها حرف رئیس دولت لیبرال‌ها را تکذیب می‌کرد! رئیس دولت لیبرال‌ها، نیز ظاهرا به تلافی، قسمت دیگری از حرف وزیرخارجه‌اش را رد کرد:

"... من به دکتر یزدی تاکید کردم که از حضور امام بپرسند که روابط با آمریکا باید برچه محوری باشد و ایشان چه فرمایشی دارند. به‌هیچ‌وجه ایشان (امام) نگفتند که با برژینسکی ملاقات نکن ..." (۱۷ آبان ۵۸- اطلاعات)

دیوار بلند حاشای لیبرال‌ها

و واقعیت این بود که آنها، هردو، نادرست و ناراست می‌گفتند. آقای فردوس، نماینده مجلس شورای اسلامی، این ناراستی را چنین برملا کرد:

"... آن موقع که این ملاقات انجام شد (با برژینسکی) در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم. تلفنی از ما خواستند که از امام سئوال کنیم اطلاعی از این ملاقات دارند یا نه؟ من کتبا نوشتم حضور امام. خط امام الان موجود است. نوشته‌اند که من از این ملاقات بی‌اطلاع هستم و قبلا در این زمینه با من مذاکره نشده ..." (از مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ شهریور ۵۹- روزنامه‌ها)

یعنی قصه لیبرال‌ها دروغ بود! هر چند آنها بعدها کوشیدند شکل دراماتیکی به قضیه بدهند:

"... درست است شما فقط یک چیز شنیدید که ما در الجزایر (ملاقات) انجام دادیم. آنهم ما ملاقات نکردیم. آن (برژینسکی) عینا مثل شمر که شب عاشورا رفت به دیدن حضرت ابوالفضل، آمد به دیدن آقای بازرگان ..." (سخنان دکتر یزدی در همان جلسهٔ مجلس شورای اسلامی)

وای از این شمر آمریکایی! هر چند این شمر آمریکایی با آن شمر فرق می‌کرد. این شمر امپریالیستی بود و "صادق!"

"... نخست‌وزیر این مذاکرات را (با شمر برژینسکی) صادقانه توصیف کرد ..." (۱۲ آبان ۵۸- اطلاعات)

و "دوست!": "... (شمر) برژینسکی مراتب پشتیبانی خود را از دولت ایران اعلام کرد ..." (۱۵ آبان ۵۸- اطلاعات- از مصاحبه یزدی)

و "مذهبی!": "... (شمر برژینسکی) گفت این پشتیبانی (از دولت ایران) به‌جهت ماهیت مذهبی است، زیرا ما مسیحی و شما مسلمان هستید ..." (همان جا)

و "خداشناس!": "... اولین مطلبی که آقای برژینسکی مطرح کرد این بود که ما هم به‌خدا معتقدیم، شما هم به خدا معتقدید ..." (سخنان یزدی در جلسه فوق الذکر مجلس شورای اسلامی)

پس واضح است و مبرهن است که با داشتن چنین شمر صادق و دوست و مذهبی و خداشناسی، "... می‌توانیم با هم مثل دو ملت و دو دولت کار کنیم ..." (همان‌جا)

چنین است اسلام آمریکایی!

بر این اساس عجیب نیست که مهندس بازرگان مذاکرات خویش را با برژینسکی، که بدون اطلاع رهبر انقلاب صورت گرفته‌بود، "صادقانه" توصیف می‌کرد و طبیعی می‌دانست که: "... موضوع قراردادهای گذشته ایران با آمریکا و نیز چگونگی مناسبات و روابط دو کشور ..." (۱۲ آبان ۵۸- اطلاعات) بین او و برژینسکی مطرح شود.

بقیه در صفحه ۹

سرانجام برخی از گردانندگان و برگزیدگان دولت موقت لیبرالها

۲۱ اعدامی، جاسوس، فراری و توطئه‌گر ضدانقلاب

دولت لیبرالی مهندس مهدی بازرگان، که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به دنبال ملاقات با برژینسکی سقوط کرد، دارای ترکیب معینی بود. این ترکیب بر بنیاد این نظر مهندس بازرگان بوجود آمده‌بود:

"ما اول فکرمی‌کردیم اگر از نخست‌وزیرها و وزرای رژیم استبدادی گذشته و معاونین وزارتخانه‌ها صرفنظر بکنیم و فقط از استاندارها و مدیرکل‌هایش در دستگاه دولت استفاده کنیم، دیگر کسی اعتراض نمی‌کند."

(روزنامه‌ها- فروردین ۱۳۵۸)

در زیر سرانجام برخی از گردانندگان و برگزیدگان دولت موقت لیبرال‌ها به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد:

۱- عباس امیر انتظام: معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت (به جرم جاسوسی برای آمریکا به حبس ابد محکوم شد)

۲- کریم سنجابی: وزیر امور خارجه (رهبر جبهه‌ملی، از سازماندهندگان توطئه ۲۵ خرداد ۶۰)

۳- احمد سلامتیان: معاون وزارت امورخارجه (بعد از سقوط بنی صدر از ایران گریخت و به‌جبهه ضد انقلاب پیوست)

۴- احمد مدنی: وزیر دفاع‌ملی، فرمانده نیروی دریائی، استاندار خوزستان (بعد از کشف اسناد ارتباطش با آمریکا در لانه جاسوسی، از ایران گریخت و به‌جبهه‌ضدانقلاب پیوست)

۵- ناصر میناچی: وزیر ارشاد (به اسناد لانه‌جاسوسی، شماره ۱ تا ۶، مراجعه کنید)

۶- صادق قطب‌زاده: لازم به معرفی نیست. ("مهندس بازرگان، صادق قطب‌زاده را به‌سمت سرپرست رادیو و تلویزیون ملی ایران منصوب کرد." - اطلاعات، ۲۳ بهمن ۵۷)

۷- علی محمدایزدی: وزیر کشاورزی (فئودال معروف- بعد از کشف اسنادش در لانه جاسوسی، به خارج گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)

۸- سرلشگر ریاحی: وزیر دفاع‌ملی (از ایران گریخت و به جبهه‌ضدانقلاب پیوست)

۹- سپهبد سعید مهدیون: درزمان دولت‌موقت، مدتی فرمانده نیروی هوائی بود. (او از سران کودتای نوژه بود و اعدام انقلابی شد)

۱۰- سرلشگر بهمن باقری: درزمان دولت موقت، مدتی فرمانده نیروی هوائی بود. (او به اتهام شرکت در کودتای نوژه و تجاوز طبس، زندانی شد و در انتظار محاکمه است.)

۱۱- سپهبد محققی: درزمان دولت موقت، مدتی رئیس شهربانی بود. (او به اتهام شرکت درکودتای نوژه اعدام انقلابی شد)

۱۲- دریادار علوی: درزمان دولت موقت، مدتی فرمانده‌نیروی دریائی بود. (او به اتهام جاسوسی برای آمریکا به ۸ سال زندان محکوم شد)

۱۳- محمدعلی مولوی: رئیس کل بانک مرکزی (از ایران گریخت و به‌جبهه ضدانقلاب پیوست)

۱۴- جلیل شرکاء: رئیس بانک‌ملی (از ایران گریخت و به جبهه‌ضدانقلاب پیوست)

۱۵- حسن نزیه: رئیس شرکت ملی نفت (از ایران گریخت و به‌جبهه‌ضدانقلاب پیوست)

۱۶- مقدم مراغه‌ای: استاندار آذربایجان (بعد از کشف اسنادش در لانه جاسوسی، از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)

۱۷- مهدی ممکن: معاون وزارت ارشاد و سپس رئیس روابط عمومی و مشاور مطبوعاتی بنی‌صدر تا لحظه فرار وی.

۱۸- دکتر منصور فرهنگ: نماینده دولت موقت در سازمان ملل متحد، مشاور بنی‌صدر (پس از توطئهٔ باند بنی‌صدر، از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)

۱۹- ناصر تکمیل همایون. رئیس بخش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، بعدا مشاور بنی‌صدر و به‌اتهام شرکت در توطئه ۳۰ خرداد ۶۰ زندانی است)

۲۰- عبدالحسین نیک‌خلق: معاون وزارت بازرگانی (بعنوان عامل ساواک دستگیر و محاکمه شد)

۲۱- محمد توسلی: شهردار تهران (به اسناد لانه‌جاسوسی شمارهٔ ۱۰ مراجعه کنید.)

...الفت نمی‌کرد. این یک مسالهٔ ...ی است که ملت ما همشون با هم ...فقند در این که این لانه باید از ...ن برود و ما دیگر اجازه نمی‌دهیم ... مرکز ما، در محل ما، یک مرکز ...سوسی برای جاهای دیگر بشود. ...ن اجازه را نخواهیم داد، ملت هم ...خواهد داد."

(...از سخنان امام خمینی در مصاحبه با ...حسنین هیکل - ۳۰ آذر ۵۸)

"امروز ملت ما و جوان‌های ما که ...سال‌های طولانی تحت فشار و تحت ...بودند، رفتند و چندنفری را که ...آن لانهٔ جاسوسی برضد ملت ما ...بودند ... بلکه برضد منطقه و قرائن و ...شاهد براین امر زیاد است. بزرگ‌...ترین شاهد این که تمام پرونده‌ها و ...چیزهایی که درآنجا بوده است، تا ...توانستند بدل به پودر می‌کردند که ...دیگر قابل استفاده نیست."

(...از سخنان امام خمینی در پاسخ به ...نماینده پاپ - ۱۹ آبان ۵۸)

...ص دور است. وقتی می‌گوئیم در ...سطح بین‌المللی تاثیر گروگان‌ها چه ...بوده است، باید اثرات گروگان‌گیری ...در بین مردم آمریکا و اروپا و در بین ...دولت‌ها و همچنین اثرات گروگان‌گیری ...در جهان سوم و در بین مسلمانان ...دفاع انقلاب اسلامی بررسی کنیم."

(...دکتر یزدی، انقلاب اسلامی، ۱۵ ...آبان ۵۹)

"...اگر منزوی نشده‌ایم، اگر ادعای ...حزب توده صحت دارد که گروگان‌...گیری ایران را در جهان منزوی نکرده ...پس چرا حتی یک کشور تجاوز عراق ...به ایران را محکوم نکرد."

(میزان، ۵ مهر ۵۹)

"کارتر بیان فریاد اعتراض به ...ملی از ناحقی‌ها شد. یعنی اصل ...هم و واقعیت انکارناپذیر رشد آن ...صدای اعتراض بود که می‌بایستی ...بیانگر جدیدی پیدا کند و می‌بایستی ...انقلاب اسلامی ما بیانگر آن می‌گشت ...مستضعفین همه‌جا و منجمله آنجا را ...با خود همراه و همدل و همسو می‌کرد ...ی گروگان‌گیری پیش آمد... نتیجه ...ن روشن بود و هردم روشن‌تر می‌شود ...ن صدای اعتراض در آمریکا، که با ...خالفت با جنگ ویتنام و واترگیت ...برو، به دراز آمده بود، فروکشیدن ...رفت، با تکیه برملیت‌گرائی کور و ...برورطی کاذب، صاحبان صنایع ...ظامی و نفتی و غیرذالک توانستند ...دوباره همهٔ امتیازات سابق ازدست ...دادهٔ خویش را پس بگیرند. روان‌...شناسی جامعهٔ آمریکایی از انزواطلبی ...مداخله‌کردن در امور داخلی کشورها، ...روانشناسی تهاجمی به روانشناسی ...ملی گستاخی و چیرمگری تبدیل شد. ...دنبال فردی رفتند که به آنها نوید ...پیروزی برکسانی را بدهد که از آنان ...اسیر گرفته بودند، دنبال اضافه ...کردن اختیارات سیا و مخارج ...تسلیحات و افزایش جو فشار و اختناق ...در آمریکا رفتند."

(...سرمقاله انقلاب اسلامی ۵۹/۸/۱۵)

اتحاد شوروی ...

بقیه از صفحه ۱

سال انقلاب، لنین فصلی از کتاب تاریخی خود، "بیماری کودکی "چپ‌روی" در کمونیسم"، را به توضیح این مهم اختصاص داد که: "برای اهمیت بین‌المللی انقلاب روس چه مفهومی میتوان قائل شد؟" او در تبیین این مطلب نوشت:

"اکنون ما تجربه بین‌المللی بس قابل ملاحظه‌ای در دست داریم که با نهایت صراحت گواهی میدهد که برخی از مشخصات اصلی انقلاب ما دارای اهمیت محلی، یعنی اهمیت اختصاصاً ملی و صرفاً روسی نبوده بلکه اهمیت بین‌المللی دارد."

لنین در توضیح مطلب تاکید کرد که: "اهمیت بین‌المللی را باید در اینجا به مفهوم قدر و ارزش بین‌المللی یا ناگزیری تاریخی تکرار آنچیزی به مقیاس بین‌المللی درک نمود، که در کشور ما روی داده است... در لحظهٔ تاریخی کنونی وضع چنانست که نمونه روسی به همه کشورها چیزی، و آن هم چیزی بسیار مهم، از آینده ناگزیر و نزدیکشان نشان میدهد."

انقلاب اکتبر در کشوری پیروز شد، که از شرق آسیا، تا بخشی از اروپا، قریب صد قوم و خلق و ملت، با ساختارهای اجتماعی – اقتصادی گوناگون، از مناسبات قبیله‌ای و بقایای فئودالیسم، تا نظام سرمایه‌داری و مرحلهٔ نهائیش امپریالیسم، در آن زندگی میکردند. حزبی که لنین سازمان داده و در دو انقلاب مردمی و دموکراتیک (سالهای ۱۲۸۶–۱۲۸۴ و بهمن ۱۲۹۶) تجارب گرانبهائی اندوخته بود، توانست مبارزه طبقاتی کارگران روسیه برای برانداختن نظام سرمایه‌داری، جنبش دموکراتیک روستائیان در راه اصلاحات ارضی بنیادی، نهضت رهائی بخش خلق های مستعمره و وابسته روسیه تزاری و حرکت همگانی توده‌های مردم علیه جنگ امپریالیستی را در یک سیل نیرومند اجتماعی متحد کند، زنجیر امپریالیسم را در نقطهٔ ضعیفش بگسلد، انقلاب سوسیالیستی را به پیروزی رساند و با پی‌ریزی استوار نظام عدالت اجتماعی، سر فصل گذار بشریت به جامعه‌ای فارغ از استثمار و استکبار، آزاد از ظلم اجتماعی وستم ملی را بگشاید.

برانداختن تزاریسم و حکومت موقت بورژوازی در کشوری با آن ساختار مرکب و پیچیده اجتماعی – اقتصادی و فرهنگی – عقیدتی، با همه پیوند های نزدیکی که با امپریالیسم غدار جهانی داشت، به هیچوجه کار آسانی نبود. راز بزرگ آن پیروزی عظیم جهانشمول در توفیق حزب لنین در ایجاد اتحاد همهٔ نیروها و جریان‌های انقلابی درون کشور و جلب پشتیبانی گسترده و فعال زحمتکشان جهان از خارج بود. اندیشه‌های انقلابی اکتبر کبیر با ضربه درهم‌شکننده‌ای که به امپریالیسم جهانی وارد ساخت، جنبش کارگری کشورهای رشد – یافته سرمایه‌داری و نهضت‌های رهائی‌بخش ملی خلق‌های مستعمرات و نیمه – مستعمرات را به مرحله نوینی از گسترش تاریخی بالا برد علیرغم همه تلاشهای مذبوحانه مدافعین رنگارنگ نظام فاسد سرمایه‌داری در تحریف واقعیات و یکسان قلمداد کردن سوسیالیسم و امپریالیسم، واقعیت بزرگ و سرسخت دوران نوین تاریخ بشر این است که، تکوین جامعهٔ نوین از همان مراحل جنینی اش در مبارزه رویارو و پیگیر علیه امپریالیسم و در اتحاد فزاینده با جنبش کارگری و نهضت‌های رهائی بخش ملی دوام وقوام یافته است.

* * *

برای میهن ما ایران پیروزی انقلاب اکتبر، براندازی نظام سرمایه‌داری و بنای جامعه‌ای آزاد از ظلم و استثمار بجای آن در کشور همجوار، اهمیت ویژه‌ای داشت. ناصر عاملی گفته ملک‌الشعراء بهار را (در میتینگ اعتراض علیه قرارداد ننگین ۱۲۹۸ وثوق‌الدوله، که ایران را تحت قیمومت انگلستان قرار میداد) چنین به نظم کشیده است:

حاصل سعی لنین و دولت او داشت
سود فراوان برای ملت ایران

آنچه که مدیون روس دولت ما بود
برسر آنها کشید خامه بطلان

شاهد گفتار خویش آورم ایدر
گفت بهار آن بزرگ مرد سخندان

کشور ما بود همچو مردی آن عهد
کوشد بین دو خصم واله و حیران

و اندو برای فنای آن یک بستند
از دو طرف ریسمان ورا به گریبان

هردو سر ریسمان کشند بقدرت
تا بستانند زآن میانه از او جان

ناگه دستی رها نمود سر بند
یافت نجات آن اسیر زار پریشان

دست لنین بود آنکه کشور ما را
کرد رها ازمیان پنجه خصمان

بیمورد نیست به خاطر آوریم، "آنچه که مدیون" روسیه تزاری بود "دولت ایران"، برابر محاسبات رسمی بالغ بر ۵۸۲ میلیون روبل طلا (به مظنهٔ ارزی آنزمان ۶۴۳۰ میلیارد قران آنروز، یعنی ۱۶ برابر درآمد سالانه بودجه کل ایران در سال پیش از جنگ اول جهانی) میشد، که بلاعوض از سوی دولت شوروی به مردم ایران واگذار گردید.

لیکن اهمیت پیروزی انقلاب اکتبر برای میهن ما بسی گسترده‌تر و ژرف تر بود. بنا به تصدیق دوست و دشمن، اگر آن پیروزی و پیدایش نظام سوسیالیستی شوروی بجای رژیم سرمایه‌داری در روسیه تزاری نبود، اثری از استقلال ایران باقی نمی‌ماند. نظام نوین سوسیالیستی در اولین بیانیه خود "خطاب به زحمتکشان مسلمان روسیه و خاورزمین" (اواخر آبان ماه ۱۲۹۸) اعلام داشت:

"ما اعلام میداریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است. اسارت از جانب روسیه و دولت انقلابی آن در انتظار شما نیست، بلکه از جانب درندگان امپریالیست، یعنی از سوی آنهائیست که میهن شما را به مستعمرهٔ تحقیر شده و به تاراج رفته خود مبدل کرده‌اند. به محض قطع عملیات جنگی قشون روسیه از ایران فراخوانده میشود و به مردم ایران امکان داده میشود که خود سرنوشت خویش را تعیین کنند."

دولت نوبنیاد شوروی به مفاد این بیانیه عمل کرد. باوجود مخالفت ها و کارشکنی های امپریالیسم و رژیم شاهنشاهی ایران، مذاکراتی که به ابتکار دولت شوروی، بلافاصله پس از انقلاب اکتبر، آغاز شده بود، سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۲۹۹ به نتیجه رسید و مناسبات دیپلماتیک بین ایران و شوروی برقرار شد. درپی مساعی خستگی ناپذیر دولت شوروی، در ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ (اسفند ۱۳۰۰) قرارداد ایران و شوروی به امضا رسید. دراین قرارداد بود که برای نخستین بار کاپیتولاسیون (حقوق برون‌مرزی که دول امپریالیستی به ایران تحمیل کرده بودند) رسما ملغا گردید. این قرارداد به ایران امکان داد که درسال ۱۳۰۶ مسئله لغو کاپیتولاسیون را بطورکلی با دولت‌های امپریالیستی مطرح کند وبا وجود مقاومت آنها، سرانجام در سال بعد به لغو آن نائل آید. درپی کوشش‌های دولت شوروی، در همان سال ۱۳۰۶ "عهدنامه تأمینیه و بیطرفی" بین دولتین بامضاء رسید، که مبانی مناسبات سیاسی، اقتصادی و بازرگانی برابرحقوق بین دوکشور را پایه‌گذاری کرد. ایران با اتکاء به قراردادها و موافقتنامه‌های منعقده با اتحاد شوروی توانست قانون تعرفه آزاد گمرکی را، که در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ تصویب کرده بود، به دولت‌های امپریالیستی بقبولاند. در سالهای بحران عمومی اقتصادی جهان سرمایه‌داری (۱۳۱۱ – ۱۳۰۸) که حجم صادرات ایران به شدت کاهش یافت، بازرگانی با اتحاد شوروی تنها راه مؤثر تخفیف وضع بحرانی اقتصادیات ایران بود (حجم بازرگانی خارجی ایران دراین سالها به کمتر از یک سوم کاهش یافته بود، درحالیکه سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران در آخرین سال بحران به ۳۹ درصد افزایش یافته بود). در سالها ی بعد، تشدید سیاست ضد شوروی از سوی دولت رضا شاه و سرفرود آوردن آن در برابر فاشیسم هیتلری، زیان بزرگی به مناسبات دو کشور و به پیشرفت اقتصادیات ایران وارد ساخت (اگر جمع بازرگانی خارجی ایران درسال ۱۳۱۰ به ۵۱۹ میلیون ریال می‌رسید، که ۳۸/۹ درصد آن را سهم دولت شوروی تشکیل می داد، درسال ۱۳۱۷ جمع کل آن به ۱۶/۵ میلیون ریال می‌رسید، که سهم اتحاد شوروی در آن به ۸/۲ درصد کاهش یافته بود).

در سال‌های جنگ جهانی دوم، که به سبب محدود شدن مناسبات ایران با کشورهای خارجی (قطع این مناسبات با کشورهائی مانند آلمان ایتالیا و ژاپن) وضع اقتصادی ایران بازهم به وخامت گرائیده بود، تنها گسترش روابط اقتصادی با شوروی بود که میتوانست از این وخامت جلوگیری کند (سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران از ۰/۵ درصد درسال ۱۳۲۰ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۲۴ افزایش یافت). ولی این پیشرفت دیری نپائید – پس از خاتمه جنگ به علت مداخلات روز افزون امپریالیست‌ها، به ویژه امپریالیسم امریکا و اخلال و خرابکاری آنها در مناسبات ایران وشوروی، سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران رو به کاهش گذاشت (درسال ۱۳۲۹ میزان ۳/۲ درصد از مبادلات بازرگانی خارجی ایران را تشکیل میداد، در صورتیکه در همین سال کسر موازنه بازرگانی خارجی ایران به ۵ میلیارد ریال بالغ شده بود که ۳ بار بیش ازمیزان صادرات کشور بود.)

تاریخ مناسبات ایران و شوروی از روزهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تا به امروز، نشان میدهد که هر گاه ایران نیازی داشته و به دولت اتحاد شوروی مراجعه کرده است، با حسن تفاهم، همکاری و پشتیبانی آن دولت روبرو شده است. دولت شوروی، برحسب سرشت نظام اجتماعی آن کشور، همواره هوادار مناسبات برابرحقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت ملی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، پشتیبان استقلال وآزادی دیگر خلق‌ها بوده است.

پس از آنکه دولت ایران در شهریور ماه ۱۳۴۱ رسماً اعلام داشت که به هیچ دولت خارجی اجازه هیچگونه پایگاه سلاح موشکی را در ایران نخواهد داد و سپس برای انعقاد یک سلسله قرارداد های اقتصادی، بازرگانی وفنی به دولت شوروی مراجعه کرد، چندین موافقتنامه به امضا رسید، که برای میهن ما اهمیت حیاتی داشت. از آنجمله‌اند، مبادله اسناد مربوط به موافقتنامه ترانزیت بین دوکشور در آبان ماه همان سال (موافقتنامه در اردیبهشت ۱۳۳۶ منعقد شد ولی تا آنزمان اعتبار رسمی نیافته بود)، موافقتنامه کمک و همکاری فنی در ساختمان سد و تأسیسات آبیاری جهت استفاده از آبهای مرزی در رودخانهٔ ارس، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی در ایجاد تأسیسات صنعتی از جمله

بقیه در صفحه ۱۰

متن پیام سفیرکبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر

به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، و.م. وینوگرادوف، سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران، پیامی فرستاد، که چهارشنبه شب گذشته (۶ آبان ماه ۱۳۶۰) از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و در مطبوعات انتشار یافت. در زیر متن این پیام، به نقل از روزنامه اطلاعات، مورخ ۷ آبان ماه ۱۳۶۰، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

تاریخچه

۶۴ سال پیش کارگران و دهقانان کشور ما دست به انقلابی زدند که به نام انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر وارد تاریخ شد. آنها تحت رهبری لنین و حزبی که لنین در رأس آن بود، سلطه سرمایه‌داران و ملاکان را واژگون کردند از طریق ارگان‌های انتخابی ملت، یعنی شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان، برای نخستین بار در تاریخ نوع بشر حکومت به نفع کسانی به مورد اجرا گذارده شد، که ستمدیده و محروم بودند.

راه ملت ما سخت و دشوار بود. ملت ما هجوم ضد انقلاب داخلی را، که تحت حمایت قوای ۱۴ کشور امپریالیستی بود، دفع نمود از عهده محاصرهٔ اقتصادی برآمد و پیروزی تاریخی بزرگی درجنگ با طاعون قهوه‌ای یعنی آلمان فاشیست و متحدان آن، که حامل خطر انقیاد برای کلیهٔ کشورهای جهان، از جمله کشورها ی آسیا و منجمله برای ایران بودند، به دست آورد.

دوره‌ای که از لحظهٔ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سپری شد، دورهٔ آزمایش تاریخی همه‌جانبه انقلاب ما بود، که نیروی حیاتی خود را به ثبوت رساند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به نحو قانع کننده‌ای نشان داد که حکومت استثمارگران ابدی نیست. این حکومت باید جای خود را به حکومت زحمتکشان وحکومت مردم بدهد.

براثر قهرمانی مردم شوروی در عرصه کار و کارزار، کشور ما با دفع تهاجمات دشمنان و با غلبه بر مشکلات اقتصادی، ظرف ۶۴ سال، که مدت تاریخی کوتاهیست، تبدیل به کشور مترقی و نیرومندی شد.

پیشرفتهای حاصل شده

درکشور ما بیکاری وجود ندارد، خانه‌سازی وسیعی که از لحاظ مقیاس خود بیسابقه است، انجام میگیرد، شبکه وسیع مؤسسات، مخصوص کودکانی که هنوز به مدرسه نمیروند، تأسیس گردیده ودولت به زنان مادر ومعلولین وسربازان سابق جنگ کمک ومساعدت مبذول میدارد.

به حفظ وافزایش ارزشهای معنوی اهمیت سرشاری داده میشود. آموزش درکشور ما – ازآموزش ابتدائی تا آموزش دانشگاهی – مجانیست ودانشجویان از دولت کمک هزینه تحصیلی دریافت میکنند. درکشور ما شبکه وسیعی از کتابخانه‌ها وجود دارد. اتحاد شوروی از لحاظ تیراژ کتاب‌هائی که منتشر میشوند مقام اول جهانی را دارا میباشد درکشور ما مناسبات واقعاً برابری میان ملل واقوام مختلف برقرار شده است وبه‌همین جهت فرهنگ وهنرملی پیشرفت سرشاری پیدا کرده اند. آزادی دین ومذهب محترم شمرده میشود.

امروز ملت ما به آینده‌ای که سر گرم بنای آنست باخوش‌بینی نگاه میکند. البته ما نمیتوانیم بگوئیم که در کشور ما همه مسائل حل شده است و هیچگونه مشکلاتی وجود ندارد. ساختمان جامعه نوین از راه‌های ناشناخته انجام میشود. جنگ‌هائی که به ما تحمیل شد، مساعی و وسایل ونفرات زیادی از دست ما گرفت. با این حال امروز نیز نیروهای امپریالیستی در صدد بصدا درآوردن اسلحه هستند، تا مانع از ساختمان‌های صلح آمیز ما شوند. آنها به منظور توجیه خط مشی خود درجهت برپاکردن جنگ جدید جهانی همچون در سالهای نخست بعد ازانقلاب اکتبر دروغ‌ها واکاذیب کثیری درخصوص سیاست کشور ما پخش میکنند.

سیاست خارجی

ولی ابرهای سیاه دروغ نمی‌توانند روی خورشید حقیقت را بپوشانند سیاست خارجی لنینی دولت ما ازلحظه برقراری نظام شوروی متوجه تأمین صلح بین ملت‌ها وعدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر وحفظ حاکمیت و مصونیت ارضی آنها و احترام به حق هریک ازملت‌ها برای انتخاب راه پیشرفت وترقی خود بوده و هست و خواهد بود این سیاست متوجه پشتیبانی ازملت‌هائی است که در راه آزادی واستقلال مبارزه میکنند، متوجه مبارزه برضد خط مشی نیروهای امپریالیسم در مورد مسابقه تسلیحات وسیاست امرونهی آن درمورد سایر کشورها میباشد. اتحاد شوروی به نفع از میان برداشتن "نقاط داغی" که نیروها ی امپریالیسم خواه در اروپا یا در خلیج فارس بوجود می‌آورند، اقدام می‌کند.

روابط شوروی و ایران

روابط فی ما بین کشور ما و ایران که تاریخچه دیرینه‌ای دارد، بعداز پیروزی انقلاب اکتبر جنبه کاملاً تازه‌ای بدست آورد: این روابط براساس برابری طرفین وانتفاع متقابل قرارگرفت. البته جلب ایران به بلوک‌های نظامی و پیمان‌ها ی رژیم شاه با نیروهای تجاوزکار ممکن نبود اثرمنفی خود را در این روابط باقی نگذارد. خط مشی اصولی اتحاد شوروی درمورد پشتیبانی از مبارزهٔ ملت‌ها در راه آزادی واستقلال آنها، مانعی در سر راه آزادی واستقلال آنها، مانعی در سر راه همه‌کسانیست که سعی دارند در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کنند. ل.ای. برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درماه نوامبر سال ۱۹۷۸ صراحتاً مجاز نبودن مداخله در امور داخلی ایران را از جانب هرکس و به هربهانه‌ای که باشد، هشدار داد.

ملت شوروی رفتار توأم با احترامی نسبت به ملت ایران ونسبت به حق قانونی آن درمورد برقراری نظامی که با منافع آن مطابقت داشته باشد" دارد و به تمایل ملت ایران در جهت زندگی بهتر احترام میگذارد.

در دوکشور ما نظامهای اجتماعی واقتصادی وایدئولوژی متفاوتی وجود دارد. ولی ما عقیده داریم که پیروز ی ملت قهرمان ایران دربهمن ماه سال ۱۳۵۷ راه گسترش روابط فی مابین دو کشور ما را با روح صداقت وحسن همجواری واقعی هموار نمود. منافع بنیادی وریشه‌ای ملل آنها و واقعیت عینی همجواری مستقیم جغرافیائی هر دو کشور را ایجاب بهاینکار میکند. لئونید ایلیچ برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی طی بیانات خود در بیست وششمین کنگره حزب ما و همچنین در پیام‌های خود به آیت الله خمینی رهبر جمهوری اسلامی ایران، بارها تاکید نموده است که اتحاد شوروی ازلحاظ آمادگی برای بسط و توسعهٔ مناسبات میان دو کشور ما بر اساس دوستی وحسن همجواری وبرابری متقابل کمبودی ندارد. بنوبه خود رهبران ایران نیز لزوم حفظ روابط سالم میان ایران واتحاد شوروی را خاطر نشان ساخته‌اند. ما عقیده داریم که این تمایلات نیک باید اجرا شود.

در آستانه شصت وچهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که روز جشن ملی اتحاد شوروی میباشد، مردم شوروی از کلیه دوستان ایرانی بخاطر احساسات حسنه و گرمی که نسبت به کشور ما دارند، سپاسگزار ی میکنند. آنها احساسات و تمایلات ملت ایران را، که در ابتداء راه انقلابی خود بسوی زندگی بهتر قرار دارند درک و خواستار همه‌نوع موفقیت برای ملت ایران هستند.

بقیه از صفحهٔ ۱

تهیه شناسنامه...

غارتگری‌های امپریالیست‌ها و بزرگ‌ـ مالکان و کلان سرمایه‌داران و در رأس آنها خاندان پهلوی دنبال می کرد ، ناکافی و چه بسا ناقص ومبهم هستند خود دهقانان نیزهرگز انگیزه و دلیلی برای دادن اطلاعات درست به آمارگران دولتی نداشتند .لذا تهیه آمارها و اطلاعات صحیح امری بسیار ضرور و لازم است .

بنابرآنچه گفته شد ، موجود نبودن آمارها واطلاعات صحیح وکافی ازروستاها تنها وتنها موجبات اختلال وبی نظمی را در تدوین برنامه‌های انقلابی بسود زحمتکشان روستاها فراهم میآورد .

بنابراین ،و در راستای اهمیت فوق‌العاده‌ای که وجود آمارها واطلاعات صحیح برای تدوین برنامه‌های انقلابی دارند ،حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران انجام این کار خطیر را ازمجرای نهاد انقلابی جهاد سازندگی اعلام کرده است .

آنچه مسلم است اینست که جهاد سازندگی ،به مقتضای خصلت انقلابی خود وبنابرتجربه ومحبوبیتی که طی دوسال واندی اندوخته است ، این قدرت وتوانایی را دارد که این وظیفه خطیر و مهم را به انجام رساند .

در چارچوب انجام این امر مهم، وظایفی چند در برابر روستائیان زحمتکش روستاها ،نهادهای مردمی و انقلابی و همه انقلابیون و مدافعان انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ونظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد .

وظیفهٔ روستائیان زحمتکش

وظیفه مهم روستائیان زحمتکش وتهیدست روستاها در قبال این امر مهم اینست که باتمام وجود به آمارگران جهاد سازندگی در تهیه اطلاعات وآمارهای صحیح وهمه‌جانبه یاری رسانند .

روستائیان باید بطور صحیح و مفصل وباعلاقه و شوق فراوان به پرسش‌های آمارگران ،مندرج در شناسنامه ،پاسخ دهند و تمامی اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند

روستائیان زحمتکش باید بدانند که امر خطیر جمع آوری اطلاعات وآمارها توسط جهاد سازندگی کاری به سود خودآنان و در راستای تأمین منافعشان است ولذا برهمه لازم است که دراجرای کامل این امر مهم مشارکت فعال داشته باشند .

وظیفهٔ نهادهای انقلابی ومردمی

نهادهای انقلابی ومردمی نظیر شورا های ده وغیره ،نیز در برابر این امر بسیار ضرور وظیفهٔ بزرگی به عهده دارند .

بخشی از وظیفهٔ شوراهای ده اینست که ،پیش از ورود آمارگران به انحاء گوناگون ،از قبیل تشکیل جلسات واجتماعات ،روستائیان زحمتکش را نسبت به مزایای جمع آوری آمار و اطلاعات آشنا کنند وبرآگاهی آنان در زمینه ارائه پاسخ‌های هرچه کاملتر و صحیح‌تر به آمارگران جهاد سازندگی بیفزایند .

شوراهای ده و دیگر نهادهای انقلابی ومردمی باید به‌هنگام ورود آمارگران جهاد سازندگی امکانات لازم را برای انجام امر جمع آوری اطلاعات وتهیه آمار ازروستا فراهم سازند وآمارگران راهمه‌جانبه مساعدت ویاری رسانند .

وظیفهٔ همهٔ انقلابیون

بطور کلی وظیفهٔ همهٔ نیروهای انقلابی پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مشارکت فعال و وسیع در این کار لازم و مهم است .

وظایفی که در برابر انقلابیون وطرفداران تحکیم جمهوری اسلامی ایران ،در روستاها دراین زمینه قرار دارد ،عبارتند از :

ــ خودشان درکار جمع آوری اطلاعات وآمار کوشا باشند .

ــ دهقانان زحمتکش را به مزایای طرح آشنا کنند و آنها را تشویق به همکاری فعال بنمایند .

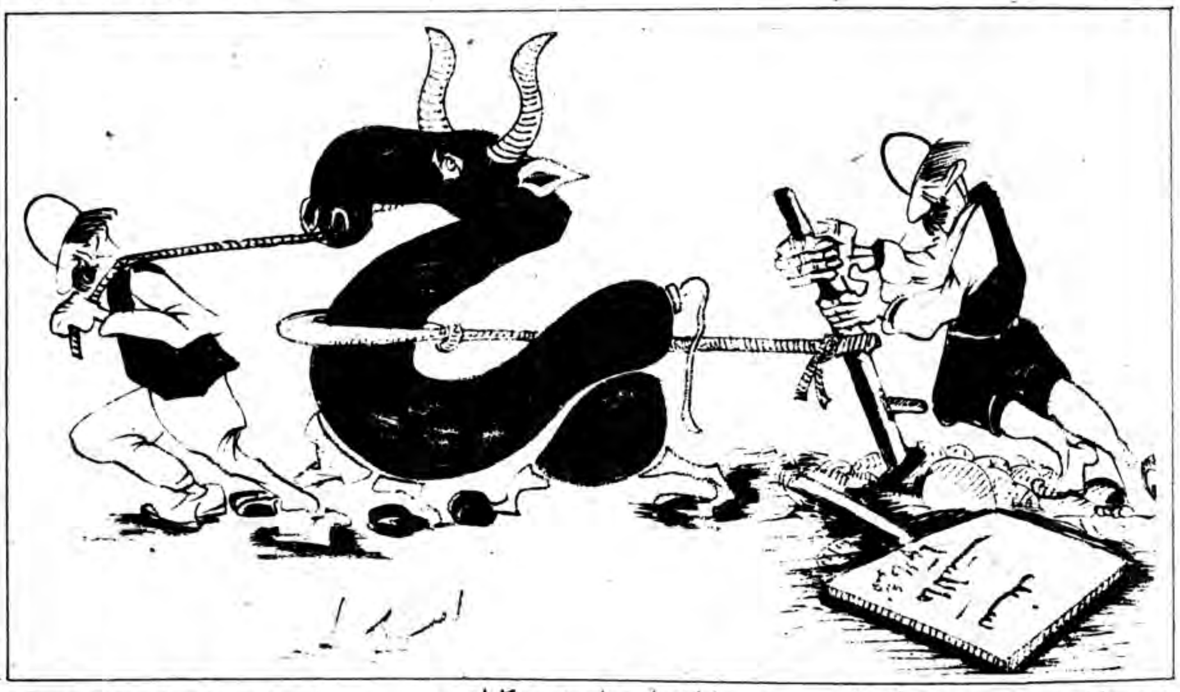
ــ به آمارگران جهاد سازندگی همه گونه کمک برسانند .

ــ به شوراهای ده وسایر نهادها یاری کنند تا همهٔ امکانات خود را در خدمت این طرح جهاد بگذارند .

ــ در برابر دسایس وخرابکاری ها وشایعات ضدانقلاب وسمپاشی‌ها‌ی عمال مالکان بزرگ هوشیار باشند وباآن‌ها مقابله کنند .

نکتهٔ لازم ومهم دربارهٔ کارشکنی‌های مخالفان

نکته‌ای که ذکر آن در پایان ضروراست اینست که ، این امکان وجود دارد که بزرگ مالکان وایادی آنان ودیگر مخالفان انقلاب درصدد کارشکنی و ایجاد اخلال درکار جمع آوری آمار و اطلاعات برآیند .لذا لازم است که روستائیان زحمتکش ،نهادهای انقلابی ومردمی وتمام انقلابیون هشیار باشند و بادرایت انقلابی دسیسه‌های مخالفان راخنثی کنند واجازه کارشکنی و ایجاد اخلال را درکار آمارگران جهاد سازندگی به مخالفان انقلاب و عمال بزرگ مالکان ندهند.



مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

اجرای قانون وتامین آزادی کلیهٔ نیروهای مدافع انقلاب، امنیت وآرامش را به جامعه باز می گرداند

* سررشته دار همهٔ توطئه های براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران امپریالیسم آمریکاست .

* مجلس با ۱۱۵ رأی موافق به نخست وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی رأی اعتماد داد .

درجلسات علنی هفته گذشتهٔ مجلس شورای اسلامی با ۱۱۵ رای موافق ۳۹ رای مخالف و۴۸ رای ممتنع ازمجموع ۲۰۲ رای ،به نخست وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی رای اعتماد داد .

دراین جلسات گفته‌شد :" سررشته‌دارهمهٔ توطئه‌های براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران آمریکاست " و "اجرای قانون وتامین آزادی نیروهای مدافع انقلاب امنیت وآرامش را به‌جامعه بازخواهدگرداند . "

در اولین جلسه علنی مجلس ، که در روز یکشنبه سوم آبان ماه ۶۰ تشکیل شد ،پس از سخنان چند تن از نمایندگان ،یعنی آقایان محمدعلی سبحان‌الهی ،نمایندهٔ مردم تبریز ، محمد اسماعیل شوشتری ، عبدالکریم اربابی ،نماینده‌مردم چاه‌بهار ، و یونس‌محمدی ،نماینده مردم شادگان و خرمشهر ،به‌عنوان نطق‌پیش‌ازدستور ، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس تذکرات برخی از نمایندگان را به‌مسئولین کشور قرائت کرد و طی سخنان کوتاهی به مسئولین دولت دربارهٔ عدم‌اجرای قوانین تصویب شده مجلس تذکراتی دادوگفت :

"مواردی هست‌که در مجلس قوانین تصویب شده و مدتی است از ابلاغ آنها میگذرد و هنوز خبری از اجراء نیست . ما این تذکررا الان می‌ـ دهیم که‌اگر اجرا نشود ،مورد به مورد بازخواست‌خواهیم کرد . "

در جلسه علنی روز یکشنبه گذشته لوایح راجع به‌اجازه پرداخت حقوق وفوق‌العاده‌های مستمر کارکنان دولت ،که‌به‌اسارت رژیم مزدور عراق درآمده‌اند ،تهیه و تنظیم لایحه تقسیمات‌کشوری ،اصلاح اساسنامه تامین‌خدمات‌درمانی عائله درجه یک افسران و همافران و کارمندان ارتش و ژاندارمری ،پرداخت فوق‌العاده‌اضافه کارساعتی کارمندان وزارت پست و تلگراف وتلفن ، حذف سوبسید روغن نباتی ،که به‌صورت خام تحویل کارـ خانجات‌تولیدی روغن‌نباتی میگردد ، ازتصویب نمایندگان مجلس‌گذشت .

در دومین جلسه علنی مجلس ، که‌روز سه‌شنبه پنجم آبان‌ماه ۶۰ تشکیل شد ،آقای‌مهندس میرحسین‌موسوی ،به عنوان نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران ،از سوی رئیس جمهور حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای ، به مجلس معرفی شد .

اولین ناطق پیش‌از دستور این جلسه ،سرگون‌بیت‌اوشانا ،نمایندهٔ آشوریان وکلدانیان ،بود .ناطق در آغاز سخنان خود به توطئه ها ی امپریالیستی علیه انقلاب اشاره‌کرد و گفت :

"اتحادهمهٔ نیروهای ضد ــ امپریالیستی تنها راه مقابله‌باتوطئه‌ـ های‌امپریالیستی‌است . "

ناطق در بخش دیگری ازسخنان خود ،بااشاره به دیوانه سری ها ی امپریالیسم‌آمریکا ،گسترش سیاست‌های تجاوزکارانهٔ‌آن وازجمله گسترش نیروـ های واکنش‌سریع برای سرکوب‌جنبش‌ـ های‌رهائی‌بخش در منطقه ،یادآور شد که :

"همهٔ اینها گویای تدارک یک توطئهٔ خونین در منطقه‌اند ،که حتی میتواند جهان را به آتش و ویرانی ونابودی بکشاند .

ناطق دراین زمینه برای‌مثال‌به جنگ‌تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران ،امکان تجاوز به خاک لیبی و گسترش سرکوب جنبش‌های انقلابی مردم‌مصر و سودان و کوشش‌امریکا برای برپائی جنگ‌محدود هسته‌ای اشاره‌کرد .

ناطق سپس بااشاره به اظهارات الکساندرهیگ وزیرامور خارجه آمریکا مبنی برآنکه آمریکامیکوشد تاجریانات سیاسی درایران منطبق با ارزش های غرب سیرکند ، گفت :

"انقلاب‌اسلامی ایران درمبارزه بی‌امانش‌باامپریالیسم و متحدانش تنهانیست .از جمله جبههٔ پایداری وبخش‌مهمی از کشورهای عضو جامعهٔ غیرمتعهدها وهمهٔ کشورهای ضد ــ امپریالیستی وبالاخره ،همانطورکه امام‌امت بیان‌فرمودند ،کلیه محرومان جهان ،دراین‌مبارزه در کنار انقلاب اسلامی ایران هستند . "

ناطق سپس تصریح کردکه :

"بااین توطئهٔ عظیم امپریالیسم جهانی تنها‌باید‌باتامین‌هرچه‌گسترده تراتحادهمهٔ نیروهای ضدامپریالیستی وآزادیخواه مقابله کرد . "

نماینده آشوریان و کلدانیان در بخش‌پایانی سخنان‌خود ، ضمن بیان مطالبی درخصوص‌اجرای هرچه‌سریع‌ـ تراقدامات بنیادی بسود زحمتکشان شهر و روستا و نیز اجرای هرچه‌سریع‌ـ ترقانون‌تامین‌آزادی فعالیت‌کلیه‌نیروـ های‌مدافع‌انقلاب ،خواستارتصویب و اجرای‌اصلاحات‌ارضی‌بنیادی ، احرای قانون‌ملی‌کردن‌تجارت‌خارجی‌واجرا ی قانون مسکن و اراضی موات‌شهری‌شد .

ناطق همچنین‌خاطرنشان ساخت که‌اجرای قانون وتامین‌آزادی فعالیت کلیه‌نیروهای مدافع‌انقلاب "امنیت و آرامش رابه جامعه باز خواهد گرداند و زمینه را برای استفاده از همه‌نیروهائی که‌به‌انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌وفاـ دارند ،برای سازندگی میهن عزیز ما فراهم‌خواهد کرد .

دومین ناطق پیش‌از دستور این جلسه ،دکترحسن‌روحانی ،نماینده مردم‌سمنان‌بود .

درجلسه علنی روز پنجشنبه ۷ آبان ماه ۶۰ ،دربارهٔ نخست‌وزیری‌آقای میرحسین‌موسوی رای گرفته‌شد ومجلس با ۱۱۵ رای به‌ایشان رای اعتماد داد .

برژینسکی...

بقیه از صفحهٔ ۷

برژینسکی نتیجه نگرفت، اما آمریکا یك چهره ندارد

بدنبال این دیدار و سپس تسخیر لانه‌جاسوسی آمریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیروخط امام ، لیبرال‌ها ،که متوجه شدند بی‌گدار به آب زده‌اند و از هول حلیم در دیگ افتاده‌اند ، کوشیدند تا به توجیه‌عمل خود بپردازند و با توسل به دروغ آبروی رفته رابه‌جوی‌بازگردانند .دکتر یزدی دراین‌باب پیشقدم‌شدوگفت :

" . . .تاکنون مجموعه‌نظرات‌امام و شورا و دولت براین‌بوده‌است‌که روابط دیپلماسی با آمریکا قطع نشود. . . " (۱۵ آبان ۵۸ ــ اطلاعات) ،به اضافه اینکه : " . . . اگررهنمودشورای‌انقلاب و رهبر این‌بوده که در همان‌روزها‌باید قطع رابطه بکنیم (با آمریکا) خوب‌باید قطع رابطه میشد . . . اما وقتی‌رهنمود . . .این بودکه کجداروم‌ریز فعلا کار بکنیم ،خوب معلوم بودکه‌من‌باید بروم . . . صحبت بکنم . . . " (از مذاکرات همان‌جلسه‌مجلس ــ سخنان دکتر یزدی)

لیکن : " . . .حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای امام‌جمعه تهران رسما تکذیب‌کرد که نه مستقیم و نه غیرمستقیم ازدولت‌موقت خواسته‌نشده که با آمریکا کجدار ومریز کند .حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای همچنین اعلام داشت‌که‌شورای انقلاب‌ازملاقات دولت موقت با برژینسکی اصلا مطلع نبوده‌است . . . " (همان مذاکرات‌ــ روزنامه‌ها‌ــ ۲۹ شهریور ۵۹)

و حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی ، رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی وعضوشورای انقلاب نیزتاکیدکردکه :

" . . .ماهمیشه در شورای انقلاب ، همان‌موقع گله‌داشتیم ازآقای‌دکتریزدی که‌شورای‌انقلاب‌رادرجریان مسائل‌شان نمی‌گذارند .با دولت‌شایدمی‌گذاشتند . . . " (همان‌جا)

و چنین بود که معلق‌زدن های نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال ایران نیزنتوانست‌معامله‌با آمریکا را توجیه کند وآن‌را مشروع بنمایاند .

دیداربابرژینسکی بی نتیجه‌ماند ،اما فراموش‌نکنیم که‌آمریکا یک‌چهره‌ندارد ، هزارچهره‌داردوتنها معدودی‌ازچهره‌ـ های‌این‌جهانخواره‌خبیث بر مردم ما روشن‌شده‌است .آری ، این هزارپارا پاهای‌پیداوناپیدای دیگری‌نیز هست . بهوش‌باشیم‌وبا کمک‌گیری‌از هواداران راستین انقلاب و با تکیه بر خلق قهرمانمان ،توطئه‌هاراخنثی سازیم .

تفسیر وقایع ...

بقیه از صفحهٔ ۵

اصلی آنان جاسوسی به نفع دشمنان انقلاب ایران در منطقه است. عربستان سعودی بدین ترتیب خاک خود را به پایگاه اصلی توطئه‌های امپریالیستی در منطقه تبدیل میکند، که همزمان با سایر اقدامات آن، از جمله طرح فهد تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، واگذاری وامهای بزرگ بی بهره به عراق و کارشکنی‌های نمایندگان آن در اوپک، کمک‌های عظیم به ضدانقلابیون افغانی بنام "حمایت از اسلام در برابر کفر" و، در عین حال حمله وحشیانه به حجاج ایرانی بدلیل دادن شعارهای ضد آمریکائی و ضدصهیونیستی، موضع آن را در قبال مبارزهٔ جهانی انقلاب و ضدانقلاب به روشنی میتوان تشخیص داد.

سیاست عربستان سعودی در جهت تامین "صلح!" درمنطقه و نزدیکی به مصر پس از مرگ سادات به دستاویز آن که موضع مصر تغییر کرده است، جزئی دیگر از سیاست حکام مرتجع عربستان برای منزوی کردن نیروهای انقلابی منطقه در برابر امپریالیسم جهانی است. عربستان سعودی بدلیل امکانات عظیم مالی که دراختیار دارد، تاکنون توانسته است نقش تخریبی مهمی در منطقه بسود امپریالیسم امریکا ایفا کند.

استراتژی عربستان سعودی طی بیست سال اخیر اخلال در روابط جنبش‌ها و کشورهای انقلابی با اتحاد شوروی بوده است. پول عربستان سعودی، توام با حیله‌گری سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا و انگلستان، همیشه به رشد گرایش‌های سازش‌کارانه در جنبش‌های آزادیبخش منطقه کمک کرده است. در برخی از موارد دراثر این تحریکات یک جنبش انقلابی به‌کلی چهرهٔ دیگری به‌خود گرفته است. عربستان سعودی در گردش مصر به‌راست پس از مرگ ناصر تاثیر بزرگی داشت. تحریکات عربستان سعودی در پاکستان نیز در این جهت انجام گرفته و می‌گیرد. پول، پولی که میتواند تمام خلقهای مسلمان جهان را به رفاه و آسایش برساند درست برضد این خلق‌ها، بادست حکام مرتجع عربستان، و از آن بیشتر بدست ریگان‌ها و هیگ‌ها برای سرکوب جنبش‌های انقلابی به مصرف میرسد. آواکس‌ها نیز مصرفی جز این ندارند. پیوند زمامداران مرتجع سعودی با امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، محکمتر از آن است که بتوانند برخلاف مصالح سرمایه‌داری جهانی و اسرائیل فرزند دلبند آن، کوچکترین گامی بردارند. شاهان سعودی تنها دریک جهت می‌توانند فعالیت‌کنند و آن کمک به اجرای نقشه‌های امپریالیستی زیرپرچم اسلام آمریکائی است. اسلام آنان هنگامیکه کار به توطئه بر ضد جنبش‌های انقلابی می‌کشد (مثلا در ظفار، سومالی، ایران، یمن، افغانستان، لیبی بهترین حربه در دست امپریالیسم است،. "عربیت" آنان نیز چنین است. آنکس که قدمی برخلاف منافع امپریالیسم بردارد، نه‌عرب است ونه‌مسلمان از اینرو عربستان سعودی هرقدرهم شعار ضداسرائیلی بدهد، عملا متحد صهیونیسم و اسرائیل است، چنانکه طرح فهد نیز گامی درجهت نفاق افکنی درصفوف مخالفان اسرائیل است.

برقراری صلح در خاور نزدیک و میانه، چنانکه در اعلامیه‌های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، تنها برپایهٔ ادامهٔ مبارزه تا طرد کامل امپریالیسم و صهیونیسم از منطقه امکان‌پذیر است. صلح درمنطقه بدون آنکه امپریالیسم و صهیونیسم از بین برده‌شوند، هرگز برقرارنخواهد شد، این خلق‌ها به سیاست امپریالیستی، که پایهٔ آنرا استفاده از زور برای غارت ثروت‌های این منطقهٔ زرخیز تشکیل میدهد، هرگز گردن نخواهند گذارد. تا امپریالیسم باقی است، به‌گفتهٔ امام خمینی، مبارزه علیه‌آن نیز باقی است. این مبارزه هر جا شکلی به‌خودمیگیرد، اما رویاروئی بین خلق‌ها و امپریالیسم غارتگر، تا محو کامل نظام سرمایه‌داری ادامه خواهد یافت.

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری «یونسکو»

سیزده‌آبان ۱۳۶۰/چهارم نوامبر ۱۹۸۱

سیزدهم آبان ۱۳۶۰ (چهارم نوامبر ۱۹۸۱) مصادف است با سی و پنجمین سال بنیانگذاری "سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد" (یونسکو). هم‌اکنون ۱۵۴ کشور جهان دراین سازمان، که‌مهم‌ترین نهاد تخصصی سازمان‌ملل‌متحد به شمار میرود، عضویت دارند. عالیترین ارگان "یونسکو" "کنفرانس‌عمومی" است، که هردوسال یکبار باشرکت نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل میشود.

بیست ویکمین اجلاس "کنفرانس عمومی" از ۱ مهر تا ۶ آبان ۱۳۵۹ (۲۳ سپتامبر تا ۲۸ اکتبر ۱۹۸۰) در بلگراد تشکیل شد. "کنفرانس‌عمومی"، سیاست‌سازمان، برنامه فعالیت‌وبودجه آنرا تعیین وتصویب و همچنین "شورای اجرائی" (مرکب از ۴۵ عضو) و مدیر کل "یونسکو" را انتخاب میکند.

بودجه این سازمان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال است، که باید چندین ده میلیون دلار بودجه‌اضافی را، که به‌وسیله برنامه توسعه سازمان ملل‌متحد تامین میشود، به‌آن افزود. علاوه‌برمقر اصلی "یونسکو"، که در پاریس واقع است، این سازمان دارای بیش از ده مرکز منطقه‌ای در قاره‌های مختلف است، که فعالیت‌های گوناگون در زمینه‌های آموزشی، علمی‌وفرهنگی انجام‌می‌دهند.

براساس ماده یک اساسنامه "یونسکو"، هدف اساسی این سازمان "کمک به تحکیم صلح و امنیت از طریق بسط همکاری میان ملت‌ها درزمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی است."

"یونسکو" درآغاز فعالیت خود زیر سلطه دولت‌های امپریالیستی قرار داشت و این کشورها میکوشیدند، تا سازمان نامبرده را از مسائل مهم بین‌المللی برکنارنگهدارند. آنها همچنین قصدشان این بود که "یونسکو" رابه ابزاری برای بسط سلطه ایدئولوژیکی و فرهنگی خود در کشورهای آسیا، آفریقا وآمریکای لاتین مبدل سازند و الگوی "غربی" را در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی بر این کشورها تحمیل کنند. اما با پیوستن کشورهای سوسیالیستی به "یونسکو" (در سال ۱۹۵۴) و چندی بعد با عضویت ده‌ها کشور نواستقلال آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، ضرورت مشارکت "یونسکو" در حل‌مسائل اساسی بین‌المللی، و در درجه نخست درتحکیم صلح، خلع سلاح‌وتشدیدمبارزه علیه استعمار ونژادپرستی مطرح شد.

نیروهای‌مترقی در "یونسکو" آگاهند که حل مسائل ذکر شده، شرط لازم پیشرفت در زمینه‌هائی‌است، که مستقیما در حیطه صلاحیت‌این‌سازمان قراردارند. سیاست دولت‌های امپریالیستی، یعنی دور نگاهداشتن "یونسکو" از مسائل حاد بین‌المللی، دیگر خریداری ندارد. بدین ترتیب بودکه یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین، علیرغم برخی مخالفت‌ها، دربیست‌و یکمین‌اجلاس "کنفرانس‌عمومی‌یونسکو" دربلگراد، به‌عنوان‌میهمان شرکت کرد و طی نطق خود قرارداد کمپ‌دیوید رابه شدت مورد انتقاد قرار داد و به موضع تسلیم طلبانه مصر در این زمینه حمله کرد. در همین اجلاس قطعنامه‌های مختلفی بتصویب رسید، که‌همگی بیانگر موضع "یونسکو" درارتباط با مسائل حاد بین المللی است. ازآنجمله‌اند قطعنامه درباره "نقش‌یونسکو" در آگاه‌ساختن افکار عمومی از مزایای توقف مسابقه تسلیحاتی وخلع‌سلاح"، قطعنامه مربوط به "همکاری فرهنگی و علمی بر پایه برابری و منافع متقابل کشورها به عنوان عامل اساسی در تحکیم صلح، دوستی وتفاهم‌میان ملت‌ها"، قطعنامه‌مربوط به "مشارکت "یونسکو" در آماده‌ساختن جوامع برای زندگی در محیطی صلح‌آمیز"

نیروهای مترقی موفق شدند که، علیرغم‌تمامی نیرنگ‌های‌مخالفین، مسئله "اهمیت‌پشتیبانی یونسکو از جنبش‌های آزادیبخش ملی" برسمیت شناخته‌شود. آنها‌توانستند به ویژه کمک به "سازمان‌آزادیبخش فلسطین" را در آخر این قطعنامه بگنجانند. هم‌چنین‌سیاست اسرائیل‌درسرزمین‌های‌اشغالی‌اعراب، بویژه کوشش‌های این‌رژیم در تغییر چهرهٔ تاریخی و فرهنگی قدس دراین‌کنفرانس محکوم شد. تلاش‌برخی از هیئت‌های نمایندگی‌برای مطرح‌کردن به‌اصطلاح "مسئلهٔ‌افغانستان" و "مسئله‌کامپوچیا" باشکست‌روبروگردید.

در شرایطی که‌امپریالیسم‌خبری بر وسائل ارتباط‌جمعی بین‌المللی چنگ‌انداخته‌است، "یونسکو"، هم‌چون دیگر سازمان‌های بین‌المللی، میتواند تریبون‌مستحکمی‌برای کشورهای "جهان‌سوم" باشد.

"یونسکو" طی زندگی ۳۵ ساله خود، فعالیت‌های چشمگیری درزمینه‌های‌آموزشی، علمی و فرهنگی داشته است. بخش‌آموزشی، که مهم‌ترین بخش‌این سازمان را تشکیل می‌دهد، به‌ویژه در تهیه واجرای‌طرح‌های‌مبارزه بابیسوادی، بادولت‌هائی که برای‌محو بیسوادی تلاش میکنند، همکاری‌دارد. "یونسکو" "همه‌ساله به‌کشورها یانهادهائی که در زمینه مبارزه با بیسوادی موفقیت‌های‌چشمگیری به دست‌می‌آورند، "جایزه کروپسکایا" را اعطا میکند. سال پیش این جایزه به‌اتیوپی ونیکاراگوئه انقلابی تعلق گرفت، "یونسکو" همچنین در امر آموزش کودکان‌آوارهٔ خلق فلسطین فعالیت میکند.

گستره دیگرفعالیت "یونسکو" علوم وفنون‌است. طرح‌های متعددی‌در این‌زمینه در دست‌اجراست. از آنجمله اندطرح‌آموزش فنی و توسعه درآسیای جنوب شرقی واقیانوس‌آرام، بیوتکنولوژی و میکربشناسی در آفریقا و کشورهای عربی، استفاده عقلائی از منابع آب در محیط روستائی، آثرات سموم نباتی، مسائل محیط زیست شهری، مسائل مناطق خشک و نیمه‌خشک و مسئله پیشروی‌ماسه‌های‌ساحلی درمصر وغیره.

در زمینه علوم اجتماعی، براثر انتشار مطالعات افشاگرانه "یونسکو" درباره افسانه برتری نژادی، آفریقای جنوبی بیست و پنج‌سال پیش (۱۹۵۶) ازعضویت سازمان کناره گرفت.

در زمینه فرهنگی "یونسکو" علاوه برانتشار بررسی‌های تحقیقاتی (ازجمله "تاریخ‌بشریت" و "تاریخ عمومی‌آفریقا"، که اکنون دوجلد آن منتشر شده‌است) درحفظ‌آثار باستانی بشریت نیز اقدامات چشمگیری انجام داده‌است.

"یونسکو" با محکوم ساختن سیاست فرهنگی اسرائیل در سرزمینهای‌اشغالی اعراب واقدام به‌حفاری در قدس، خصومت محافل صهیونیستی را علیه خود برانگیخت، همچنان‌که‌کشورهای امپریالیستی نیز از اینکه "یونسکو" بنیادهای سیاسی، اقتصادی‌وحتی فلسفی "غرب" را مورد تردید قرار داده‌است، ناخشنودند.

امروزه، حضور فعال کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای سوسیالیستی در "یونسکو" موجب شده‌است که این سازمان‌بیش از پیش درنیل به‌هدف‌های بشر دوستانه خود توفیق پیدا کند.

جبههٔ آزادیبخش «فارابوندو مارتی» مواضع خودرا استحکام می‌بخشد

در شرایطی که‌هرروز سیل کمک‌ها وسلاحهای آمریکائی برای‌سرکوب رزمندگان انقلابی جبهه‌آزادیبخش "فارابوندو مارتی" به‌السالوادور جاری‌است، انقلابیون السالوادور بی‌هراس ازشقاوت‌بهیمی مزدوران آمریکایی بیش از پیش مواضع خودرا در روبیدن‌رژیم‌آمریکائی تحکیم می‌کنند. آنها برای افشای تبهکاری‌های‌این رژیم و رساندن پیام‌انقلاب به‌مردم قهرمان السالوادوردر۶ژانویه ۱۹۸۱ ایستگاه رادیوی "رادیوونسرموس" را بکار انداخته‌اند.

عکس زیر گوینده رادیو ونسرموس را در حال مصاحبه با فرمانده جبهه آزادیبخش فارابوندو مارتی نشان‌می‌دهد.



دبیرکل سازمان ملل متحد چگونه انتخاب می‌شود؟

برپایه ماده ۹۷ منشور سازمان ملل‌متحد، هرپنج‌سال یکبار دبیرکل این‌سازمان‌رامجمع عمومی سازمان‌ملل متحد بنا بر توصیه شورای امنیت برمی‌گزینند. این‌توصیه باید باموافقت ۹ عضو (ازمجموع ۱۵ عضو) شورای‌امنیت، ازجمله‌هرپنج‌عضودائمی شورا (اتحاد شوروی، ایالات‌متحده آمریکا، بریتانیا فرانسه‌وچین) صورت‌می‌گیرد. طبق آئین‌نامه مجمع عمومی، این‌نهاد در اجلاسی غیرعلنی به بررسی و رای‌گیری درباره توصیه شورای امنیت خواهد پرداخت. اما در عمل، تاکنون همه‌دبیران‌کل‌سازمان‌ملل‌متحددرجلسات علنی‌مجمع‌عمومی‌برگزیده شده‌اند.

دبیران کل سازمان ملل‌متحد تا کنون بشرح‌زیر بوده‌اند.

تریگولی (نروژ) ۱۹۴۶–۱۹۵۳

داگ‌هامرشولد (سوئد) ۱۹۵۳–۱۹۶۱

(وی درسال ۱۹۶۱ درسانحه‌ای‌هوایی درآفریقا به‌هلاکت‌رسید).

اوتانت (برمه) ۱۹۶۱–۱۹۷۱

کورت‌والدهایم دردسامبر سال ۱۹۷۱ به‌سمت‌دبیرکل‌سازمان‌ملل‌متحد انتخاب‌شدو در ژانویه‌سال ۱۹۷۲ شروع به‌کارکرد. وی‌دردسامبر ۱۹۷۶ باردیگر به‌این‌سمت انتخاب‌شد و تا ۳۱ دسامبر امسال به‌فعالیت‌خود ادامه خواهدداد.

کورت‌والدهایم چندی پیش در مقر سازمان ملل‌متحد در نیویورک اعلام داشت که در صورت توصیهٔ شورای امنیت و تصویب‌مجمع عمومی، حاضراست که پنج‌سال دیگر هم انجام وظیفه‌کند. دیگر نامزد این سمت احمد سلیم، وزیرخارجه تانزانیاست، که سازمان‌وحدت آفریقا درآخرین‌اجلاس خود در پایان ژوئن امسال او رابرای انتخاب به‌سمت دبیرکل سازمان ملل متحد پیشنهادنمود.

اتحادشوروی دوست...

بقیه‌ازصفحهٔ ۸

"سیلو درشهرهای‌مختلف ایران، موافقتنامه جهت ایجادتاسیسات‌تکثیر ماهی درآبهای‌جنوبی بحرخزر، موافقت نامه‌مبادلات‌فرهنگی بین دو کشور، موافقتنامهٔ همکاری‌بین دوکشور در امور مربوط به هواسنجی، موافقت‌نامه‌مربوط به همکاری فنی در ایجاد موسسات ذوب آهن وکارخانه ماشین سازی وکشیدن‌لوله‌گاز وغیره

انقلاب شکوهمند مردم‌ایران به رهبری‌امام‌خمینی بازگشای‌فصل‌نوینی درمناسبات پرثمر و سازنده اتحاد شوروی با میهن ما ایران است. در روزهائی که هنوز شاه ملعون‌خون‌مردم زحمتکش ورزمنده‌ایران را در خیابان‌ها وکوچه‌های‌ایران‌میریخت وسردمدار امپریالیسم‌آمریکا، کارتر، درهریک از مصاحبه‌های مطبوعاتی خودپشتیبانی خویش را از رژیم فاسد و خون‌آشام آریامهری اعلام‌میداشت، رهبرشوروی لئونید برژنف، درمصاحبه‌مطبوعاتی خودبامخبر روزنامه پراودا، پشتیبانی اتحادشوروی را از مردم‌ایران صریحاو رسماً اعلام‌داشت وامپریالیسم جهانخوارآمریکارا از هرگونه مداخله‌درامور ایران‌برحذر داشت. این‌سیاست‌لنینی دولت‌سوسیالیستی‌که‌زائیدهٔ انقلاب کبیراکتبر است، تا به‌امروز بزرگترین امکان‌واقعی‌رابرای حفظ استقلال‌و آزادی‌ایران‌وترقی‌ورفاه‌مردم‌زحمتکش ایجادکرده‌است. بهره‌گیری‌ازاین امکان‌واقعی بزرگ وظیفه گردانندگان امورکشور، وظیفهٔ همه‌نیروهای‌انقلابی، میهن‌دوست، استقلال طلب وآزادی‌خواه‌ایران‌است، که‌انقلاب‌شکوهمندمان‌وهنوزنوبنیاد جمهوری‌اسلامی‌ایران راقدرمی‌دانندوازجان‌ودل‌به‌آن‌خدمت می‌کنندوازانقلاب شکوهمندمان‌هنوزمدت درازی نگذشته‌است. در همین‌مدت‌تاریخی بس‌کوتاه‌نیز ما از ثمرات همکاری وپشتیبانی همسایهٔ شمالی‌مان‌بهره‌مند بوده‌ایم. لحظه‌ای هم نباید فراموش کرد که همهٔ مساعی دشمن شماره یک‌ما امپریالیسم امریکا ودست‌نشاندگان‌رنگارنگ‌راست و "چپ" او روی اخلال در مناسبات حسن‌همجواری، دوستی و همکاری دولت‌جمهوری اسلامی ایران‌بااتحاد شوروی متمرکز شده‌است. چون طبق رهنمود برژینسکی، "پایان حمایت سیاسی ازجمهوری اسلامی خمینی، خصوصا توسط اتحادجماهیرشوروی، حتمابه‌تضعیف مواضع سیاست‌خارجه رژیم خمینی منجر خواهدشد".

بر هواداران صدیق انقلاب اسلامی ضد استبدادی، ضد امپریالیستی‌ومردمی ایران، سازندگان نظام‌جمهوری‌اسلامی‌ایران و پیروان ایثارگر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام‌خمینی است که به‌خاطر تقویت مواضع‌سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری نوپایمان، درتقویت‌وگسترش مناسبات‌ایران بادولتی که خود محصول‌انقلابی دوران‌ساز بوده‌است، هرچه‌بیشتربکوشند.

جعفر کوش آبادی

در بیمارستان شهدا

آفتاب پائیز
روی بیمارستان
گوئیا خیمهٔ زرین زده بود
ودرخت زرد نارونی
مثل خمپاره درچرخش باد
منفجر می‌شد و صدها پاره، برگ از آن
به‌سرو صورت مردم می‌خورد

روی اقیانوس خاطرهٔ جانبازان می‌راندم
زیرانگشتان احساسم

نبض رشادت می‌زد

نوجوانی مغرور
خودرها کرده برامواج سپید شمد شمی گوید
ابر ها را جارو خواهم کرد
شمعدانیهای شادی درباغچه‌ها خواهم کاشت.
پا اگر نیست چه‌باک
با گل اندیشه
رنگ وبوی وطنم خواهم بود.

مردمجروحی می‌گوید آقا بخدا
نیمه‌های خ‌ گلگون شهادت بودم
ازدل سنگرمن
تا بهشت ملکوت
دوقدم فاصله‌بود
چه کنم بخت به من یار نشد
باردیگرکه روم جبهه ان‌شاءاله...

دخترملولی
آموافسوس...کنان می‌نالد
چه‌عروسک‌های کهنه‌ای زیبائی
مادرم دوخته‌بود
پدرم دلداری می‌دهدم
که‌عروسک‌هایم
درشب حملهٔ کفار به قلب سوسنگرد
ازدل خانه به‌گلگشت جهانی رفتند
که‌درآن
خبری ازخطرموشک وپرپرشدن جانها نیست
وبه‌جای همه بمب‌افکن‌ها
بادبادک‌های رنگارنگ
آسمانها را می‌پیمایند.
دل‌من می‌خواهد
بروم پیش عروسک‌هایم پاهایم

پسری
که درآیینهٔ چشمانش
برق‌کاشی‌های مسجدگوهرشادست
زیرلب می‌غرد
ما در این پیکار برحقمان با باطل
شیشهٔ عمر جهانخواران را می‌شکنیم
وگواه‌حرفم
پاسدار یست که بارغبت خون
بما سبزخمی می‌بخشید
وبه‌یارانش می‌گفت دلم می‌خواهد
انقلابم را باخونم صادربکنم
یا همان برزگر پیری
که‌بزیرچتر ترکش‌خمپاره گندم می‌کاشت
وسرآخرهم
جان‌خود مایه‌گذاشت
نهراسید برادرهایم
بازمی‌گردیم از جبهه آن‌لحظه که ماه
یک‌بغل‌نسترن وحشی بر دامن آبادان است
ودهان‌همه‌تان ازشهد پیروزی شیرین‌است

آفتاب پائیز
جگرخون شده‌ای بود کماز سینهٔ کوه
شیروانی‌ها را رنگ شقایق می‌زد
ومن‌خسته در ساحت بیمارستان
به‌تمامی لبریزازشور شهادت‌بودم
ودرآن تنگ‌غروب
ابرهای همهٔ گیلان از چشمانم می‌بارید.
شهریور ۶۰

در هفته‌ای که گذشت:

گام اول برای یك حرکت انقلابی

آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر جدید ایران انقلابی در سخنرانی خود، که قبل از خطبه‌ های نمازجمعه‌در دانشگاه‌تهران ایراد شد. رئوس‌برنامه‌های دولت را اعلام کرد.

نخست‌وزیر خط اقتصادی دولت را "خط حمایت از مستضعفان" اعلام کرد وگفت:

"میدانید بعداز پیروزی انقلاب دشمن ما امریکا با همهٔ نیروئی که در اختیار داشت، سعی‌نمود دراین جبهه مردم را به‌زانودربیاورد: حصراقتصادی آثاروگستردگی آن‌واضحتر ازآن‌است‌که درموردجزئیات‌آن‌صحبت کنم." (جمهوری اسلامی— ۹ آبان ۱۳۶۰)

نخست‌وزیرافزود: "خط اقتصادی دولت‌خط حمایت‌ازمستضعفان خواهد بود."

نخست‌وزیر در سخنان‌خودهم‌چنین به‌عزم دولت برای پیروزی در جنگ‌تحمیلی، که‌مسئلهٔ اصلی کشور است‌اشاره‌کرد، حل مسئله امنیت را نوید داد و تاکید کرد که ایران نظریه ایجادجبههٔ اسلامی برای مبارزه با امپریالیسم وصهیونیسم را به‌عنوان "محور سیاست خارجی" دنبال‌خواهد کرد.

اولین سخنان‌نخست‌وزیر جدید که درآن رئوس برنامه دولت اعلام شد، گام‌بلندی برای آغاز یک حرکت انقلابی‌است، که امروز جامعه ما به‌آن چشم‌امید دوخته‌است. مردم ایران چشم‌انتظار این هستند که با طرح دقیق برنامه دولت، که درآن از جمله باید شرایط فعالیت سیاسی گروه‌ها ی طرفدار انقلاب بر اساس قانون‌اساسی فراهم‌شود،

کشورانقلابی ما مرحله حساس کنونی را پشت سر بگذارد و به سوی آینده تابناکی حرکت کند.

بازهم امپریالیسم خبری

حجت‌الاسلام عبدالمجید معادیخواه، وزیر ارشاد اسلامی در پیامی که هفته گذشته خطاب‌به‌وزرای اطلاعات‌کشورهای غیرمتعهد جهان فرستاد — ولیست‌ترورها وجنایات امپریالیسم وایادی داخلی آن رانیز به‌همراه‌داشت— بار دیگر از ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم‌خبری پرده برداشت. وزیرارشاد اسلامی ایران در این پیام اعلام کرده است‌که:

"دشمن‌اصلی امریکا ومتحدانش" "عمیق‌ترین‌توطئه‌های‌خودراازمجرای بنگاه‌های‌سخن‌پراکنی‌خودوخبرگزاری‌های‌صهیونیستی با جعل خبر و نشر اکاذیب در جهان‌عملی‌می‌سازد و اخیرا این توطئه‌را وارونه جلوه‌دادن مقابله‌به‌حق امت‌ما باعوامل درونی شیطان‌بزرگ ومفسدین‌ومحاربین‌عملی می‌نماید." (کیهان— ۶ آبان ۱۳۶۰)

در ادامه پیام وزیر ارشاد اسلامی‌آمده‌است:

"مامطمئنیم که شما از ماهیت دروغ‌آفرین‌امپریالیسم خبری و تبلیغاتی جهانی به‌سرکردگی‌آمریکاو فلسفه وجودی آن بی‌خبر نیستید"، (همانجا) واضافه‌شده: "در حالی‌که ضدانقلاب حجیم‌ترین ودرعین‌حال زشت‌ترین وسیاه‌ترین‌کارنامه‌ها را تحویل گرفته، متقابلا امپریالیسم خبری بیشترین و بی سابقه‌ترین تبلیغات را در سطح جهانی به‌مثابه دایه‌ای دلسوز براماندا‌خته‌است." (همانجا)

به‌نظر ما، این سخنان افشا— گرانه وزیرارشاد اسلامی ایران عین واقعیت است. چنین موضع‌گیری در سطح‌جهان‌بسود انقلاب ایران‌وافشاگر بازهم‌بیشتر ماهیت‌پلید امپریالیسم خبری، بعنوان یکی از بازوهای‌اصلی امپریالیسم‌بسرکردگی امریکاست.

ماامیدواریم که روزنامه نگاران انقلابی میهن ما هم به‌عمق این سخنان وزیر ارشاد اسلامی‌توجه واز افتادن در دام امپریالیسم خبری پرهیز کنند. براستی که اهمیت این مسئله‌دررسانه‌های گروهی ما، که متاسفانه همچنان‌زیرتسلط امپریالیسم خبری‌هستند، صد چندان‌بیشتر از همیشه‌است.

معیاردرست

ایران‌انقلابی در هفته‌ای که گذشت، با انتشار اعلامیه‌ای توسط وزارت‌امور خارجه، جنبش‌آزادی — بخش السالوادور را برسمیت‌شناخت. دراین‌اعلامیه‌ازجمله آمده‌است:

"بدین‌وسیله دخالت‌ ها ی امپریالیسم آمریکا درالسالوادور را محکوم وحمایت کامل خودرا ازنیرو‌های‌انقلابی ومبارزان‌السالوادور که علیه دیکتاتوری نظامی فاسد وتحت‌الحمایه رژیم نظامی خوزه ناپلئون اورات می‌جنگند، خصوصا جبهه دموکراتیک انقلابی وجبهه آزادی — بخش ملی فارابوندومارتی را اعلام داشته واین جبهه‌ها را به‌رسمیت‌می‌شناسد." (جمهوری اسلامی —۴ آبان ۱۳۶۰)

آقای‌میرحسین‌موسوی وزیر امور خارجه وقت، در توضیح این شناسائی به‌خبرنگاران گفت:

"در السالوادور نیروهایی هستندکه علیه رژیم امریکائی‌حاکم در این‌کشورمبارزه‌می‌کنندوآنها با وجود نداشتن‌ایدئولوژی اسلامی، به این دلیل که علیه امپریالیسم، سلطه‌گری واستثمار واستعمار به‌مبارزه‌برخاسته‌اندمانیزبخاطراحساسات‌عمیق‌اسلامی‌و انسانی خودمان ازاین نیروها حمایت می‌کنیم." (اطلاعات— ۶ آبان ۱۳۶۰)

این‌موضع‌گیری انقلابی نشان می‌دهدکه سیاست خارجی ایران هر چه بیشتر به معیارهای درست دست می‌یابد وبه این واقعیت توجه می‌کند که‌نیروهای انقلابی‌درسراسرجهان، که علیه دشمن اصلی همه خلق های جهان، امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکامی‌رزمند، صرفنظر از مسلک و ایدئولوژی خود، در کنار یکدیگر قرار دارند و متحدان طبیعی هم هستند.

بارعایت عدالت، بهانه‌را از ضد انقلاب بگیریم

آیت‌الله‌موسوی‌اردبیلی، رئیس دیوان‌عالی‌کشور، دریک مصاحبهٔ تلویزیونی‌که هفته گذشته انجام‌شد، ضمن‌تاکیدبراین واقعیت که "جوسازی درمورددادگاه‌ها جنبه سیاسی دارد" به‌برخی‌ازاشتباهات در دادگاه‌ها ی انقلاب اشاره‌کرد و گفت:

"من نمی خواهم اینطور نظر بدهم که در میان این همه قضاوت‌ها در این همه محکمه‌هاهیچ تخلفی نشده. من‌نمی‌خواهم شعاربدهم. من میخواهم یکواقعیتی را روشن‌کنم که کارهائی در این سطح در این‌حجم و دراین موقعیت ممکن‌است یک‌درصدی هم گاهی اشتباه شده‌باشد. البته این‌اشتباه‌چون راجع به حقوق مردم است پی‌گیری می‌شود." (اطلاعات— ۵ آبان ۱۳۶۰)

آیت‌الله‌موسوی اردبیلی اضافه کرد: "چندی پیش قضاوتی در اهواز شده که به‌نظر شورای عالی قضائی هم رسید. این قضاوت حداقل یک اشتباه دارد. روی این اصل پرونده راخواستیم وبه‌دادگاه‌عالی‌فرستادیم‌و هم‌اکنون‌حاکم‌شرع این پرونده تحت محاکمه‌است که دفاع‌کند و حتی‌بعضی از حکام شرع که قبلامحکوم شده بودند، درحال حاضر در اوین‌هستند و دوران محکومیتشان را می‌گذرانند. گاهی این هست واین پیگیری میشود که‌این‌نقص‌ها و ضعف‌هاکه‌درکارهست برطرف شود." (همانجا)

این‌سخنان نشان‌می‌دهد که خوشبختانه نیروهای خط امام، با توجه به رویدادهای کشور، به‌مشکلات ومسائل‌توجه‌کرده‌وبرای‌حل‌آنها اقدام می‌کنند اما در مورد همین سخنان رئیس دیوانعالی کشور باید گفت، که دشمن‌خونخوار انقلاب از همین "اشتباهات"، ولو کوچک باشد، از همین "نقص"هاو "ضعف"ها، هرچند که‌مهم‌هم‌نباشد، استفاده‌میکندوعلیه انقلاب دست به‌جوسازی‌می‌زند. مسلما وقتی که‌مسئله تصمیم‌گیری دربارهٔ سرنوشت انسان‌ها و مرگ وحیات‌آنها است، چه‌بسا که یک اشتباه‌کوچک" به‌مرگ‌کسانی منجر شود. واینجاست که یک "اشتباه‌کوچک" به ماجرای بزرگی منجر میشود و دشمن هم که منتظر بهانه است، ازهمین‌اشتباهات برای تبلیغات ضدانقلابی خودسوء‌استفاده‌می‌کند. ودرست‌به همین‌خاطر است که‌انقلاب دراین‌لحظات‌حیاتی ازمسئولان‌کشور، بویژه‌مسئولان‌قضایی طلب‌می‌کنندکه بادقت هر چه بیشتر بامسائلی که باحیات انسان‌ها روبرو است، برخوردکنند. تنها ازاین‌طریق یعنی رعایت‌عدالت کامل‌است که جوسازی‌دشمن‌خنثی‌میشود.

آغازحرکت برای تصویب لوایح بنیادی بسود مستضعفان

هفته گذشته "در جلسه‌کمیسیون مسکن وشهرسازی"، "طرح قانونی اراضی‌شهری" که بعلت مخالفت شورای محترم‌نگهبان با پاره‌ای مواد آن‌متوقف‌شده‌بود، پس از پاسخ امام خمینی‌مدظله به ریاست مجلس شورای‌اسلامی مبنی بر تفویض‌اختیار استفاده از قوانین ثانویه به مجلس شورای‌اسلامی مجدداً درجلسات‌دیروز وامروز مورد بررسی قرارگرفت و با اصلاحاتی به‌تصویب رسید." (کیهان —۶ آبان ۱۳۶۰)

مردم‌ایران‌امیدوارندکه‌تصویب این‌لایحه آغاز حرکت‌برای طرح و تصویب لوایح بنیادی‌بسودمستضعفان باشد، که‌حل وفصل‌مشکلات‌اقتصادی کشورنیز در گروحل‌آنهاست‌ومتاسفانه به‌اندازه‌کافی‌هم درمورد‌آنها تاخیر شده‌است.

چشم «مجاهدین» روشن!

هرچه بیشتر میگذرد، واقعیت زندگی بیشتر و بیشتر پرده‌ازماهیت رهبری خائن مجاهدین‌برمیدارد. آخرین خبر فاش‌شده حکایت از این داردکه این‌آقایان، که خود را تنها مبارزان راستین علیه سرمایه‌داری می‌دانستند و لابد حالاهم‌می‌دانند ازجمله‌توسط ۱۵ تاجر بزرگ بازار تهران اداره میشده‌اند.

حجت‌الاسلام‌موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی، در گفت‌وگوئی با مجله پاسدار انقلاب، که روزنامه اطلاعات آنرا نقل‌کرده است، گفت:

"اخیرا هم یکی از کادرهای (مجاهدین) دستگیرشده که میشود گفت یکی از اعضای خیلی مهم است اوحدوده تا پانزده نفرازتجاربزرگ تهران، از فرش‌فروش‌ها وغیر فرش‌فروش‌ها را معرفی کرده. اینها کسانی بودندکه‌در زمان نظام‌شاهنشاهی هر عید و هر روزی به‌مناسبتی روزنامه‌ها را باتبریک به شاه‌وخانواده‌اش‌پرمی‌کردند وامروزهم به‌اینها (مجاهدین) کمک‌می‌کنند." (اطلاعات— ۷ آبان ۱۳۶۰)

— فقط می‌شودگفت چشم "مجاهدین" روشن!

وقایع مهم جهان در یک هفته

"اعتصاب همگانی" "همبستگی" در لهستان باشکست روبرو شد

پلنوم کمیتهٔ مرکزی "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان"، که در بوداپست برگزار شد، "نگرانی مردم مجارستان را از اقدامات آشکار نیروهای افراطی در لهستان علیه پایه‌های سوسیالیسم وقدرت طلبی این نیروها ابراز داشت.

در قطعنامهٔ پلنوم کمیتهٔ مرکزی گفته می‌شود که، این اقدامات "مغایر با قانون اساسی لهستان وبه‌زیان مردم این کشوراست، به‌تضعیف وحدت کشورهای سوسیالیستی می‌انجامد وصلح اروپا را به خطرمی‌اندازد."

پلنوم کمیتهٔ مرکزی "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" "همبستگی خودرا با رهبری حزب لهستان اعلام میکند ومعتقد است که، تنها اقدام مشخص می‌تواند ضد انقلاب را براندازد وبه‌تحکیم لهستان سوسیالیستی منتهی شود".

شورای وزیران لهستان خواستار پایان بخشیدن به‌همهٔ اعتصابات گردید این خواست دربیانیه‌ای دربارهٔ تصمیم رهبری "همبستگی" مبنی برفراخواندن اعتصابی همگانی مطرح‌شد بیانیهٔ شورای وزیران لهستان خاطرنشان میسازد که "گروههای افراطی "همبستگی" مردم رابا دشواریهای فراوان روبرومی کنند. مردم لهستان میتوانند به‌دوشرط ازاین دشواریها ایمن بمانند: نخست آن که به کاربارآوربپردازندودوم آن که به‌مقامات اجازه‌دهند، تادرراه اجرای سیاست اقتصادی خودکوشا باشند. جلوگیری از اقدام مقامات عمدی است وهدف از آن برانگیختن خشم مردم نسبت به‌حکومت سوسیالیستی وایجادجوی ستیزه‌جویانه است. به‌راه انداختن اعتصابات ویرانگر هرگونه‌مذاکره‌ای را میان دولت و "همبستگی" بیهوده‌می سازد".

عناصرافراطی رهبری "همبستگی" این اتحادیه‌را به‌فراخواندن اعتصابی همگانی درروز چهارشنبه ۶ آبان مجبور ساختند. "کمیسیون هماهنگی "حزب متحدکارگری لهستان"، "حزب متحد دهقانان" و "حزب دمکرات" یادآورشد که: دلیلی برای این اعتصاب یا اعتصابات دیگروجودندارد."

وویسیخ یاروزلسکی دراجلاس این کمیسیون اظهارداشت که:

"هرگونه‌کوششی برای مخاطرهٔ پایه‌های سیاسی، اقتصادی ودفاعی لهستان نقض‌وظایف میهنی است و واکنشی برابرباخطررا برخواهدانگیخت.

روزچهارشنبه ۶ آبان ۶۰ پنجمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی "حزب متحدکارگری لهستان" به‌ریاست یاروزلسکی درورشو تشکیل شد. این پلنوم فعالیتهای هیئت سیاسی رادرزمینهٔ اجرای تصمیمات پلنوم چهارم تاییدکرد.

یاروزلسکی درسخنرانی خوددر پلنوم گفت:

"هنگامی که‌حزب ودولت بار دیگر درراه‌بهبوداوضاع کشورمیکوشندکارزار جدیدی ازاعتصابات آغازشد."

یاروزلسکی دربارهٔ اعتصاب شش آبان ۶۰ گفت:

"این بار اعتصاب فراگیرنبود. برای نخستین بار سازمانهای "حزب متحد کارگری لهستان" واحزاب هم پیمان آن و سازمانهای اجتماعی ازجمله‌جوانان و سندیکاهای غیروابسته‌به "همبستگی" قاطعانه‌ووسیع بااین اعتصاب به‌مخالفت برخاستند."

یاروزلسکی افزود:

"حزب، "همبستگی" ونیروهای واقع بین درون آن رافرامی خواندتا روشی سازنده‌درپیش‌گیرندوبه‌اعتصابات پایان دهند."

رهبرکمونیستهای لهستان خاطرنشان ساخت‌که:

"لهستان سوسیالیستی باقی خواهدماندوازهیچ‌کوششی برای دفاع ازلهستان سوسیالیستی فروگذارنخواهد شد."

سلاح‌های امپریالیست‌های آمریکا و بریتانیا برای برتری جویان پکن

یک‌هیئت بریتانیایی، که در راس آن فرمانده ستاد مشترک این کشور قراردارد، برای مذاکره درباره شرکت بریتانیا در مدرنیزه کردن نیروهای مسلح‌چین‌وارد پکن شد.

به‌گزارش خبرگزاری‌ها، این‌مذاکرات واگذاری سلاح‌های بریتانیایی را به چین در برخواهدگرفت.

ازسوی دیگر، هوان‌هوا، وزیرخارجه چین، در واشینگتن باریگان، هیگ، واین‌برگر و بوش ملاقات خواهد کرد. در این ملاقات‌ها واگذاری سلاح‌های آمریکایی به‌چین وهم پیمانی‌نظامی ـ استراتژیک دو کشور بررسی خواهد شد.

"خونتا"ی السالوادور تاکنون ۳۰ هزار نفر راکشته است

"خونتا" ی‌حاکم بر السالوادور بیهوده‌می‌کوشد تا باپیکار نیروهای میهنی به‌مقابله‌بپردازد. به گزارش "جبهه‌آزادی‌بخش‌ملی فارابوندومارتی" درگیری‌های سختی در هشت استان السالوادور میان انقلابیون و رژیم وابسته‌به آمریکا آغاز شده‌است. در مناطق خاوری اطراف پایتخت، "نیروهای‌تنبیهی"، که قصدحمله‌به‌چریک‌ها راداشتند، باتحمل تلفات فراوان وادار به‌عقب‌نشینی گردیدند. این‌نیروها در ۲۱ روزاول‌اکتبر درحدود ۲۸۰ نفر راازدست دادند.

دوش‌بدوش‌سربازان "خونتا" ی السالوادور، نیروهای‌ویژه گواتمالایی نیزبه‌رهبری مشاوران آمریکایی علیه مردم‌السالوادور می‌جنگند.

"ون‌سرموس"، رادیومخفی میهن دوستان‌السالوادور، نیروهای "خونتا" رامتهم‌ساخت که، در شهر سن‌آئوگوستین ۴۰ نفررا کشته‌اند. این کشتار به انتقام‌جویی‌ازشکست "عملیات‌تنبیهی" این‌نیروها صورت‌گرفت.

"خونتا" به‌تهاجم وسیع دیگری باشرکت ۲۵ هزارسربازعلیه‌میهن‌دوستان دست‌زده‌است. علیرغم تجهیز این‌نیروها به‌سلاح‌های مجهز آمریکایی ورهبری کارشناسان‌ایالات‌متحده، تاکنون‌چیزی جز شکست نصیب نیروهای "خونتا" نشده‌است.

در دوسال فرمانروائی "خونتا" بیش از ۳۰ هزار نفر به هلاکت‌رسیده‌اند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
صاحب امتیازومدیرمسئول:
محمودا عتمادزاده (م. ا. بهآذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

"هفته جهانی مبارزه در راه خلع سلاح" باشکوه فراوان برگزار شد

"هفته‌جهانی مبارزه در راه خلع سلاح" با تظاهرات عظیم علیه تهدید موشک‌های هسته‌ای ایالات‌متحده برگزار شد.

در ایتالیا ۱۵۰ هزار نفر از سراسر کشور در "راه‌پیمایی ملی صلح" در رم شرکت کردند.

در لندن تظاهرات ضدجنگ بی‌سابقه‌ای باشرکت ۲۵۰ هزارنفربرگزار شد.

گردهمایی‌ها وتظاهرات‌گسترده علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای‌میان بردجدید آمریکا در اروپا و تولید کلاهک‌های نوترونی درروزهای‌اخیر اتریش آلمان‌فدرال، فرانسه، فنلاند، سوئد، چکسلواکی، بلژیک، برلین غربی و جمهوری دمکراتیک آلمان را فراگرفت.

درتوکیو تظاهراتی علیه‌تکرار احتمالی تراژدی‌های‌هیروشیماوناکازاکی صورت‌گرفت. درپایان جنگ‌دوم‌جهانی بمب‌های‌اتمی آمریکا در این دوشهر به‌مرگ ۳۰۰ هزار نفر انجامید.

"شورای صلح‌بنگلادش" حضور نظامی فزاینده ایالات‌متحده را در اقیانوس هند محکوم ساخت.

اولوف‌پالمه، نخست‌وزیر سابق سوئد ضرورت توجه‌جدی به تظاهرات وسیع ضدجنگ را در سراسر اروپاخاطرنشان‌کرد. او در سازمان‌ملل‌متحد، به عنوان‌رئیس "کمیته‌بین‌المللی امنیت وخلع سلاح"، در چارچوب "هفتهٔ جهانی‌مبارزه در راه خلع سلاح" سخن می‌گفت.

به‌گفته اولوف‌پالمه، "تظاهرات‌اروپا نگرانی ژرف مردم را از مسابقه تسلیحاتی بازمی‌تابد."

بیش از ۱۲۰ هزار نفردر تظاهرات باشکوهی در هلسینکی و ۵۳ شهر دیگر فنلاند شرکت و استقرار موشک‌های‌میان‌بردهسته‌ای جدیدآمریکا وتولید بمب‌نوترونی را در خاک اروپامحکوم کردند.

"حزب‌کارگر" هلند، که‌یکی ازبزرگترین‌حزب‌های‌سیاسی هلند بشمارمی رود، مخالفت شدید خودرا بااستقرار موشک‌های هسته‌ای میان‌برد جدید آمریکا درکشوریادآورشد. اعلامیه‌ای که رهبری این حزب انتشار داد، خاطر نشان می‌سازد که "حزب‌کارگر" درهر ائتلافی که شرکت کند، مخالفت خودرا با تبدیل هلند به "پرتابگاه موشک‌های‌هسته‌ای آمریکا ابراز خواهد داشت.

ژرژ مارشه، دبیرکل "حزب‌کمونیست‌فرانسه"، به‌سرشت‌توده‌ای‌جنبش صلح‌اشاره‌کرد. وی گفت:

"دولت‌آمریکا باید بداند، که مردم اروپانمی‌خواهند جنگ افزارهای هسته‌ای در خاک آنها استقرار یابد.

سوریه به‌کشورهای اروپای غربی هشدارداد

سوریه‌مخالفت خودرا باهر گونه اقدام‌کشورهای اروپای غربی دربارهٔ باصطلاح "سپاه‌چندملیتی" در سینا ابرازداشت. معاون وزارت‌خارجه‌سوریه موضع‌کشورخودرا به سفیران‌کشور های "بازارمشترک" توضیح‌داد. وی یادآور شدکه، سوریه‌هرگونه شرکت این‌کشورها رادر "سپاه‌چندملیتی" بمنزله‌پشتیبانی ازقرارداد "کمپ‌دیوید" تلقی خواهد کرد، که از نظر سوریه‌مردود است.

موج اختناق در مصر ادامه دارد

پلیس مصر عده‌ای از مخالفان مسلمان رژیم این کشور را بازداشت‌کرد گزارش‌های رسمی از بازداشت ۵۵۳ تن پس از ترور سادات سخن‌میگویند. ولی درواقع شماره بازداشت‌شدگان به‌مراتب ازاین بیشتراست (بگزارش "یو.پی.آی" سه‌برابر این رقم).

در این‌میان، درگیری‌های مسلحانه در بخش‌های گوناگون قاهره صورت‌گرفت و در جریان آنها عده‌ای کشته یازخمی شدند.

آمریکا انعقاد پیمان نظامی را میان مصر، سودان و سومالی تدارک می‌بیند

وزارت‌دفاع‌آمریکا به "کنگره" اطلاع‌داد که در نظر دارد به سودان تانک‌های سنگین "ام ـ ۶۰" و دیگر تجهیزات‌نظامی به‌ارزش ۳۶ میلیون دلارواگذار کند. "کمک" نظامی امریکا به‌سودان‌همچنین جنگنده‌های "اف ـ ۱۵" و "اف ـ ۱۶"، سلاحهای‌ضدتانک ووسائل‌رادار را به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار در برخواهد گرفت.

قصد آمریکا علم‌کردن پیمانی نظامی میان مصر، سودان‌وسومالی برای تجاوزبه‌لیبی و دیگر کشورهای مترقی منطقه‌است.

ازسوی‌دیگر، به‌گزارش "خبرگزاری فرانسه"، آمریکا از پایگاه‌های خود در ایتالیا و یونان‌برای‌پروازهای جاسوسی برفراز سواحل لیبی استفاده می‌کند. این‌پروازها همچنین‌ازکشتی‌های مستقر درمدیترانه صورت‌می‌گیرد.

منابع نزدیک به "پنتاگون" به استماع مخابرات دولتی لیبی و دیگر کشورهای منطقه اعتراف کرده‌اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر رژیم آپارتید را محکوم کرد

"مجمع‌عمومی سازمان ملل‌متحد "خواستار ریشه‌کنی هرگونه نژادپرستی شدوسیاست‌آپارتید آفریقای جنوبی را محکوم کرد.

قطعنامه‌های "مجمع‌عمومی"، که با اکثریت‌قاطع تصویب‌شد، تجاوزات رژیم "پرتوریا" راعلیه آنگولا، بوتسوانا، موزامبیک وزامبیا محکوم ساخت. دراین‌قطعنامه‌ها همچنین از کشورهای "ناتو" وشرکت‌های فراملیتی بخاطر توسعه روابط با "پرتوریا"، ازجمله مناسبات نظامی، انتقاد شده‌است.

"کمیته‌سازمان‌ملل‌متحد درباره آپارتید" پیشنهادکرده‌است که "مجمع عمومی "سال ۱۹۸۲ را بعنوان "سال مبارزه برای تحریم آفریقای جنوبی" اعلام دارد.

به‌عقیده "کمیته"، فزون بر کشورها وسازمان‌های بین‌المللی، کارزار مخالفت‌بارژیم نژادپرست بایدسندیکاهای‌کارگری، سازمان‌های‌زنان‌وجوانان وکلیسا را نیز در برگیرد. هدف از این کارزار پیشبرد موثرتوصیه "کنفرانس بین‌المللی درباره تحریم آفریقای‌جنوبی" خواهد بود، که بهار امسال در پاریس برگزار شد. این کنفرانس توصیه‌کرد، که آفریقای جنوبی همه جانبه، ازجمله در زمینه دریافت سلاح، تحریم‌گردد.

رهبران یمن شمالی و شوروی خواهان حل مسئلهٔ خاورمیانه درکنفرانسی بین المللی شدند

لئونید برژنف ضرورت شکستن بن‌بست‌مسئله خاورمیانه و یافتن راه حلی عادلانه را برای آن یادآورشد. وی گفت:

"نبود چنین راه‌حلی تنها به‌سود تجاوزکاران ونیروهایی است، که خواستار سیادت برجهان عرب هستند."

لئونید برژنف روزسه‌شنبه ۵ آبان ۶۰ این‌سخنان را در ضیافتی بافتخار علی‌عبدالله‌صالح، رئیس‌جمهوری‌عربی یمن (یمن‌شمالی) بزبان‌آورد.

برژنف به‌وخامت اوضاع درخاورمیانه‌وتهدید امنیت ـ لیبی اشاره‌کرد. اوپیشنهاد شوروی را درباره فراخوانی کنفرانس بین‌المللی پیرامون مسئلهٔ خاورمیانه تکرار نمود. به‌گفتهٔ رهبر شوروی:

"دراین‌کنفرانس باید "سازمان آزادیبخش‌فلسطین" و کشورهای عربی هم‌مرز با اسرائیل وخوداسرائیل‌شرکت جویند."

درپایان‌دیدار رسمی رهبر "جمهوری‌عربی‌یمن" از اتحاد شوروی اعلامیه‌مشترکی منتشر شد که درآن از جمله، اظهارات نامبرده بازتاب یافته است.

مخالفت مردم اسپانیا با پیوستن به بلوک "ناتو"

کنگره "حزب‌سوسیالیست‌کارگری اسپانیا" درپایان‌همایش‌خود درمادرید مخالفت‌حزب‌را باعضویت اسپانیا در "ناتو" تائیدکرد.

نظرخواهی‌های اخیر دراسپانیا، حاکی‌ازآنست‌که، ۵۲ درصد اسپانیایی‌ها باکوشش دولت‌اسپانیا برای‌کشانیدن این‌کشوربه‌بلوک "ناتو" مخالفند. بیش ازیک‌میلیون‌زن‌ومرد اسپانیایی درفراخوانی‌خواستار برگزاری‌همه‌پرسی در اینباره شده‌اند.

درشهرهای والن‌سیا، کوردووا و گوادولاهار تظاهرات بزرگی علیه عضویت اسپانیا در بلوک تجاوزکار "ناتو" صورت‌گرفت.

"کنگره‌نمایندگان" (مجلس) اسپانیاپیشنهاددولت‌رادرباره‌پیوستن به "ناتو" تصویب‌کرد. ماه‌آینده سنای اسپانیادراینباره‌تصمیم خواهدگرفت.

کنسرن های آمریکائی باواگذاری "آواکس" به عربستان ۸/۵ هزارمیلیون دلار به جیب خواهند ریخت

دولت‌ریگان نظر خودرا مبنی بر فروش‌جنگ‌افزارهای مدرن، ازجمله هواپیماهای "آواکس" به عربستان سعودی برسنای آن‌کشورتحمیل ساخت. این‌معامله ۸/۵ هزارمیلیون دلاربه‌جیب شرکت‌های آمریکایی خواهد ریخت.

فروش‌هواپیماهای "آواکس"، که کارشناسان‌آمریکائی آنهارا هدایت خواهند کرد، نشانه‌کوشش‌آمریکا برای گسترش حضورسیاسی ونظامی خود در خاورمیانه‌است. به‌عقیده‌ناظران‌عرب، ازهواپیماهای "آواکس" برای جاسوسی بسوداسرائیل‌استفاده‌خواهد شد.

یادآوری

باپوزش ازخوانندگان گرامی دنبالهٔ مقالهٔ "سرگذشت رنج‌و رزم خلق‌قهرمان فلسطین" به‌علت‌تراکم مطالب درهفتهٔ آینده‌چاپ خواهد شد.